

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی اقتصاد گرایش بانکداری
اسلامی

عنوان پایان نامه

تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران

استاد راهنما:

دکتر خدیجه نصراللهی

استاد مشاور:

دکتر مهدی طغیانی

دانشجو:

سحر مرادی

آذر ماه ۱۳۹۷

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب سحر مرادی دانشجوی مقطع دکتری کارشناسی ارشد رشته اقتصاد گرایش بانکداری اسلامی متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این رساله / پایان نامه و پرونده‌های منتشره در این رابطه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این رساله / پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. لذا در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) دانشگاه اصفهان حق دارد مدرک تحصیلی صادر شده برای اینجانب را از اعتبار ساقط و ضمن درج عام موضوع در جراید کثیرالانتشار، کلیه امتیازات و حقوقی که به موجب آن در طی دوره تحصیل و مدت زمان بعد از فراغت از تحصیل تا اثبات تخلف به ذی‌نفعان تعلق گرفته را مسترد گرداند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه اصفهان می‌باشد.

امضاء

نام و نام خانوادگی دانشجو: سحر مرادی

امضاء

تایید استاد (استادان) راهنما : خدیجه نصراللهی



حوزه معاونت پژوهش و فناوری

به نام خدا

دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه اقتصاد

پایان نامه آقای / خانم

سحر مرادی

دانشجوی اقتصاد گرایش بانکداری اسلامی تحت عنوان

تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران

به عنوان بخشی از ملزومات درجه کارشناسی ارشد

در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۴ توسط هیات داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا	دانشگاه یا موسسه	مرتبه دانشگاهی	نام و نام خانودگی	
	دانشگاه اصفهان	دانشیار	دکتر خدیجه نصراللهی	۱. استاد راهنما
	دانشگاه اصفهان	استادیار	دکتر مهدی طغیانی	۲. استاد مشاور
	دانشگاه اصفهان	دانشیار	دکتر محمد واعظ برزانی	۳. داور داخل گروه
	دانشگاه اصفهان	استادیار	دکتر وحید مقدم	۴. داور خارج از گروه

امضاء مدیر گروه

من پاکستانی

خدای را سپاس که به من توفیق اعطا نمود که پژوهش حاضر را به انجام برسانم. در راستای انجام این پژوهش همواره مورد لطف و عنایت عزیزانی بوده‌ام که بر خود لازم می‌دانم مراتب قدردانی خود را نسبت به آنها ابراز نمایم.

با خالصانه‌ترین مراتب تقدیر و تشکر از:

- استاد گرانقدر راهنما، سرکار خانم دکتر نصراللهی که صمیمانه و دلسوزانه از ابتدا تا انتها، هدایت‌گر من در انجام این پژوهش بوده‌اند و نصیحت‌های گرم و دلسوزانه ایشان، همواره دلگرمی بزرگ من بود، برای ایشان سلامتی، همراه با موفقیت روزافزون آرزومندم.
- استاد ارجمند جناب آقای دکتر طغیانی که مشاوره این پژوهش را برعهده گرفتند و تجربیات ارزنده خویش را جهت به سرانجام رسیدن آن در اختیار اینجانب قرار دادند.
- خانواده‌ی خوب و مهربانم و دوست عزیزم مینا شرفی، که صمیمانه بنده را در انجام پژوهش حاضر یاری نمودند.

.

..

تن تقدیم نامه.

پدر بزرگوار، مادر و خواهر مهربان و دلسوزم که با تلاش و عشق به من زندگی آموختند، ناملایمات را به جان خریدند و با فراهم آوردن آسودگی و آرامش مرا به سمت موفقیت سوق دادند.

چکیده

این تحقیق با هدف تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی از طریق متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره، تفکیک رئیس هیئت‌مدیره از مدیرعامل، اندازه هیأت‌مدیره، سهام‌داران نهادی و سهام‌داران عمده بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران انجام گرفته است.

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و به روش تحلیل محتوا انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۱۳ بانک خصوصی است که برای دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به‌منظور برآورد مدل و آزمون فرضیات از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، افزایش سهم سهام‌داران نهادی تأثیر مثبتی بر عملکرد بانک‌های اسلامی ایران داشته و تأثیر افزایش سهم سهام‌داران عمده و تفکیک رئیس هیئت‌مدیره از مدیرعامل منفی، بوده است.

کلید واژه‌ها: بانکداری بدون ربای ایران، حاکمیت شرکتی، عملکرد بانک، مدیریت ریسک، نظریه نمایندگی، سهام‌داران نهادی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول، کلیات پژوهش
۱-۱-۱	مقدمه
۲-۱-۲	شرح و بیان مسأله پژوهش
۳-۱-۳	اهمیت و ضرورت پژوهش
۴-۱-۴	اهداف پژوهش
۴-۱-۴	۱-۴-۱. هدف اصلی
۴-۱-۴	۲-۴-۱. اهداف فرعی
۴-۱-۵	۱-۵-۱. فرضیه‌های پژوهش:
۴-۱-۵	۱-۵-۱. فرضیه اصلی:
۴-۱-۵	۲-۵-۱. فرضیه‌های فرعی:
۵-۱-۶	۶-۱-۱. کاربرد نتایج پژوهش:
۵-۱-۷	۷-۱-۱. روش پژوهش:
۵-۱-۷	۱-۷-۱. نوع پژوهش و روش بررسی فرضیه‌ها
۵-۱-۷	۲-۷-۱. مراحل اجرایی پژوهش
۶-۱-۸	۸-۱-۱. قلمرو پژوهش
۶-۱-۸	۱-۸-۱. قلمرو مکانی پژوهش
۶-۱-۸	۲-۸-۱. قلمرو زمانی پژوهش
۶-۱-۹	۹-۱-۱. ابزار گردآوری داده‌ها
۶-۱-۱۰	۱۰-۱-۱. ابزار تجزیه و تحلیل
۶-۱-۱۱	۱۱-۱-۱. تعاریف واژگان کلیدی
۷-۱-۱۲	۱۲-۱-۱. خلاصه فصل
	فصل دوم، مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش
۸-۱-۲	۲-۱-۱. مقدمه
۹-۲-۲	۲-۲-۱. اصول شکل‌گیری بانک در نظام اقتصادی اسلام
۹-۲-۲	۱-۲-۲. معاملات جای‌گزین ربا در اقتصاد اسلامی
۱۰-۲-۲	۲-۲-۲. تعریف بانکداری اسلامی
۱۱-۲-۲	۳-۲-۲. تاریخچه بانکداری اسلامی در جهان
۱۱-۲-۴	۴-۲-۲. تاریخچه بانکداری اسلامی در ایران

عنوان

صفحه

۳-۲- مفهوم حاکمیت شرکتی.....	۱۴
۱-۳-۲- مبانی نظری حاکمیت شرکتی	۱۴
۲-۳-۲- الگوهای حاکمیت شرکتی در کشورها	۱۹
۳-۳-۲- نقش حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی	۲۱
۴-۳-۲- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD).....	۲۳
۵-۳-۲- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB)	۲۳
۶-۳-۲- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه بانک تسویه بین المللی (BIS).....	۳۱
۷-۳-۲- اصول ۱۴ گانه بهبود حاکمیت شرکتی از دیدگاه کمیته نظارت بانکی (BCBS).....	۳۵
۸-۳-۲- جمع بندی اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه های (OECD)، (BIS)، (IFSB) و (BCBS) ..	۳۷
۹-۳-۲- ابزارهای نظام بانکداری اسلامی در پیاده سازی حاکمیت شرکتی	۳۸
۱۰-۳-۲- حاکمیت شرکتی در ایران	۴۲
۴-۲- مفهوم عملکرد بانک	۴۴
۱-۴-۲- شاخص های ارزیابی عملکرد بانک	۴۵
۵-۲- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:	۴۶
۱-۵-۲- مطالعات داخلی	۴۶
۲-۵-۲- مطالعات خارجی	۴۸
۶-۲- خلاصه و جمع بندی	۵۲
فصل سوم، روش پژوهش	
۱-۳- مقدمه	۵۳
۲-۳- روش پژوهش	۵۴
۳-۳- جامعه آماری	۵۵
۴-۳- روش های جمع آوری اطلاعات	۵۵
۵-۳- الگوی پژوهش	۵۵
۱-۵-۳- متغیرهای پژوهش و نحوه سنجش آنها	۵۹
۶-۳- روش برآورد مدل پژوهش	۶۱
۱-۶-۳- آزمون های تشخیص در داده های ترکیبی	۶۱
۲-۶-۳- پایایی متغیرها در داده های ترکیبی	۶۲
۷-۳- خلاصه و جمع بندی	۶۳

فصل چهارم، تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۶۴	۱-۴-۱- مقدمه
۶۵	۲-۴-۲- تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش
۶۵	۳-۴-۳- تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش
۶۵	۴-۴-۴- معرفی الگوی پژوهش
۶۶	۱-۴-۴-۱- آزمون ریشه واحد
۶۷	۲-۴-۴-۲- آزمون F لیمر
۶۷	۳-۴-۴-۳- آزمون هاسمن
۶۸	۴-۴-۴-۴- برآورد مدل
۶۸	۵-۴-۴-۵- آزمون فرضیه‌های پژوهش
۷۰	۵-۴-۵- خلاصه فصل

فصل پنجم، خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۷۱	۱-۵-۱- مقدمه
۷۲	۲-۵-۲- خلاصه پژوهش
۷۲	۱-۲-۵-۱- نتایج آزمون فرضیه اول
۷۳	۲-۲-۵-۲- نتایج آزمون فرضیه دوم
۷۳	۳-۲-۵-۳- نتایج آزمون فرضیه سوم
۷۴	۴-۲-۵-۴- نتایج آزمون فرضیه چهارم
۷۵	۵-۲-۵-۵- نتایج آزمون فرضیه پنجم
۷۵	۶-۲-۵-۶- نتایج آزمون فرضیه اصلی
۷۵	۳-۵-۳- محدودیت‌های پژوهش
۷۶	۴-۵-۴- پیشنهادها برای پژوهش
۷۶	۱-۴-۵-۱- پیشنهادها برای کاربردی
۷۶	۲-۴-۵-۲- پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی
۷۷	منابع و ماخذ
۸۰	پیوست‌ها

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۲۹.....	جدول ۱-۲ بازیگران اصلی حاکمیت شرکتی در مؤسسات اسلامی
۶۵.....	جدول ۱-۴ شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش
۶۶.....	جدول شماره ۲-۴ نتایج آزمون هریس- تاوالیس
۶۷.....	جدول شماره ۳-۴ نتایج آزمون F لیمر برای مدل پژوهش
۶۷.....	جدول شماره ۴-۴ نتایج آزمون هاسمن فرضیه‌های پژوهش
۶۸.....	جدول شماره ۴-۵ ضرائب الگوی برآورد شده

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

در فصل اول موضوع پژوهش و مسأله‌ای که پژوهش به دنبال آن است، مطرح می‌شود. هم‌چنین منطق و علل انتخاب موضوع، بیان شده تا خواننده به اهمیت موضوع در زمینه‌های نظری و عملی آگاه شود. این فصل سرآغازی بر فصل‌های آتی است که به‌طور کلی و مختصر کلیات پژوهش را عنوان می‌کند. در این فصل، کلیات پژوهش شامل شرح و بیان مسئله، اهداف، اهمیت و ارزش، کاربرد نتایج، فرضیه‌ها، روش پژوهش و در نهایت واژگان کلیدی ارائه شده است.

۱-۲- شرح و بیان مسأله پژوهش:

ریسک را می‌توان تغییر پذیری یا بی‌ثباتی نتایج نهایی تعریف نمود. ریسک اعتباری، ریسک نرخ بهره، ریسک بازار (قیمت)، ریسک طرف قرارداد، ریسک نقدینگی، ریسک تسعیر ارز، ریسک اهرم مالی، ریسک وام‌های دولتی، ریسک سیاسی، ریسک عملیاتی، ریسک‌های مختلفی هستند که بانک‌ها با آن مواجه‌اند. بنابراین بانک‌ها از راه‌های گوناگون درصدد پیش‌گیری یا انتقال ریسک‌ها بوده و یا در پی اقدامات بازدارنده هستند.

مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا به دلیل وجود چارچوب‌های شرعی معین همانند باطل بودن معاملات غرری، تحریم ربا و به‌واسطه آن ممنوعیت استفاده از ابزارهای متعارف مالی مبتنی بر قرض با بهره چون اوراق قرضه اهمیت دو چندان دارد و با مدیریت ریسک در بانکداری متعارف متفاوت است (شعبانی و عادل رستخیز، ۱۳۹۱). با توجه به این مخاطرات، بانک‌های اسلامی به‌منظور بقا، رشد و ثبات سودآوری در صنعت مالی کنونی نیازمند مدیریت ریسک هستند.

علاوه بر این یکی از مهم‌ترین بخش‌های بانکداری اسلامی، عقود مشارکتی است و در این عقود، سپرده‌گذاران به نوعی مشارکت در سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که بانک‌ها بطور قابل توجهی از اطلاعات بیشتری در مورد آن سرمایه‌گذاری‌ها برخوردار می‌باشند و سپرده‌گذاران که به نوعی سرمایه‌گذاران طرح‌ها بشمار می‌آیند با عرضه وجوه خود چیز ملموسی را دریافت نکرده و تنها منتظر تحقق وعده‌هایی می‌شوند که قرار است در آینده تحقق یابد. بنابراین در فضایی که عدم تقارن اطلاعات وجود داشته و سودهای انتظاری نامعین بوده و از پیش تعیین شده نیستند، لزوم ایجاد ساختارها و قواعدی برای حمایت از حقوق سپرده‌گذاران احساس می‌شود.

حاکمیت شرکتی به معنای مجموعه قواعد، ساختارها و رویه‌های اداره بانک است که در سطح کلان در صدد دستیابی به سلامت و ثبات نظام بانکی بوده و در سطح خرد (بانکی) در صدد دستیابی به منافع قانونی ذی‌نفعان و جلوگیری از فساد و ایجاد شفافیت و پاسخگویی است (شهبازی غیائی و ترابی‌فر، ۱۳۹۵).

مهم‌ترین نظریه‌ای که به برقراری حاکمیت شرکتی در بازارهای مالی بالاخص بانک‌ها تأکید دارد، نظریه نمایندگی می‌باشد (فرزین‌وش و همکاران، ۱۳۹۶). در نگاه کلی این نظریه روابط بین مالک و سپرده‌گذاران را توضیح می‌دهد، اما به‌طور خاص در بازار بورس رابطه بین سهامداران و مدیران شرکت رابطه نمایندگی و در این رابطه احتمال وجود تضاد بین سهامداران و مدیران، نظریه نمایندگی نامیده می‌شود. دو مشکل اصلی که تئوری نمایندگی به آن اشاره دارد شامل مشکلاتی که در صورت تضاد منافع بین مالکان و مدیران بوجود می‌آید و مالکان را از تأیید صحت انجام کار

توسط مدیران ناتوان می‌سازد و مشکلاتی که اختلاف نگرش مالکان و مدیران شرکت در مواجهه با ریسک به وجود می‌آید.^۱

در واقع حاکمیت شرکتی در قالب ۱۴ اصل مسئولیت‌های کلی هیأت مدیره، کیفیت و ترکیب هیأت مدیره، ساختار و رویه‌های هیأت مدیره، مدیریت ارشد (مدیرعامل)، واحد مدیریت ریسک، شناسایی ریسک، پایش و کنترل آن، ارتباطات ریسک، رعایت الزامات (تطبیق)، حسابرسی داخلی، جبران خدمات، حقوق و مزایا، شفافیت و افشاء و نقش ناظران است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴).

اکنون با توجه به این مطلب که بانکداری اسلامی با دارا بودن محرک‌هایی هم‌چون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص در بانکداری، الزام افراد به رعایت اخلاق فردی و شرایط اخلاق‌مدارانه محیط اجتماعی - سیاسی جامعه اسلامی می‌تواند شرایط مناسبی را برای تحقق حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی فراهم آورد و از ابزارهای این شیوه‌ی حاکمیت نظیر مدیریت ریسک، نظارت و شفافیت استفاده نماید (سلطانی و نعمتی، ۲۰۱۶).^۲ این سؤال مطرح می‌شود که آیا حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی ایران توانسته اثرات خوبی از خود برجای بگذارد و به بهبود چشمگیر عملکرد در این سیستم منجر شود؟

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی از طریق پنج متغیر اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، جدایی نقش رئیس هیأت مدیره از مدیرعامل، میزان سهم سهام‌داران نهادی و سهام‌داران عمده بر عملکرد مجموعه‌ای از بانک‌های اسلامی ایران انجام می‌شود و سعی در شناسایی مشکلات موجود در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در ایران و ارائه راه‌کارهایی جهت بهبود حاکمیت شرکتی در راستای اصول ۱۴ گانه (پیوست ۱) دارد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش:

امروزه بانک‌ها نقش اصلی تأمین مالی کشورها را علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه برعهده دارند و با عنایت به ارتباط سیستم بانکی و کل بخش‌های اقتصاد، برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌ها دارای اهمیت است. البته برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌ها متفاوت از برقراری آن در سایر نهادهای مالی می‌باشد. پیچیدگی فعالیت بانک‌ها، عدم تقارن اطلاعات را افزایش می‌دهد و قدرت نظارت سهام‌داران را بر مدیریت بانک کاهش می‌دهد. بنابراین استقرار اصول حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ضروری به نظر می‌رسد (تقوی و همکاران، ۱۳۹۲).

¹ <https://modiremali.com>

² Soltani & Nemati

علاوه بر این استقرار مناسب حاکمیت شرکتی در نظام بانکی شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را در این سیستم ارتقاء می‌بخشد و از این طریق از حقوق کلیه ذی‌نفعان نظام بانکی از جمله سهام‌داران، سپرده‌گذاران، کارکنان بانک، مشتریان و ... حمایت لازم را به عمل می‌آورد.

از سوی دیگر یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی مدیریت ریسک است که به واسطه آن می‌توان ثبات سیستم بانکی را بهبود بخشید که این موضوع به چهار دلیل دارای اهمیت است. اول اینکه محیط مناسبی را برای جذب سپرده‌ها فراهم می‌کند. دوم اینکه به انتقال سیاست پولی کمک می‌کند. سوم واسطه مالی کارا ایجاد می‌کند و آن را قادر می‌سازد که در تخصیص منابع به سرمایه‌گذاری‌ها موفق‌تر عمل نماید و در نتیجه می‌تواند باعث بهبود رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری شود. چهارم منجر به افزایش کارایی عملکرد سیستم بانکی و بهبود توزیع منابع در اقتصاد می‌شود. با توجه به اهمیت مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی، برقراری حاکمیت شرکتی در این سیستم نیز دارای اهمیت است. همه موارد فوق منعکس‌کننده اهمیت انجام این مطالعه است.

۱-۴- اهداف پژوهش:

۱-۴-۱. هدف اصلی:

تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران

۱-۴-۲. اهداف فرعی:

- تحلیل تأثیر استقلال اعضای هیئت مدیره بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران
- تحلیل تأثیر تفکیک رئیس هیئت مدیره از مدیرعامل بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران
- تحلیل تأثیر سهامداران نهادی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران
- تحلیل تأثیر سهام‌داران عمده بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران
- تحلیل تأثیر اندازه هیأت مدیره بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش:

۱-۵-۱. فرضیه اصلی:

حاکمیت شرکتی تأثیر مثبتی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران دارد.

۱-۵-۲. فرضیه‌های فرعی:

- استقلال اعضای هیئت مدیره بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران تأثیر مثبتی دارد.

- تفکیک رئیس هیئت مدیره از مدیرعامل بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران تأثیر مثبتی دارد.
- سهامداران نهادی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران تأثیر مثبتی دارد.
- سهامداران عمده بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران تأثیر مثبتی دارد.
- افزایش اندازه هیأت مدیره بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران تأثیر منفی دارد.

۱-۶- کاربرد نتایج پژوهش:

- ۱- به بانکها کمک می‌کند شناخت خود را راجع به اصول و سازوکارهای حاکمیت شرکتی تقویت کنند و با بکارگیری صحیح آنها عملکرد بانک را ارتقاء بخشند.
- ۲- به بانک مرکزی کمک می‌کند چالش‌های نهادی و ساختاری موجود در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی را شناسایی کند و قوانین و دستورالعمل‌های لازم جهت حل این مشکلات را تصویب و ابلاغ نماید.

۱-۷- روش پژوهش:

۱-۷-۱. نوع پژوهش و روش بررسی فرضیه‌ها

مطالعه حاضر از نظر هدف کاربردی و به روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و پایگاه‌های اطلاعاتی است. این مطالعه تلاش می‌کند به تحلیل تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی اسلامی ایران بپردازد که برای آزمون فرضیه‌ها از روش داده‌های ترکیبی شده است.

۱-۷-۲. مراحل اجرایی پژوهش

با توجه به این‌که داده‌های پژوهش حاضر از نوع تابلویی است از روش مربوط به این داده‌ها برای آزمون فرضیات استفاده می‌شود. ابتدا به منظور جلوگیری از انجام رگرسیون کاذب پایایی متغیرهای پژوهش از طریق آزمون ریشه واحد مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از تأیید پایایی متغیرها، آزمون F لیمر به منظور تعیین روش برآورد الگو بین دو روش تلفیقی و تابلویی به کار گرفته می‌شود و براساس نتایج این آزمون از آزمون‌ها سمن^۱ به منظور تعیین روش برآورد مدل با وجود اثرات ثابت یا تصادفی استفاده می‌شود. سپس با استفاده از نتایج بدست آمده و با توجه به سطح معناداری هر متغیر درمورد تأیید یا رد هر فرضیه تصمیم‌گیری می‌شود.

¹ Hausman Test

۸-۱- قلمرو پژوهش

۸-۱-۱. قلمرو مکانی پژوهش

قلمرو مکانی این پژوهش شامل ۱۳ بانک اسلامی خصوصی کشور ایران می‌باشد.

۸-۲. قلمرو زمانی پژوهش

قلمرو زمانی این پژوهش از سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ می‌باشد.

۹-۱- ابزار گردآوری داده‌ها

آمار مورد نیاز این پژوهش با استفاده از گزارشات مالی منتشر شده توسط بانک‌های خصوصی و سامانه جامع اطلاع رسانی ناشران (کدال) جمع‌آوری شده است.

۱۰-۱- ابزار تجزیه و تحلیل

ابزار تجزیه و تحلیل در این پژوهش، تحلیل رگرسیونی و آزمون‌های اقتصادسنجی بوده و به این منظور از نرم افزارهای ایویویوز^۱ و استتا^۲ ۱۴ استفاده شده است.

۱۱-۱- تعاریف واژگان کلیدی

- **حاکمیت شرکتی^۳**: حاکمیت شرکتی به معنای مجموعه روابط میان مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و دیگر اشخاص ذی‌نفع یک شرکت است و تعیین کننده ساختاری است که توسط آن اهداف شرکت تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۴، ۲۰۰۴)
- **بانک اسلامی^۵**: بانک اسلامی، یک مؤسسه بانکی «سپرده‌پذیر» است که حوزه فعالیت‌هایش به استثنای قرض دادن و قرض گرفتن بر پایه بهره، تمام فعالیت‌های شناخته شده بانکی را در برمی‌گیرد (الجراحی^۶، ۲۰۱۰).
- **نظریه نمایندگی^۷**: در نظریه نمایندگی مدیران شرکت‌ها به‌عنوان نماینده (کارگزار) و سهامداران به‌عنوان صاحبکار (مالک) تعریف شده‌اند. یکی از فرضیات اصلی نظریه نمایندگی

¹ Eviews 10

² Stata 14

³ Corporate Governance

⁴ Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD)

⁵ Islamic Bank

⁶ Al-jarhi

⁷ Representation Theory

این است که صاحبکار و کارگزار با هم تضاد منافع دارند. در نظریه‌های مالی، فرض اساسی این است که هدف اولیه شرکت‌ها افزایش ثروت سهامداران است، ولی در عمل، همواره این گونه نیست. این احتمال وجود دارد که مدیران ترجیح دهند منافع خود، مثل کسب بیشترین پاداش ممکن را تعقیب کنند. مدیران احتمالاً به افزایش منفعت شخصی تمایل دارند. این امر به تمرکز و سرمایه‌گذاری آنها بر طرح‌هایی منجر می‌شود که منافع کوتاه مدت دارند (به ویژه در مواردی که حقوق، مزایا و پاداش مدیران با سود مرتبط است) و توجهی به منافع بلندمدت سهامداران ندارند. (جنسن و مک لینگ^۱ ۱۹۷۶).

- **مدیریت ریسک^۲**: مدیریت ریسک، فرایندی شامل دو مرحله اصلی است: تخمین ریسک که شامل شناسایی، تحلیل و اولویت بندی است و کنترل ریسک که مراحل برنامه ریزی مدیریت ریسک، برنامه ریزی، نظارت ریسک و اقدامات اصلاحی را شامل می‌شود (بوهم^۳، ۱۹۹۱)
- **عملکرد بانک^۴**: مفهوم عملکرد، با کارایی^۵ و اثربخشی^۶ تعریف شده است، چون اثربخشی بیانگر میزان دستیابی به اهداف است و کارایی به این موضوع اشاره دارد که منابع از نظر اقتصادی، چگونه برای کسب هدف به کار رفته‌اند. از این رو، عملکرد بانک تابعی از کارایی و اثربخشی فعالیت‌های صورت گرفته در آن است (کراس و لینچ، ۱۹۹۱)^۷.

۱-۱۲- خلاصه فصل

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران است. در ابتدای فصل مسئله اصلی پژوهش بیان شد. سپس اهمیت و ارزش پژوهش مطرح شد. در ادامه، هدف از انجام پژوهش و کاربرد نتایج آن تشریح و فرضیه‌های متناسب با هدف پژوهش تدوین شد. هم‌چنین روش پژوهش به‌طور خلاصه ذکر شد. در پایان این فصل واژگان مورد استفاده در متن پژوهش تعریف شد. در فصل دوم ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش تشریح می‌شود.

¹ Jensen & Meckling

² Risk Management

³ Boehm

⁴ Bank Performance

⁵ Efficiency

⁶ Effectiveness

⁷ Cross & Lynch

فصل دوم

مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۲-۱- مقدمه

بحث حاکمیت شرکتی از دهه ۱۹۹۰ میلادی در انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیئت‌مدیره در عملکرد شرکت‌های بزرگ مطرح شد و به سرعت به سایر بخش‌ها و سیستم بانکداری تسری یافت. حاکمیت شرکتی را مجموعه روابط میان هیئت‌مدیره، مدیریت، سهام‌داران و کلیه ذی‌نفعان از جمله کارکنان تعریف کرده‌اند که تأمین‌کننده منافع کلیه اشخاص ذی‌نفع باشد. حاکمیت شرکتی تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن اهداف سازمان تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود. در این فصل تعاریف و مفاهیم مربوط به بانکداری اسلامی، حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک تشریح و تحقیقات مرتبط با تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی اسلامی در دو بخش داخلی و خارجی عنوان می‌شود.

۲-۲- اصول شکل‌گیری بانک در نظام اقتصادی اسلام

بانک در نظام اقتصادی اسلام بر سه اصل مهم زیر شکل گرفته است (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳):

۱- بانک در نظام سرمایه‌داری یک مؤسسه مالی است که در بخش پولی اقتصاد فعالیت می‌کند، نه در بخش واقعی آن، ولی در نظام اسلامی، بانک هم در بخش پولی و هم در بخش واقعی فعالیت می‌کند.

۲- معاملات اصلی بانکداری رایج، مبتنی بر رباست، ولی گرفتن بهره در قراردادهای بانکداری اسلامی جایز نیست، زیرا سپرده‌ها و وام و اعتبارهای بانکی بر قرض با بهره مبتنی است که از دیدگاه فقه اسلامی ربا می‌باشد. بنابراین واسطه‌های مالی به گونه‌ای که در نظام سرمایه‌داری فعالیت می‌کنند، امکان کارکرد در نظام اسلامی را ندارند. هر نوع بهره در قرارداد قرض، اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، ثابت باشد یا متغیر و از قبیل این که قرض برای امور مصرفی باشد یا سرمایه‌گذاری، همه مشمول ربای حرام می‌باشند.

۳- در حالی که در نظام سرمایه‌داری، عمدتاً از قرارداد قرض همراه با بهره در تجهیز و تخصیص منابع استفاده می‌شود، در نظام اقتصادی اسلام با استفاده از عقود و شیوه‌های مختلف سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در شرع مقدس، می‌توان در عین دوری از معاملات ربوی، شاهد کارکردهای مطلوبی از سیستم بانکی بود.

۲-۲-۱. معاملات جای‌گزین ربا در اقتصاد اسلامی

مطالعه آیات و روایات ناظر به باب معاملات نشان می‌دهد که دین اسلام، در کنار تحریم ربا، انواع سه‌گانه معاملات ذیل را مجاز شمرده است (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳):

الف. قراردادهای غیرانتفاعی: دین اسلام به جهت توجه به بعد انسانی و معنوی انسان‌ها، انواع گوناگونی از قراردادهای غیر انتفاعی چون هبه، صدقه، عاریه و قرض الحسنه را مجاز دانسته و به آن‌ها توجه جدی نموده است.

ب. قراردادهای انتفاعی با سود معین: گروه دوم از معاملات که مطابق آیات و روایات، مجاز شمرده شده‌اند، قراردادهای مبادله‌ای با سود معین هستند؛ قراردادهایی مانند بیع نقد، بیع نسبی، سلف، بیع دین، اجاره، جعاله که نرخ سود در آنها از پیش تعیین شده است.

ج. قراردادهای انتفاعی با سود انتظاری: گروه سوم از معاملات مشروع، معاملات مشارکتی با نرخ سود انتظاری هستند. قراردادهایی چون شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات که در آن‌ها دو یا چند نفر با ترکیب سرمایه‌ها یا با ترکیب کار و سرمایه، وارد فعالیت اقتصادی می‌شوند و انتظار سود دارند و در پایان سال مالی، سود حاصله را با هم تقسیم می‌کنند

۲-۲-۲. تعریف بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی، شیوه‌ای از بانکداری است که براساس فقه اسلامی بنا شده است. بنابراین در آن قراردادهای مالی مبتنی بر وام و قرض که علاوه بر برگشت اصل، متضمن شرط مبلغی به‌عنوان فرع و مازاد باشند، ربا محسوب می‌شوند و حرام هستند. بنابراین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نمی‌توانند از این‌گونه قراردادها در تجهیز، تخصیص و خدمات استفاده کنند. همچنین در این نظام، قراردادها باید منطبق با شرط‌های عمومی قراردادها و هم‌سو با اصول و ضوابط کلی حاکم بر قراردادهای مالی، نظیر ممنوعیت اکل مال به باطل، ممنوعیت غرر، ممنوعیت ضرر و ضرار و... باشند. بنابراین قرارداد وام بدون شرط مازاد، قرارداد سرمایه‌گذاری و قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی، از جمله قراردادهای است که در صورت دارا بودن شرایط درونی حاکم بر این قراردادها، در بانک‌های اسلامی کاملاً پذیرفته شده است (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳).

۲-۳-۳. تاریخچه بانکداری اسلامی در جهان

از اوایل قرن بیستم و با نهادینه شدن بانک در نظام‌های اقتصادی، مسلمانان با شناخت درست از ضرورت وجود بانک و کارکردهای آن، کو شیده‌اند که نیازهای پولی و مالی خود را در نظامی متمایز از نظام پولی و مالی رایج و جدا از قانون‌مندی‌های حاکم در نظام سرمایه‌داری جست‌وجو نمایند و به پدید آوردن و توسعه نظام‌مند نهادها و شیوه‌های بدیع مورد تأیید شرع مقدس اقدام کنند. بر این اساس، عده‌ای از دانشمندان مسلمان تلاش کرده‌اند که مشکل ربوی بودن بانک‌های رایج را حل کنند. در میان اندیشه‌وران اسلامی، از نخستین افرادی که به تحقیق بانکداری اسلامی پرداختند، می‌توان از شهید سید محمد باقر صدر، شهید بهشتی، شهید مطهری، قریشی، اقبال و محسن خان نام برد (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳).

بانکداری و تأمین مالی اسلامی یک پدیده مدرن و جدیدی است که در نیمه دوم قرن بیستم میلادی به وقوع پیوسته است. در سال ۱۹۶۳م، بانکداری و تأمین مالی اسلامی برای اولین بار در مصر با تأسیس «بانک پس‌اندازهای روستایی» میت (قمر) آغاز شد. در همین زمان، طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۶۴هـ.ق، تجربه دیگر در مالزی به وقوع پیوست که به‌عنوان «تابون حاجی» شناخته می‌شد. تجربه بانکداری در پاکستان با تأسیس بانک تعاونی در کراچی در سال ۱۹۶۵ آغاز شد که تا حد زیادی موفقیت‌آمیز نبود. در مجموع، از دو تجربه اول بانکداری و تأمین اسلامی، تأسیس بانک «میت قمر»، تجربه موفق‌تری بود، اما این بانک هم تنها در حدود چهار تا پنج سال به کار خود ادامه داد و سرانجام در اواخر سال ۱۹۶۴م و اوایل ۱۹۶۵م به دلایل غیر اقتصادی به کار خود پایان داد (عیوض‌لو و بکی‌حسکویی، ۱۳۸۸).

¹ MIT

به این ترتیب جهان در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، شاهد ظهور بانکداری اسلامی در صحنه عملیات مالی و پولی بود. از آن مقطع تاکنون، در کنار بانکداری رایج، روز به روز به تعداد بانک‌هایی که براساس اصول اسلامی اداره می‌شوند، افزوده شده است و بسیاری از کشورهای اسلامی، از جمله عربستان، پاکستان، سودان، کویت و مالزی، بانکداری بدون ربا را در دستور کار خود قرار داده‌اند (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳).

۲-۲-۴. تاریخچه بانکداری اسلامی در ایران

در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی در بیست و دوم بهمن ماه سال ۱۳۵۷ که نقطه عطفی در دگرگونی بنیادی کشور در کلیه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود تغییر نظام بانکداری در کشور منطبق با ارزش‌ها و بینش‌های اصیل اسلامی به منظور ایجاد تغییر در نظام بانکداری متعارف به یک سیستم اسلامی به‌عنوان یک ضرورت مسلم خودنمایی کرد. انجام چنین تغییر و تحول آن هم با وجود بانکداری ریشه‌دار مبتنی بر عملیات بانکی ربوی در ابتدا امری بعید و حتی غیرممکن می‌نمود. ولی با صرف وقت و کار و کارشناسی عمیق و همه‌جانبه صاحب‌نظران اقتصادی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و مسئولان کشور، که همگی متدین و مطلع و با بصیرت در امر بانکداری و دیدگاه‌های اسلامی در ارتباط با موضوع بودند، به تدریج زمینه‌های تهیه و تنظیم نظام بانکداری بدون ربا فراهم گردید (عباس‌زاده، ۱۳۹۱).

بدیهی است که انجام این منظور صرفاً از طریق صدور دستورالعمل و یا ماده واحد قانونی میسر نبود بلکه طرز تفکر و سیستم اداری و حسابداری و آموزش کارکنان نظام بانکی و نیز عامه مردم در توفیق در این امر ضروری و اساسی می‌نمود. گذشته از این پیچیدگی‌ها که کمتر به آنها پرداخته شد و یا اصلاً به آن پرداخته نشد نظام بانکی کشور بعد از انقلاب اسلامی با واقعیتی مواجه بود که ضمن گسترش بی‌رویه و نامعقول شبکه‌های آن با مشکلات دیگری از جمله سلب اعتماد عمومی، کاهش ارزش‌داری‌ها و افزایش مطالبات معوق روبه‌رو بود و نمی‌توانست جهت تأمین هدف‌های جدید اقتصادی کشور اقدام مؤثری به‌عمل آورد. لذا جهت بهبود نظام بانکی کشور، بازگشت اعتماد عمومی به سیستم بانکی، تجهیز منابع بانکی، از میان بردن انگیزه سودجویی و کوتاه کردن دست سرمایه‌داران خارجی از فعالیت‌های بانکی و حذف بهره (ربا) از عملیات بانکی تغییراتی به ترتیب زیر ایجاد گردید (توتونچیان، ۱۳۷۹):

۱- ملی کردن بانک‌ها (قانون ملی شدن بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ و لایحه اصلاح قانون ملی شدن بانک‌ها در ۱۳۵۸/۴/۷).

۲- تصویب لایحه اداره امور بانکها (لایحه قانونی اداره امور بانکها در ۱۳۵۸/۷/۳ و لایحه متمم لایحه اداره امور بانکها در ۱۳۵۸/۹/۲۸ و لایحه انحلال کانون بانکها در ۱۳۵۸/۱۲/۱۸).

۳- ادغام بانکها (با تصویب شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ بانکهای کشور به صورت ۶ بانک تجاری شامل بانکهای ملی، ملت، تجارت، سپه، صادرات و رفاه کارگران و ۳ بانک تخصصی شامل بانک صنعت و معدن، مسکن و کشاورزی در هم ادغام گردیدند).

۴- برقراری سود تضمین شده برای سپرده‌ها و کارمزد برای تسهیلات: به این معنا که شورای پول و اعتبار در سیصد و نود و دومین جلسه خود مورخ ۱۳۵۸/۱۰/۳ به کاهش نرخ بهره و تغییر نام آن به کارمزد و حداقل سود تضمین شده اقدام نمود.

۵- تصویب لایحه عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در ۱۳۶۱/۲/۱۹ توسط هیئت دولت و تقدیم آن در ۱۳۶۱/۲/۲۱ به مجلس شورای اسلامی و بلاخره تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ و تأییدیه شورای نگهبان در ۱۳۶۲/۶/۱۰ و قابلیت اجرا از ابتدای سال ۱۳۶۳). در این قانون وظایف گوناگونی برای بانکها تعریف شده است و محور اصلی آن حذف بهره و عملیات ربوی از سیستم بانکی است. اساس این قانون مبتنی بر عقود اسلامی است که به دو گروه مشارکت در سود و زیان^۱ و بدون مشارکت در سود و زیان^۲ تقسیم می‌شود. عقود مشارکت و مضاربه جزء اولین گروه و استصناع، اجاره، مرابحه و بیع جزء دومین گروه به شمار می‌روند. از بین وظایف یاد شده، دو بحث تجهیز منابع پولی و تخصیص آن، به‌طور مستقیم به مبحث حذف ربا مربوط می‌شوند (جوادی آبروانی، ۱۳۹۴).

براساس الگوی بانکداری بدون ربا ایران تجهیز منابع از طریق سپرده‌های قرض‌الحسنه، پس‌انداز، جاری، سرمایه‌گذاری و مدت‌دار انجام می‌شود و به تسهیلاتی مانند قرض‌الحسنه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین، مرابحه، سلف، جعاله، استصناع، سرمایه‌گذاری مستقیم اختصاص می‌یابد (موسویان، ۱۳۸۵).

^۱ Profit & Loss Sharing system (PLS)

^۲ Profit & Loss Sharing system-Non (PLS-Non)

ایران در سال ۱۳۸۲ میزبان اجلاس سالانه بانک توسعه اسلامی^۱ بود. در این اجلاس، ۵۵ وزیر اقتصادی کشورهای عضو بانک توسعه اسلامی به همراه رؤسای بانک‌های مرکزی این کشورها و سایر شخصیت‌های اقتصادی و بین‌المللی حضور داشتند.

در این سال، نخستین شعبه خارجی به نام «بانک تجاری ایران و اروپا» با سرمایه‌گذاری مشترک بانک‌های ایرانی و اروپایی در جزیره کیش افتتاح شد. در این بانک، تمام محصولات مالی براساس موازین شریعت اسلام به مشتریان عرضه می‌شود.

هم‌چنین در این سال شاهد آغاز فعالیت نخستین مؤسسه مالی اسلامی مشترک ایران و بحرین تحت عنوان «بانک آینده^۲» بودیم. شعب مختلف این بانک در مسقط، قطر، کیش و منامه به‌طور هم‌زمان شروع به فعالیت نمودند. در اواخر سال ۱۳۸۲ مجوز تأسیس نخستین بانک ایرانی در افغانستان به نام «آرین بانک» در کابل صادر شد. این بانک، تمام محصولات مالی اسلامی را به مشتریان خود عرضه می‌کند. در همین سال، ایران میزبان نخستین مجمع بانکداران اسلامی با حضور مسئولان بانک‌های کشورهای اسلامی نیز بود. در این مجمع، بیش از ۵۰۰ نفر از کارشناسان امور بانکی از ایران و ۲۰ کشور اسلامی حضور داشتند و به تبادل نظر در زمینه عملکرد بانکداری اسلامی در کشورهای گوناگون پرداختند (علوی لنگرودی، ۱۳۸۴).

با توجه به موارد بالا و علی‌رغم تلاش‌های مستمر سیاست‌گذاران، نظام بانکداری بدون ربای ایران در شرایطی دهه چهارم فعالیت خود را سپری می‌نماید که بر اساس شاخص‌های مختلف اقتصادی و مالی دچار ناکارایی محسوس می‌باشد. مواجهه با حجم قابل توجهی از تسهیلات اعطایی غیر جاری، درگیر شدن بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی فعال در بازار متشکل پولی کشور در امر بنگاه داری (بیش از سقف مجاز در نظر گرفته شده از سوی مقام ناظر)، سهم قابل توجهی از دارایی‌های سمی (دارایی‌هایی با نقد شوندگی پایین همچون مطالبات معوق، املاک تملیکی و ...) در ارقام ترازنامه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی، ناچیز بودن نسبت کفایت سرمایه و اسطه‌های مالی بازار پول، پایین بودن درجه شفافیت سیستم بانکی، وقوع تخلفات و مواجهه با فساد مالی و تحمیل ریسک‌های فزاینده ناشی از آن به اقتصاد ملی، تضییع حقوق سهامداران خرد و عدم تأمین منافع واقعی سپرده‌گذاران و وجود شبههاتی در میان برخی از نخبگان در خصوص انطباق برخی از عملیات بانکی با معیارهای شرعی، بخشی از مجموعه ناکارآمدی‌های نظام بانکداری بدون ربای ایران می‌باشد (طالبی، ۱۳۹۵).

¹ Islamic Development Bank

² Future Bank

۲-۳- مفهوم حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از فرآیندها، عرف‌ها، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین و مقرراتی است که با استفاده از سازوکارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، نحوه هدایت، مدیریت و کنترل شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حاکمیت شرکتی همچنین شامل ارتباطات میان ذی‌نفعان شرکت و اهدافی است که شرکت برای دستیابی به آنها فعالیت می‌کند (سیف، ۱۳۹۳).

در حاکمیت شرکتی دو دسته از سازوکارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی وجود دارد (سیف، ۱۳۹۳):

الف) سازوکارهای برون‌سازمانی (محیطی)

نظارت قانونی: تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب،

نظام حقوقی: برقراری نظام حقوقی مناسب،

کارایی بازار سرمایه: گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن،

نظارت سهامداران عمده: ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیت‌هایی از قبیل خرید سهام کنترلی،

نقش سرمایه‌گذاران نهادی: تشویق و گسترش سرمایه‌گذاری نهادی،

نظارت سهامداران اقلیت: احترام به حقوق سهامداران اقلیت و مجازبودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت،

الزامی کردن حسابرسی مستقل: نقش برجسته حسابرسی مستقل در نظارت،

فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی: ایجاد تسهیلات برای فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی.

ب) سازوکارهای درون‌سازمانی (محاطی)

هیأت مدیره: انتخاب و استقرار هیأت مدیره توانمند، خوشنام و بی‌طرف،

مدیریت اجرایی: تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم افزارهای مناسب،

مدیریت غیراجرایی: ایجاد کمیته‌های هیأت‌مدیره از مدیران مستقل و غیراجرایی (کمیته حسابرسی،

حقوقی و...)

کنترل‌های داخلی: طراحی، تدوین و استقرار کنترل‌های داخلی مناسب (مالی، حقوقی، ریسک،

حسابرسی داخلی و...)

اخلاق سازمانی: تدوین و گسترش آیین رفتار حرفه‌ای و اخلاق سازمانی.

۲-۳-۱. مبانی نظری حاکمیت شرکتی

برای توضیح و تحلیل حاکمیت شرکتی چند چارچوب نظری متفاوت مطرح شده است. هر یک از آنها با استفاده از واژگان مختلف و به صورتی متفاوت به موضوع حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند. که ناشی از زمینه علمی خاصی است که به موضوع حاکمیت شرکتی می‌نگرد. به‌عنوان نمونه، نظریه نمایندگی^۱ ناشی از زمینه مالی و اقتصادی است، در صورتی که نظریه هزینه معاملات ناشی از نظریه‌های اقتصادی، حقوقی و سازمانی و نظریه ذی‌نفعان ناشی از دیدگاه اجتماعی در مورد موضوع حاکمیت

^۱ Agency Theory

شرکتی است. اگر چه تفاوت‌های چشمگیری بین چارچوب‌های نظری مختلف وجود دارد (چون هر یک موضوع را از دیدگاه متفاوتی در نظر می‌گیرند)، اما دارای وجوه مشترک مشخصی هستند (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴). در ادامه، به اختصار نظریه‌های مربوط به حاکمیت شرکتی بررسی می‌شود.

الف) نظریه نمایندگی

نظریه نمایندگی آغاز حاکمیت شرکتی از طریق مالکیت سهام تأثیر چشم‌گیری بر روش کنترل شرکت‌ها داشت و بدین ترتیب، مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کردند. جدایی مالکیت از مدیریت (کنترل) به شکل‌گیری یک مشکل سازمانی به نام مشکل نمایندگی منجر شده است. برل و مینز^۱ (۱۹۳۲)، راس^۲ (۱۹۷۳) و پرایس^۳ (۱۹۷۶) از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته‌اند و سرانجام، جنسن و مک لینگ^۴ (۱۹۷۶)، مبانی نظریه نمایندگی را مطرح کرده‌اند. آنها مدیران شرکت‌ها را به‌عنوان نماینده (کارگزار) و سهامداران را به‌عنوان صاحبکار (مالک) تعریف کردند (در تحلیل آنها، سهامدار در برابر مدیران قرار دارد).

به بیان دیگر، تصمیم‌گیری روزمره شرکت به مدیرانی تفویض می‌شود که کارگزار سهامداران هستند. مشکل آن است که کارگزار لزوماً به نفع صاحبکار تصمیم‌گیری نمی‌کند. یکی از فرضیات اصلی نظریه نمایندگی این است که صاحبکار و کارگزار با هم تضاد منافع دارند. در نظریه‌های مالی، فرض اساسی این است که هدف اولیه شرکت‌ها افزایش ثروت سهامداران است، ولی در عمل، همواره این گونه نیست. این احتمال وجود دارد که مدیران ترجیح دهند منافع خود، مثل کسب بیشترین پاداش ممکن را تعقیب کنند. مدیران احتمالاً به افزایش منفعت شخصی تمایل دارند. این امر به تمرکز و سرمایه‌گذاری آنها بر طرح‌هایی منجر می‌شود که منافع کوتاه مدت دارند (به ویژه در مواردی که حقوق، مزایا و پاداش مدیران با سود مرتبط است) و توجهی به منافع بلندمدت سهامداران ندارند. در شرکت‌های بزرگ که مستقیماً توسط مدیران و به‌طور غیرمستقیم به کمک سرمایه‌گذاران نهادی کنترل می‌شوند، مدیران در مورد منافع کوتاه مدت تحت فشارند که ممکن است به نفع سهامداران دیگر نباشد. در این شرایط، مدیران برای دستیابی به عایدی‌های متفرقه تحریک می‌شوند که باز هم به کاهش ارزش منافع و رفاه سهامداران منجر می‌شود.

در واژگان نظریه نمایندگی، کاهش رفاه سهامدار "زیان باقیمانده"^۵ نامیده می‌شود. در واقع، مشکل نمایندگی، ضرورت کنترل مدیریت شرکت‌ها توسط سهامداران را نشان می‌دهد. یک پرسش مهم این است: سهامداران چگونه می‌توانند مدیریت شرکت را کنترل کنند (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴)؟ شواهد نشان می‌دهد که بازارهای سرمایه کاملاً کارا نیستند. بنابراین، به‌منظور ارتقای حاکمیت شرکتی و افزایش پاسخگویی مدیران نسبت به سهامداران و ذی‌نفعان دیگر دخالت لازم است.

¹ Berle & Means

² Ross

³ Prais

⁴ Jensen & Meckling

⁵ Residual Loss

مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران در سراسر جهان وجود دارد و دولت‌ها با تصویب قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی برای بهترین عملکرد با سرعت شگفت‌آوری در این کار دخالت می‌کنند یکی از این موارد تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره از وظایف مدیرعامل است (حساس یگانه، ۱۳۸۴). براساس مطالعات انجام شده اگر مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره یکسان باشد، آنگاه ممکن است قدرت مدیرعامل زیاد شود، او به جای حداکثر کردن منافع سهام‌داران، به دنبال منافع خود باشد. علاوه بر این عدم تفکیک این دو پست، می‌تواند منجر به کاهش اثر بخشی نقش نظارتی هیأت مدیره شده و زمینه‌سازی نضیع حقوق ذی‌نفعان را در پی داشته باشد و تفکیک آنها منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش تضاد منافع میان سهام‌داران و مدیران می‌شود (فرزین‌وش و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت جدایی وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره می‌تواند منجر به افزایش شفافیت و به دنبال آن پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شود و شرایط لازم برای حمایت از حقوق سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان را فراهم کند.

ب) نظریه هزینه معاملات

نظریه هزینه معاملات^۱ که اولین بار توسط سیرت و مارچ^۲ (۱۹۶۳)، به نام نظریه رفتاری شرکت مطرح شده، یکی از مبانی اقتصاد صنعتی و نظریه مالی گردیده است. در این نظریه، شرکت نه تنها به‌عنوان واحد اقتصادی عمومی (سهامی عام)، بلکه به‌عنوان سازمان متشکل از افراد با دیدگاه‌ها و اهداف مختلف است. نظریه هزینه معاملات بر اساس این واقعیت است که شرکت‌ها آنقدر بزرگ شده‌اند که در تخصیص منابع جانشین بازار می‌شوند. در واقع، شرکت‌ها آنقدر بزرگ و پیچیده اند که با توجه به نوسان‌های قیمت در بازار، تولید را هدایت کرده و بازار معاملات را متعادل می‌کنند. برای مثال شرکت‌ها می‌توانند از طریق ادغام عمودی^۳ هزینه‌های خرید، فروش و توزیع در درون شرکت‌ها را کاهش دهند و با حذف عدم اطمینان‌ها و عدم تقارن‌های اطلاعاتی منجر به کاهش ریسک تجاری شرکت و افزایش سودآوری شوند (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

یکی از فرضیات مهم در این نظریه این است که مدیران همچون افراد دیگر در برخی از مواقع فرصت طلب هستند. فرصت طلبی، به صورت تمایل کارگزاران در به کارگیری تمام روش‌های موجود برای افزایش منفعت شخصی، تعریف شده است. چنین رفتار فرصت طلبانه‌ای می‌تواند نتایج نامطلوبی برای

¹ Transaction Cost Economics

² Cyert & March's

³ در ادغام به روش عمودی، شرکت‌هایی که در زنجیره ارزش شرکت تصاحب‌کننده (تأمین‌کننده، توزیع‌کننده و خریدار) وجود دارند، تصاحب می‌شوند و هدف از استفاده این روش، رسیدن به صرفه‌جویی در هزینه‌های خرید، فروش و توزیع است.

شرکت و سهامداران بیار آورد، در نتیجه این عملکرد نیاز به کنترل دارد (حساس یگانه، ۱۳۸۴). دو شاخص مهم حاکمیت شرکتی که می‌توانند منجر به کنترل مدیران شوند سهام‌داران عمده و سهام‌داران نهادی هستند.

رامسی و بلیر^۱ (۱۹۹۳) نشان دادند که تمرکز مالکیت بالا، انگیزه‌های کافی را برای سهام‌داران بزرگ جهت نظارت مدیران فراهم می‌کند. دمستز و لهن^۲ (۱۹۸۵) با کمک یافته‌ها به‌طور آزمایشی از این نظریه، حمایت و پشتیبانی کردند که صاحبان بزرگ سهام، پاداش‌هایی برای پایین آوردن قیمت هزینه‌های ثابت اطلاعات جمع‌آوری شده را دارند و نظارت مدیریتی را ضمانت کردند. در مقابل مالکیت پراکنده منجر به انگیزه‌های پایین‌تری برای نظارت مدیریت می‌شود.

شلوفر و ویشینی^۳ (۱۹۸۷) و ماگ^۴ (۱۹۹۸) بر این اعتقادند که کلیه سهام‌داران از نقش نظارتی یک سهام‌دار نهادی منتفع می‌گردند، زیرا هیچ‌گونه هزینه‌ای بابت چنین نظارتی متحمل نمی‌شوند. ضمن این‌که سهام‌داران نهادی خود از انگیزه مناسبی برای انجام نظارت برخوردارند.

اگراوال و نوئبر^۵ (۱۹۹۶) به این نتیجه رسیدند که تمرکز سهام‌داری در نهادها می‌تواند نظارت بر مدیریت را افزایش دهد و از این‌رو عملکرد شرکت را بهبود بخشد.

بنابراین از دیدگاه نظری سهام‌داران نهادی و سهام‌داران عمده جایگاه ویژه‌ای در حاکمیت شرکتی دارند، زیرا آنها هم می‌توانند بر مدیران نظارت داشته و منجر به افزایش شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شوند و هم منافع مدیران و سهام‌داران را هم‌سو کنند.

ج) نظریه ذی نفعان

نظریه ذی نفعان^۶ به تدریج از دهه ۱۹۷۰ توسعه یافت. یکی از اولین توضیحات در مورد این نظریه در رشته مدیریت توسط فریمن^۷ (۱۹۸۴) ارائه شد. وی نظریه عمومی شرکت را مطرح و پاسخگویی شرکتی را به گروه گسترده‌ای از ذی نفعان پیشنهاد کرد. نظریه ذی نفعان ترکیبی از نظریه‌های سازمانی و اجتماعی است. در واقع، این نظریه بیشتر یک سنت پژوهشی گسترده است که فلسفه، اخلاق، نظریه‌های سیاسی، اقتصاد، حقوق، علوم سازمانی و اجتماعی را در هم می‌آمیزد (ویلر و همکاران^۸).

¹ Ramsay & Blair

² Demsetz & Lehn

³ Shleifer & Vishny

⁴ Maug

⁵ Agrawal & Knoeber

⁶ Stakeholders Theory

⁷ Freeman

⁸ Wheeler & et al

۲۰۰۲). اساس نظریه ذی‌نفعان این است که شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تأثیر آنها بر جامعه آنچنان عمیق است که آنها باید به‌جز سهامداران به بخش‌های بسیار بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند. چند روش تعریف بر اساس رشته‌های مختلف برای نظریه ذی‌نفعان وجود دارد. وجه تشابه تمام آنها، تأیید دخالت آنها در رابطه مبادله‌ای (تعامل) است (پیرس^۱، ۱۹۸۲ و هیل و جونز^۲، ۱۹۹۲). نه تنها ذی‌نفعان تحت تأثیر شرکت‌ها هستند، بلکه آنها نیز بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند، ذی‌نفعان شامل سهامداران، کارکنان، فروشندگان، مشتریان، بستانکاران، شرکت‌های مجاور و عموم مردم هستند. افراطی‌ترین حامیان نظریه ذی‌نفعان بر این باورند که محیط زیست، گونه‌های جانوری و نسل‌های آینده نیز باید در زمره ذی‌نفعان گنجانده شوند. رابطه ذی‌نفع به صورت یک مبادله (تعامل) توصیف شده است و گروه ذی‌نفعان به پیش‌برد اهداف وجودی شرکت‌ها کمک کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود منافع آنان از طریق تشویق و ایجاد انگیزه، فراهم شود (مارچ و سیمون^۳، ۱۹۵۸). با استفاده از این چارچوب تحلیلی، عموم را می‌توان ذی‌نفع شرکتی در نظر گرفت، چون آنها با پرداخت مالیات زیر ساخت ملی برای انجام عملیات شرکت‌ها را فراهم می‌کنند. در مبادله (تعامل)، شرکت‌ها را به‌عنوان شهروندان شرکتی فرض می‌کنند که کیفیت زندگی‌شان را ارتقاء می‌دهند (هیل و جونز^۴، ۱۹۹۲). در واقع هر ذی‌نفع نشان‌دهنده بخشی از سلسله قراردادهای صریح و ضمنی است که یک شرکت را تشکیل می‌دهد. اما بسیاری ذی‌نفعان را کسانی می‌دانند که در شرکت نفعی قانونی به گسترده‌ترین مفهوم دارند (فارار و هانین‌گان^۵، ۱۹۹۸). در بریتانیا گزارش شرکتی (تسک^۶، ۱۹۷۵) یک طرح حسابداری مطرح کرد که نشان می‌دهد، شرکت‌ها باید مسئول تأثیری باشند که بر گروه زیادی از ذی‌نفعان می‌گذارند. نحوه دستیابی به این امر از طریق تشویق شرکت‌ها به افشای داوطلبانه تعدادی از گزارش‌های مورد نظر برای استفاده ذی‌نفعان، افزون بر سود و زیان سنتی و ترازنامه بود. صورت‌های اضافی شامل صورت ارزش‌افزوده، گزارش استخدام و اشتغال، صورت مبادلات پولی با دولت، صورت معاملات ارزی، صورت مشتریان احتمالی آینده و صورت اهداف آتی می‌گردید (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴). یکی از شاخص‌های مهم حاکمیت شرکتی افزایش تعداد اعضای غیر موظف هیئت مدیره است که بر این فرض بنیانگذاری شده است که مدیران خارج از سازمان بسیار باهوش‌تر و حساس‌تر از مدیران داخلی هستند زیرا:

¹ Pearce

² Hill & Jones

³ March and Simon

⁴ Hill & Jones

⁵ Farrar and Hannigan

⁶ Tassck

۱- مدیران خارج سازمان بر روی عملکرد مالی تمرکز می‌کنند که جزء اصلی و مرکزی نظارت می‌باشد.

۲- مدیران خارج سازمان بیشتر از مدیران داخلی مدیرعامل را به خاطر عملکرد ضعیف منفصل می‌کنند.

۳- مدیران خارج سازمان، انگیزه‌ای برای حفظ شهرت و معروفیت‌های شخصی به‌عنوان مدیران مستقل از طریق مدیریت نظارتی هوشیارانه دارند.

به عقیده فاما و جنسن^۱ (۱۹۸۳) مدیران غیرموظف به تفکیک تصمیمات مدیریت و کنترل کمک می‌کنند و هنگامی که محدودیت‌های خارجی بر رفتار مدیران اجرایی ضعیف است، مکانیزم حاکمیت خوبی به‌شمار می‌روند.

استقلال هیئت‌مدیره غیر موظف، می‌تواند فشار اعضای داخلی را کم کرده، به‌طور مثبتی بر معیارهای عملکرد شرکت اثر بگذارند. حضور اعضای غیر موظف در هیئت‌مدیره، قدرت هیئت‌مدیره را به‌عنوان مکانیزم کنترل افزایش می‌دهد. سرانجام مدیران غیر موظف با احتمال کمتری با مدیریت در سلب مالکیت سهام‌داران تبانی می‌کنند. آنها داورانی هستند که مدیریت ارشد را بازنگری می‌کنند و در صورت لزوم افراد مؤثرتری را جانشین آن می‌کنند (مارنت^۲، ۲۰۰۸). بنابراین اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره می‌توانند از طریق نظارت بر مدیریت منجر به افزایش شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شوند و در افزایش حمایت از حقوق ذی‌نفعان تأثیرگذار باشند.

۲-۳-۲. الگوهای حاکمیت شرکتی در کشورها

هر کشور براساس عواملی نظیر چارچوب قانونی، ساختار شرکتی و سیستم‌های مالی، یک مجموعه رویه‌های حاکمیت شرکتی منحصر به فرد خود را دارد. بر این اساس، تلاش‌هایی برای طبقه‌بندی سیستم‌های حاکمیت شرکتی صورت گرفته که با مشکلاتی همراه بوده است. با این حال، یکی از بهترین تلاش‌ها که از پذیرش بیشتری نزد صاحب‌نظران برخوردار است، طبقه‌بندی معروف به سیستم‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است (سیف، ۱۳۹۳).

در کشورهای دارای سیستم حاکمیت شرکتی برون‌سازمانی، ساختار مالکیت رایج، مالکیت پراکنده است. این ساختار به حق جریان نقدی و حق نظارت مالکیت اشاره دارد. "یک سهم، یک رأی" قانونی است که برای توزیع حق نظارت بین سهامداران در کشورهای با سیستم برون‌سازمانی استفاده می‌شود. در این سیستم، شرکت‌ها به‌طور معمول دارای سلسله مراتب مالکیتی مسطح هستند. به بیان

¹ Fama & Jensen

² Marent

دیگر، شرکت‌ها در این الگو به‌طور معمول تحت مالکیت مستقیم مالکان نهایی خود هستند. مالکان با اعمال نظر بر انتخاب‌کنندگان در هیأت‌های نظارتی یا حتی رأی دادن به برخی مدیران پدیده‌شناسی، به‌طور غیرمستقیم مدیریت شرکت را کنترل می‌کنند (سیف، ۱۳۹۳).

در مقابل، در کشورهایی با سیستم حاکمیت شرکتی درون سازمانی، مالکیت متمرکز رایج است. در این سیستم، ساختارهای هرمی یا مالکیت متقابل متداول است و در نهایت، به دلیل انحراف از قانون "یک سهم، یک رأی" نظارت به وسیله یک گروه از سهامداران ناظر که حق نظارتی آنها بیش از حقوق جریان نقدی است، اعمال می‌شود. مالکیت متمرکز در اختیار اشخاص درونی است که سهام عمده نظارتی را دارند (سیف، ۱۳۹۳).

در میان کشورهای دارای سیستم حاکمیت شرکتی درون سازمانی می‌توان دو ساختار نسبتاً متفاوت را مشاهده کرد: نخستین سیستم در کشورهای اروپایی است که سیستم «آلمانی» نامیده می‌شود. در این سیستم، نظارت یک سویه است. به‌عنوان مثال بانک، خانواده، دولت یا شرکت «الف» سهام ناظر شرکت «ب» را در اختیار دارد و در هیأت نظارت آن نمایندگی دارد. از سوی دیگر، شرکت «ب» سهام ناظر شرکت «ج» را در دارد که آن نیز به نوبه خود سهام ناظر شرکت «د» را در اختیار دارد (سیف، ۱۳۹۳).

دومین ساختار، سیستم «ژاپنی» است که چندین شرکت از طریق مدیریت به هم پیوسته و با مالکیت متقابل (سهام هر شرکت توسط دیگری) با یکدیگر مرتبط‌اند. در این گروه، همواره یک بانک اصلی حضور دارد که سهام شرکت‌های گروه را در اختیار داشته، بنابراین، نمایندگانی در هیأت نظارت شرکت‌ها دارد (برندل^۱، ۲۰۰۵).

بررسی‌های تجربی نشان می‌دهند که کشورهای غربی که گرایش به سمت مدل حاکمیت شرکتی بیرونی دارند، بیشتر از ساختار مالکیت سهام پراکنده برخوردارند، در حالی که در کشورهای با تمرکز مالکیت و اعمال کنترل قوی بر مدیریت از طریق تعداد کمی از سهامداران، مدل حاکمیت شرکتی درونی را دنبال می‌کردند. در ایتالیا در بیشتر موارد شرکت‌ها دارای مالکیت خانوادگی هستند و در آلمان و ژاپن سهامداران اصلی، واسطه‌های مالی هستند. در چین مالکیت سهام تقریباً به‌طور مساوی بین دولت، نهادها و اشخاص محلی پخش شده است، در حالی که در اغلب کشورهای در حال توسعه به علت سهم پایین بخش خصوصی و وجود بازارهای سرمایه محدود، نظارت شرکتی در اختیار خانواده‌ها باقی‌مانده است. در نتیجه، با توجه به ماهیت و تمرکز مالکیت سهامداران، مقررات حاکمیت شرکتی کشورها به‌طور متناسب تحت تأثیر قرار می‌گیرد (مارلین^۲، ۲۰۰۸).

¹ Breandle

² Marlin

مدل‌های مختلفی از باب حاکمیت شرکتی در سراسر جهان وجود دارد که این مدل‌ها با همدیگر متفاوت هستند که تفاوت آنها ناشی از توجه به تنوع سرمایه‌ای که در آن شرکت وجود دارد، است؛ به طوری که در مدل‌های انگلیس و آمریکا تمایل و تأکید بر منافع سهامداران است و در مدل دیگری که در برخی از کشورها عمل می‌شود، مثلاً قاره اروپا و ژاپن، به وضعیت و نفوذ ذی‌نفعان متوجه می‌شود. در این مدل‌ها منافع کارگران، مدیران، تأمین‌کنندگان، مشتریان و جامعه به رسمیت شناخته می‌شود. به طور معمول مدل‌های متداول حاکمیت شرکتی در جهان در قالب الگوهای زیر ارائه شده است (کنفرانس حاکمیت شرکتی^۱، ۲۰۰۵):

- مدل عادی^۲: در این مدل، یک هیأت مدیره وجود دارد و یک مجموعه کنترلی (مثلاً کمیته حساب‌رسان) که ناظر بر هیأت مدیره است. معمولاً زمانی که حالت‌های دیگری از جانب قانون پیش‌بینی نشده باشد، از این مدل استفاده می‌شود. این مدل در ایتالیا مرسوم است و در ایران نیز عموماً از این مدل استفاده می‌شود.
- مدل تک‌لایه‌ای^۳: در این مدل، مدیرعامل عضو یک مجموعه از مدیران، یعنی هیأت مدیره است و تعدادی از اعضای هیأت مدیره به‌عنوان کمیته کنترل منصوب می‌شوند. عموماً این مدل در کشورهای انگلیسی‌زبان رایج است.
- مدل دو‌لایه‌ای^۴: در این مدل دو مجموعه مدیران وجود دارد؛ هیأت عامل^۵ که شامل مدیران اجرایی و هیأت ناظر^۶ که شامل مدیران غیراجرایی است. این مدل در کشور آلمان رایج است و به تازگی در کشورهای دیگر اروپایی مانند فرانسه، هلند و فنلاند نیز رواج یافته است.

۲-۳-۳. نقش حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی

در نظام بانکداری متعارف سپرده‌گذاران با سپردن وجوه خود به بانک‌ها در سررسیدهای مقرر به آنان مراجعه کرده و بهره وجوه خود را دریافت می‌کنند. گرچه نگرانی سپرده‌گذاران در بانکداری متعارف مبنی بر ورشکستگی بانک‌ها و عدم امکان آنان برای بازپرداخت وجوه به قوت خود باقی است، اما در این نظام سپرده‌گذاران می‌توانند با تعبیه بازوهای حمایتی مانند بیمه این عدم اطمینان را تا حدی کاهش دهند (قلیچ، ۱۳۹۵).

¹ Lecture on Corporate Governance

² Ordinary

³ One-Tier

⁴ Two-Tier

⁵ Management Board

⁶ Supervisory Board

این در حالی است که نیاز به تأمین سازوکاری برای کاهش هزینه‌های احتمالی سوء استفاده از اطلاعات نامتقارن در بانکداری اسلامی مورد توجه می‌باشد؛ چراکه یکی از مهم‌ترین بخش‌های بانکداری اسلامی، عقود مشارکتی است و در این عقود، سپرده‌گذاران به نوعی مشارکت در سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که بانک‌ها بطور قابل توجهی از اطلاعات بیشتری در مورد آن سرمایه‌گذاری‌ها برخوردار می‌باشند. علاوه بر آنکه در نظام‌های مشارکتی سپرده‌گذاران که به نوعی سرمایه‌گذاران طرح‌ها بشمار می‌آیند با عرضه وجوه خود چیز ملموسی را دریافت نکرده و تنها منتظر تحقق وعده‌هایی می‌شوند که قرار است در آینده تحقق یابد. از این‌رو برای آن که سپرده‌گذاران نظام مشارکتی در فضایی که عدم تقارن اطلاعات وجود داشته و سودهای انتظاری نامعین بوده و از پیش تعیین شده نیستند، از اطمینان خاطر مناسبی برخوردار باشند لزوم برپایی حاکمیت شرکتی برای ایجاد چنین فضایی، بطور ملموسی احساس می‌شود (قلیچ، ۱۳۹۵).

ایجاد فضای اعتماد و اطمینان در بین سپرده‌گذاران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ذی‌نفعان نظام بانکی فرصتی را فراهم می‌آورد که حجم سپرده‌های بانکی افزایش یافته و نظام بانکی با قوت و قدرت بیشتری در راستای اهداف مدنظر خود از حیث تخصیص و مدیریت سرمایه‌ها حرکت نماید. البته لازم به ذکر است که حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی صرفاً به بانک و سپرده‌گذار خلاصه نمی‌شود، بلکه نقش گیرندگان تسهیلات مشارکتی و شکاف‌های مدیریتی، تخصیصی و مالکیتی بیشتر از مورد قبلی به عدم تقارن اطلاعات دامن زده و ضرورت حاکمیت شرکتی را نمایان می‌سازد. از این‌رو باید عنوان داشت که حاکمیت شرکتی با ایجاد فضای اطمینان برای دیگر ذی‌نفعان بانکی مانند کارکنان، مدیران و سهامداران منجر به آن می‌شود که مسیر عملکردهای بانکی روان شده و با ایجاد فضای حسن اعتماد عمومی، رشد بیشتری در ساختار فعالیت‌های بانکی بوجود بیاید (قلیچ، ۱۳۹۵).

همچنین ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت هدایت و کنترل بانک‌های اسلامی، به شیوه‌ای که بتوانند حافظ منافع تمام ذی‌نفعان باشند، باعث کاهش هزینه‌ها می‌گردد. هزینه‌ها یک مبحث بسیار مهم در حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود، زیرا اگر هزینه‌ها افزایش یابد، دیگر نمی‌توان از منافع ذی‌نفعان به‌طور منصفانه حفاظت کرد که این موضوع نارضایتی ذی‌نفعان را به دنبال دارد و نتیجه این نارضایتی نیز منجر به از بین رفتن اعتماد آنها به سیستم بانکی می‌شود و در نهایت رشد نامطلوبی را در بخش مالی و کل اقتصاد شاهد خواهیم بود.

تشدید تعارض منافع منجر به بروز مشکلات عدیده می‌شود، این در حالی است که در بانکداری مرسوم، تعارض منافع عموماً بین سهامداران و مدیریت ایجاد می‌شود و در بانکداری اسلامی بعد مهم دیگر بروز تعارض در منافع سپرده‌گذاران با سهامداران (مالکان) است. بنابراین باید به دنبال راه حل مطلوبی جهت تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری اسلامی باشیم تا ضمن حفاظت از منافع سپرده‌گذاران، به خاطر عدم نقش داشتن آنها در انتخاب هیأت مدیره و مدیران ارشد بانک، بتوان بانکداری بدون ربا را نیز دنبال کنیم (روشندل، ۱۳۸۶).

بر همین اساس، ابتدا کلیتی از اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^۱، هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB)^۲ و بانک تسویه بین‌المللی (BIS)^۳ مورد اشاره قرار می‌گیرد و سپس پیشنهادهای در راستای استقرار بهتر حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری ایران مطابق با قانون بانکداری بدون ربا ارائه خواهد شد.

۲-۳-۴. اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^۴

اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه عبارتند از (رهبری خرازی، ۱۳۸۵):

- ۱- انصاف^۵ رفتار یکسان با سهامداران: چارچوب حاکمیت شرکتی باید رفتار یکسان با تمام سهامداران، از جمله سهامداران اقلیت و خارجی را تضمین کند. تمام سهامداران باید این امکان را داشته باشند که در برابر تجاوز به حقوق خود مقاومت کنند.

- ۲- مسئولیت پذیری؟ چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها را بین واحدهای مختلف نظارت و اجرا، به روشنی شرح دهد.

- ۳- پاسخگویی^۶: چارچوب حاکمیت شرکتی باید متضمن ارائه رهنمودهای استراتژیک به‌منظور نظارت مؤثر هیأت‌مدیره بر مدیریت ارشد (هیأت‌عامل) و پاسخگویی هیأت‌مدیره در برابر شرکت و سهامداران باشد

- ۴- افشا و شفافیت^۷: چارچوب حاکمیت شرکتی باید افشای به‌هنگام و شفاف تمام مسائل مهم از جمله وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و حاکمیت شرکتی را تضمین نماید.

۲-۳-۵. اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB)^۸

مباحثی که در این قسمت و قسمت ۲-۳-۶ به آن پرداخته می‌شود، از گزارش راهکارهای بومی‌سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران، ترجمه و تدوین روش‌شناسی استخراج شده است:

¹ Organisation for Economic Cooperation and Development

² Islamic Financial Services Board

³ Bank of the International Settlements

⁴ Organisation for Economic Cooperation and Development

⁵ Fairness

⁶ Responsibility

⁷ Accountability

⁸ Disclosure

⁹ Islamic Financial Services Board

بخش اول - رویکرد حاکمیت شرکتی

اصل ۱-۱- مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی باید یک چهارچوب حاکمیت شرکتی جامع ایجاد کنند که در آن نقش‌ها و وظایف راهبردی هر بخش حاکمیت شرکتی نمایان شود و ساز و کارهایی جهت توازن پاسخگویی به سهامداران مختلف ایجاد گردد.

۱- در تدوین این چارچوب حاکمیت شرکتی، باید نقش‌ها و وظایف هر بخش حاکمیت شرکتی شامل هیئت مدیره، کمیته‌های مربوطه، مدیریت اجرایی، هیئت نظارت بر شریعت اسلامی^۱ و حسابرسان داخلی و خارجی و غیره مشخص شوند و ساز و کارهایی جهت توازن پاسخگویی هر بخش حاکمیت شرکتی به ذی‌نفعان مختلف ایجاد شود.

۲- هیئت مدیره هر مؤسسه خدمات مالی اسلامی، به‌عنوان سیاست‌گذاران داخلی، باید مسئولیت تدوین چارچوب سیاست حاکمیت شرکتی را بر عهده داشته باشند. هیئت مدیره باید یک کمیته حاکمیت شرکتی متشکل از حداقل ۳ نفر تشکیل دهد که هماهنگ کننده و تکمیل کننده اجرای چارچوب حاکمیت شرکتی باشند.

۳- کمیته حاکمیت شرکتی باید اختیار انجام فعالیت‌های ذیل را داشته باشد.

الف- کنترل و نظارت بر اجرای چارچوب حاکمیت شرکتی با همکاری مدیریت، کمیته حسابرسی و هیئت نظارت بر شریعت اسلامی؛

ب- ارائه گزارش‌ها و توصیه‌های به هیئت مدیره در خصوص اجرای فعالیت‌ها؛

۴- نقش‌ها و وظایف کمیته حاکمیت شرکتی نباید با نقش‌ها و وظایف کمیته حسابرسی تداخل پیدا کند. در واقع نقش‌های کمیته حاکمیت شرکتی باید تکمیل کننده آن بخش از کمیته حسابرسی باشد که در برخی وظایف حاکمیت شرکتی به فعالیت‌های حسابداری مبادرت می‌ورزند.

۵- ممکن است تعارض منافی میان سهامداران (مالکان) و ذی‌نفعان (صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری)^۲ ایجاد شود که برای کمیته حسابرسی مشکل‌زا باشد. اگر کمیته حسابرسی از منظر منافع هر دو گروه بر فعالیت‌ها نظارت کند، آنگاه وظایف و مسئولیت‌های آنها شفاف‌تر و متمرکزتر می‌شود.

۶- هیئت مدیره در تعیین اعضای کمیته حاکمیت شرکتی باید اطمینان حاصل کند که هر عضو نقش مؤثری در کمیته خواهد داشت و هیئت مدیره باید گروهی متنوع و با تجارب مختلف تشکیل دهد که از تمرکز گروه بر یک مسیر و یک دیدگاه جلوگیری به عمل آید. بنابراین رعایت نکات ذیل در همین ارتباط ضروری به نظر می‌رسد:

¹ Shariah Supervisory Board (SSB)

² Investment Account Holders (IAH)

الف- بهتر آن است که مدیریت کمیته حاکمیت شرکتی بر عهده یک مدیر غیرموظف باشد. این فرد باید علاوه بر دارا بودن مهارت‌های مرتبط همچون توانایی درک و استنباط صورت‌های مالی، توانایی هماهنگی و ارتباط نقش‌های تکمیلی و وظایف کمیته حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی را نیز داشته باشد.

ب- لازم است که یکی از اعضای هیئت نظارت بر شریعت اسلامی به عضویت کمیته حاکمیت شرکتی درآید.

ج- ترجیحاً نفر سوم از اعضای کمیته حاکمیت شرکتی یک مدیر غیرموظف مستقل باشد که از مهارت‌های متنوع جهت کمک به کمیته یادشده برخوردار باشد.

۷- یکی از اهداف اصلی کمیته حاکمیت شرکتی باید حفاظت از منافع ذی‌نفعان نسبت به سهامداران باشد. کمیته حاکمیت شرکتی نباید همچون اعضای هیأت‌مدیره عمل کند، بلکه هماهنگی بیشتری با مقامات نظارتی بانک مرکزی داشته باشد. در مواردی که اختلافی بین کمیته حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی ایجاد شود، مسئولیت نهایی مصالحه با هیأت‌مدیره است.

۱-۲- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید نسبت به ارائه گزارش اطلاعات مالی و غیرمالی، که مطابق با اصول استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده حسابداری و منطبق با قوانین و مقررات شریعت اسلامی باشد، اطمینان حاصل کند و اینکه این گزارش‌ها در صنعت خدمات مالی اسلامی قابل اجرا و توسط مقامات نظارتی بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی شناخته شده است.

۸- هم‌چنان‌که فعالیت‌های صنعت خدمات مالی اسلامی در دنیای کنونی در حال رشد بوده و بر بازارهای مالی جهانی تأثیرگذار است، مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید از استانداردهای شناخته شده گزارش‌دهی بین‌المللی تبعیت کنند. ضمن اینکه باید نسبت به هم‌خوانی گزارش اطلاعات مالی و غیرمالی با خدمات مالی اسلامی اطمینان حاصل شود. اهمیت فرآیندهای حسابداری مناسب برای حاکمیت شرکتی در موارد ذیل احساس می‌شود:

الف- استفاده از خدمات حسابداران و مشاوران و یافته‌های حسابرسی در استفاده مؤثر و به موقع جهت حل مشکلات پیشرو

ب- حفظ استقلال حسابرسی داخلی و خارجی

۹- هیئت‌مدیره هر مؤسسه خدمات مالی اسلامی باید یک کمیته حسابرسی متشکل از حداقل ۳ عضو (یک رئیس و دو عضو) تشکیل دهند که توسط اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره انتخاب شده و با مسائل مالی و تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی و اسناد حسابداری آشنایی داشته باشند. مسئولیت اصلی کمیته حسابرسی انجام وظایف ذیل است:

الف- بررسی و نظارت بر کل فرآیندهای حسابداری مؤسسه خدمات مالی اسلامی از طریق همکاری با حسابرسان داخلی و خارجی

ب- ارائه گزارش و توصیه‌هایی به هیئت مدیره مطابق اصول استانداردهای حسابداری و قوانین شریعت اسلامی

۱۰- کمیته حسابرسی باید با هر دو گروه هیئت نظارت بر شریعت اسلامی و کمیته حاکمیت شرکتی هماهنگ و در ارتباط باشد تا اطمینان حاصل شود که اطلاعات با قوانین شریعت اسلامی و اصولی که مؤسسات خدمات مالی اسلامی منتشر کرده است، مطابقت دارد.

بخش دوم - حقوق دارندگان سپرده های سرمایه گذاری (IAH)¹

اصل ۱-۲- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه گذاری را از طریق نظارت آنها بر عملکرد سرمایه گذاری‌هایشان و مخاطره‌های مرتبط به رسمیت بشناسد و شرایط مناسبی مهیا نموده تا نسبت به رعایت حقوق آنها اطمینان حاصل شود.

۱۱- به لحاظ مفهومی، تحت اصل مضاربه، دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌عنوان مالک سپرده‌ها متحمل ریسک از دست دادن وجوه خویش می‌شوند. این بدان معنا است که ریسک سرمایه‌گذاری آنها مشابه سهامداران مؤسسه خدمات مالی اسلامی است که متحمل ریسک از دست دادن سرمایه‌شان به‌عنوان مالکان مؤسسه می‌شود. به هر حال مؤسسه خدمات مالی به‌عنوان عامل (امانت دار) تحت قرارداد مضاربه، به دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری بدهکار می‌باشد که مشابه بدهکاری آنها به سهامداران است. در این زمینه، مؤسسه خدمات مالی به‌عنوان عامل، اشاره به مدیریت و سهامداران آن دارد، زیرا سهامداران مدیریت مؤسسه را انتخاب نموده و از این طریق حافظ منافع خویش می‌باشند، اما دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری نقشی در انتخاب هیئت مدیره ندارند. بنابراین باید همیشه در تشریح وظایف امانت‌داری، مدیریت و سهامداران را به‌عنوان عامل و دارندگان حساب سرمایه‌گذاری را به‌عنوان مالک سپرده‌ها در نظر گرفت.

۱۲- در همین ارتباط، مؤسسه خدمات مالی اسلامی باید وظیفه امانت‌داری را در قبال دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، چه نحوه سرمایه‌گذاری تحت قرارداد مضاربه محدود یا نامحدود قید شده باشد، به نحو احسن انجام دهد، به طوری که منافع حاصله از سرمایه‌گذاری آنها از منافع سهامداران و مالکان کمتر نباشد.

۱۳- از این رو مناسب است که مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی حقوق ذی نفعان (دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری) را برابر با حقوق سهامداران مالکان در نظر بگیرد و حقوق آنها را در

¹ Investment Account Holders

دسترسی به اطلاعات مرتبط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به رسمیت بشناسد این اقدام باعث کمک به دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری در تصمیم‌گیری آگاهانه نسبت به سرمایه‌گذاری می‌شود.

۱۴- حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری جهت نظارت بر عملکرد سرمایه‌گذاری‌هایشان نباید به‌عنوان حق مداخله در مدیریت سرمایه‌گذاری توسط مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی تعبیر شود. باید اشاره شود که در مؤسسات خدمات مالی اسلامی، سهام‌داران که حق رأی‌گیری در مجمع عمومی، انتصاب مدیران و حساب‌رسان را دارند، حق دخالت مستقیم در اسناد را ندارند. بنابراین تنها ضروری است که این مؤسسات در مورد سیاست‌ها و فعالیت‌های مرتبط با سپرده‌های سرمایه‌گذاری به ذی‌نفعان اطلاع‌رسانی کنند.

۱۵- مؤسسه خدمات مالی اسلامی باید در خصوص نحوه سرمایه‌گذاری دارایی‌ها، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری اولیه و تخصیص دارایی و شیوه محاسبه سود و زیان ناشی از آنها به ذی‌نفعان اطلاع‌رسانی کند.

۱۶- کمیته حاکمیت شرکتی مؤسسه خدمات مالی اسلامی باید مسئولیت حفاظت از حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری و اطمینان خاطر از افشای اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های وجوه به شیوه مؤثر و اجرای صحیح قراردادهای سرمایه‌گذاری را برعهده داشته باشد.

۲-۲- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید یک استراتژی سرمایه‌گذاری صحیح را دنبال کنند که تعادل مناسبی میان ریسک و بازده مورد انتظار برقرار شود و برنامه شفاف در مورد هموارسازی بازدهی‌های حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها (سود)^۱ اجرا کند.

۱۷- عموماً دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری در جستجوی سرمایه‌گذاری با ریسک کم و بازده‌های اثبات هستند - یک استراتژی سرمایه‌گذاری تدافعی (ریسک کم و بازده کم)، در حالی که سهامداران ممکن است در صدد اجرای استراتژی سرمایه‌گذاری تهاجمی (ریسک زیاد و بازده زیاد) باشند. این وضعیت ممکن است منجر به تعارض منافع بین دو گروه شود. هموارسازی بازده‌های سرمایه‌گذاری ممکن است مشکل به وجود آمده را از میان ببرد. با وجود این، هموارسازی سود اثری بر ریسک ندارد.

۱۸- از آنجا که بخشی از سود تقسیمی به سهامداران به حساب سود و زیان انباشته منتقل و بخشی به صورت سود تخصیصی (سود پرداختی) به آنها واگذار می‌شود و این در حالی است که دارندگان حساب سرمایه‌گذاری تنها از سود و زیان حاصل از قرارداد منتفع می‌شود، لزوم اجرای هموارسازی

^۱ **Smoothing any Returns**، ایجاد یک حساب ذخیره تعدیل سود در صورت حساب سود و زیان که در مواقع زیان حاصله در قراردادهای اسلامی، بخشی از این حساب به حساب دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری (ذی‌نفعان) انتقال یابد.

سود احساس می‌شود. لذا اجرای این برنامه باعث پرداخت سود به ذی‌نفعان براساس نرخ بازده تجمعی حاصل از چندین سال سرمایه‌گذاری می‌گردد.

۱۹- مؤسسه خدمات مالی باید دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را در خصوص انباشت و یا برداشت از حساب ذخیره تعدیل برای افزایش توزیع سود به آنها، اطلاع‌رسانی کند.

۲۰- به‌منظور حصول اطمینان از اجرای مناسب برنامه هموارسازی سود، کمیته حاکمیت شرکتی باید نحوه استفاده از آن را مورد بررسی دقیق قرار داده و توصیه‌های مناسبی به هیأت مدیره ارائه دهد.

بخش سوم -مطابقت با قوانین شریعت اسلامی

اصل ۱-۳- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید سازوکاری مناسبی جهت استخراج قوانین از منابع شریعت اسلامی و بکارگیری فتوهای فقها و نظارت بر اجرای قوانین شریعت اسلامی در تمام جنبه‌ها و فعالیت‌های خدمات مالی به کارگیرد.

۲۱- به‌عنوان اصل تبعیت از قوانین شریعت اسلامی، هیأت‌مدیره نیازمند تدوین ساز و کاری است که بتواند به سرعت و به‌طور کارا تحرک‌پذیر باشد و قوانین را از منابع شریعت اسلامی استخراج و بر مطابقت با قوانین اسلام نظارت داشته باشد.

۲۲- مؤسسه خدمات مالی اسلامی در مواردی که مناسب است، مقامات نظارتی بانک مرکزی را در مورد سازوکارهای استخراج قوانین از شریعت اسلامی مطلع سازد.

اصل ۲-۳- مؤسسات خدمات مالی باید از قوانین و اصول شریعت اسلام تبعیت کند. ضمن اینکه باید این قوانین را در اختیار عموم قرار دهد.

بخش چهارم- شفاف سازی گزارش مالی در ارتباط با دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری

اصل ۴- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید از افشای کافی و به موقع در مورد اطلاعات مربوط به سپرده‌های سرمایه‌گذاری به ذی‌نفعان اطمینان حاصل کند.

۲۳- در ارتباط با حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری جهت نظارت بر عملکرد سرمایه‌گذاری، سپرده‌گذاران باید از نحوه محاسبه سود، تخصیص دارایی، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و ساز و کارهای هموارسازی در ارتباط با حساب‌های سرمایه‌گذاری مطلع شوند.

۲۴- دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری باید در مورد هر بخش مربوط به معاملات و اقدامات مؤسسه خدمات مالی اسلامی مطلع شوند. افشای کافی و به موقع اطلاعات مربوطه جهت توسعه شفاف سازی، پاسخگویی مسئولان و مدیریت ریسک حیاتی است.

۲۵- اطلاعات بر پایه توزیع سود و تخصیص آن باید قبل از افتتاح حساب سرمایه‌گذاری تهیه و به اطلاع عموم برسد. ضمن اینکه تغییر مستمر اطلاعات متأثر از تغییرات قابل ملاحظه در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری باید به اطلاع ذی‌نفعان برسد.

۲۶- بکارگیری ذخایر تعدیل سود، جهت هموار سازی سود باید از طریق گزارش سالانه مؤسسه خدمات مالی اسلامی به اطلاع ذی‌نفعان و سهامداران برسد.

۲۷- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید اطلاعاتی را در مورد هیأت مدیره (همچون آیین‌نامه‌ها، تعداد اعضاء، نحوه انتخاب، شرایط واجد شرایط اعضاء و...)، ساختار مالکیت (همچون مالکان عمده، نحوه رأی‌گیری مجامع، مالکان ذینفع، سهامداران عمده که در هیأت مدیره فعالیت دارند و یا جزو مدیریت ارشد هستند و جلسات سهامداران و...)، ساختار سازمانی (همچون نمودار سازمانی، جلسات مدیریت و...) اطلاعاتی در مورد برنامه‌های تشویقی حقوق و مزایا (همچون میزان پرداخت، پاداش‌ها، اختیار خرید سهام و...)، اصول فعالیت تجاری و اخلاقی شرکت و یا هر نوع ساختار یا سیاست‌های حاکمیت شرکتی و برنامه مالکیت شرکتی و اهداف آن و چگونگی اجرای آن را به اطلاع عموم برساند (روشندل، ۱۳۸۶). در کل، بازیگران اصلی حاکمیت شرکتی در مؤسسات اسلامی به شرح جدول ۱-۲ می‌باشند:

جدول ۱-۲ بازیگران اصلی حاکمیت شرکتی در مؤسسات اسلامی

بازیگران	موضوعات مهم	اهداف/وظایف
نظام اقتصادی، مالی و قانونی	کارایی در نظام قانونی، اجراپذیری قراردادها، اصل حاکمیت قانون	بهبود و ارتقای محیط کسب و کار و تدوین قانونی قوی و مناسب برای حمایت از حاکمیت شرکتی
دولت (قوانین و مقررات مربوط به مؤسسات مالی اسلامی)	قوانینی که عملکرد مؤسسات مالی اسلامی را تسهیل می‌کند	ایجاد قوانین و مقررات واضح و شفاف که نیازهای مؤسسات مالی اسلامی را برطرف نماید
سیستم حسابداری	حسابداری و حسابرسی نمودن استانداردهای تعیین شده، با هدف تبادل واضح و شفاف اطلاعات	ایجاد استانداردهای حسابداری یکسان، واضح و شفاف

ناظران	ثبات و سلامت نظام مالی (حذف ریسک نظام‌مند)، ایجاد و توسعه کنترل‌های داخلی، روش‌های مدیریت ریسک و استانداردهای شفافیت	ارائه رهنمودهایی به مؤسسات مالی، ارزیابی عملیات مؤسسات مالی به طور کلی و رفتارهای پرخطر به‌طور خاص
انجمن‌های بانکی	ارائه حداقل استانداردها برای حاکمیت شرکتی	ارائه اصول فعالیت اقتصادی درست
سهامداران	حقوق سهامداران	انتخاب اعضای هیأت‌مدیره
هیأت‌مدیره	تضمین مدیریت صحیح، مراقبت و ارزیابی از نحوه مدیریت، حمایت از حقوق سهامداران و دارندگان حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری	تعیین راهبرد و خط مشی کلی مؤسسه، پاسخ‌خواهی از مدیریت مؤسسه
مدیرکل	اداره کارای مؤسسه، ایجاد توازن بین ریسک و بازده، ایجاد ساختار انگیزشی مؤثر	اجرای سیاست‌های مصوب هیأت‌مدیره به شیوه‌ای صحیح و پاسخ‌گوینه
حسابرسان داخلی	بررسی کیفیت و کمیت اطلاعات، بررسی شفافیت اطلاعات	اطمینان از پیروی مدیریت از هیأت‌مدیره (تطبیق)
هیأت نظارتی شریعت	ارائه قوانین و اصول شرعی	ارزیابی میزان متابعت از آرای هیئت
سپرده‌گذاران	دریافت خدمات مناسب، بازده قابل رقابت (درمقایسه با بازده دیگر مؤسسات)	فعالیت به صورتی مسئولیت‌پذیر، ارزیابی عملکرد مؤسسه
حسابرسان مستقل	بررسی کیفیت و کمیت اطلاعات، بررسی شفافیت اطلاعات	بررسی میزان دقت، کیفیت و کمیت اطلاعات
ارزیابان شریعت	بررسی مطابقت با شریعت	تضمین متابعت از آرای صادره توسط هیأت نظارتی شریعت

منبع: خوانساری (۱۳۸۹)

۲-۳-۶. اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه بانک تسویه بین المللی (BIS)^۱

- اصل ۱- اعضای هیأت مدیره باید جهت تصدی سمت‌ها واجد شرایط بوده و درک روشنی از نقش حاکمیت شرکتی داشته و توانایی اجرای قضاوت صحیح در خصوص امور بانک را دارا باشند.
- اعضای هیأت مدیره مسئولیت نهایی صحت فعالیت‌های عملیاتی و مالی بانک را بر عهده دارند. در صورتی که هیأت مدیره موارد ذیل را دنبال کند، حاکمیت شرکتی یک بانک تقویت خواهد شد:
- نقش نظارتی خویش را به خوبی درک کرده و آن را به کار گیرد، به خصوص در مورد انواع ریسک‌های پیرامون فعالیت‌های بانک
 - استراتژی اصلی فعالیت تجاری بانک را به تصویب رساند، که شامل تصویب سیاست کلی ریسک و دستورالعمل‌های مدیریت ریسک می‌باشد.
 - نقش وفاداری و وظیفه مراقبت از بانک را تحت قوانین ملی و استانداردهای نظارتی اجرا کند.
 - از تعارض منافع و بروز تعارض‌ها در فعالیت‌ها و تعهدات به سایر سازمان‌ها جلوگیری نماید.
 - زمان و انرژی کافی جهت اجرای مسئولیت‌ها قرار دهد.
 - هیأت مدیره را به شیوه‌ای (همچون اندازه) سازماندهی کنند که کارایی و تصمیمات استراتژیک واقعی بهبود یابد.
 - همچنان که بانک به لحاظ اندازه و پیچیدگی رشد پیدا می‌کند، سطح مناسبی از اجرای فعالیت‌ها را توسعه و حفظ کند.
 - به صورت دوره‌ای، اثربخشی برنامه‌های حاکمیت شرکتی مربوط به خود را، همچون انتخاب اعضای هیأت مدیره و مدیریت و تعارض منافع را ارزیابی و به شناسایی نقاط ضعف و تغییرات مورد نیاز براساس آن بپردازد.
 - مدیران اجرایی کلیدی را انتخاب و بر فعالیت‌های آنها نظارت و در صورت لزوم آنها را جا به جا کند.
 - جلسات منظمی با مدیریت ارشد و حسابرسان داخلی برگزار نموده تا سیاست‌ها را مورد ارزیابی و میزان دستیابی به اهداف شرکت را بررسی نماید.
 - صحت و سلامت فعالیت‌های بانک را ارتقاء دهد و محیط پیرامون بانک را درک و اطمینان حاصل کند که بانک یک ارتباط مؤثر با مقامات نظارتی برقرار کرده است.
 - از مشارکت هیأت مدیره در فعالیت‌های روزمره مدیریت بانک اجتناب شود.

¹ Bank of the International Settlements

- حداکثر سعی و تلاش در استخدام و نظارت بر حساب‌رسان خارجی، در صورتی که در اساسنامه این وظایف بر عهده آنها باشد، را بکار گیرند.
- اصل ۲- هیأت مدیره باید اهداف استراتژیک بانک را تعیین و بر دستیابی به آنها نظارت داشته باشد و ارزش‌های شرکتی که در سراسر سازمان بانک جریان دارد را دنبال کند.
- هیأت مدیره در تعیین اهداف استراتژیک باید به منافع سهامداران و سپرده‌گذاران توجه لازم را داشته باشد و اطمینان حاصل نماید که این اهداف و استانداردها به‌طور گسترده‌ای درون سازمان جریان دارد. هیأت مدیره باید اطمینان حاصل کند که مدیریت ارشد برنامه‌های استراتژیک و دستورالعمل‌های مربوطه را اجرا می‌کند. ضمن اینکه باید اطمینان یابد که مدیریت ارشد مانع تضعیف حاکمیت شرکتی همچون بروز تعارض منافع شده است.
- اصل ۳- هیأت مدیره باید خطوط مسئولیت پذیری و پاسخگویی را در سراسر سازمان به‌طور شفاف تعیین و تقویت نماید.
- هیأت مدیره کارآمد باید اختیارات و مسئولیت‌های حساس خویش و مدیریت ارشد را به‌طور شفاف تعیین کند. آنها همچنین باید خطوط نامشخص پاسخگویی، خطوط مسئولیت‌پذیری چندگانه که بر بروز مشکلات می‌افزاید را شناسایی کنند. هیأت مدیره باید در قبال فعالیت‌های مدیریت ارشد مسئول باشد و مدیریت ارشد در برابر وظایف تفویض شده به کارمندان زیردست و ایجاد یک ساختار مدیریت که پاسخگویی را ارتقا بخشد، مسئولیت دارد.
- اصل ۴- هیأت مدیره باید نسبت به نظارت مناسب بر مدیریت ارشد، که با سیاست هیأت مدیره سازگار باشد، اطمینان حاصل کند.
- مدیریت ارشد شامل یک تعداد از افراد رده بالای سازمان است، به‌عنوان مثال مدیر امور مالی، اعتبارات و غیره. هیأت مدیره باید در خصوص دارا بودن مهارت کافی این مدیران در مدیریت و نظارت مناسب بر حوزه زیر مجموعه خویش اطمینان حاصل کند. این مدیران با مدیریت صحیح و نظارت مؤثر بر حوزه خویش و هم‌خوانی فعالیت‌های زیرمجموعه با سیاست‌ها و دستورالعمل‌های تعیین شده از سوی هیأت مدیره، نقش مؤثری در اجرای حاکمیت شرکتی ایفا می‌کنند. یکی از وظایف اصلی مدیریت ارشد تأسیس یک سیستم مؤثر کنترل داخلی، تحت سیاست‌های هیأت مدیره، می‌باشد. ضمن اینکه تصمیمات حساس مدیریت نباید توسط یک نفر اتخاذ شود.
- اصل ۵- هیأت مدیره و مدیریت ارشد باید سیستم کنترل داخلی کارایی را برقرار و به‌طور مؤثری از اقدامات و رهنمودهای حساب‌رسان داخلی و حساب‌رسان خارجی استفاده کند.

هیأت مدیره باید نسبت به دانش تخصصی حسابرسان، مستقل بودن آنها و وجود یک سیستم مناسب کنترل داخلی اطمینان حاصل کند. اجرای دقیق آنها نقش به سزایی در تقویت حاکمیت شرکتی خواهد داشت.

اصل ۶ - هیأت مدیره باید در خصوص سیاست‌های حقوق و مزایا و فعالیت‌های مرتبط با فرهنگ حاکمیت شرکتی بانک، اهداف و استراتژی بلندمدت و کنترل محیط اطمینان حاصل کند. فقدان ارتباط لازم میان حقوق و مزایای اعضای هیأت مدیره و مدیریت ارشد با استراتژی تجاری بلندمدت می‌تواند منجر به تقابل منافع بانک با ذی‌نفعان شود. اعضای هیأت مدیره باید حقوق و مزایای خویش و مدیریت ارشد را به گونه‌ای تعیین کنند که با فرهنگ بانک، اهداف و استراتژی بلندمدت و کنترل محیط سازگار باشد.

اصل ۷ - فعالیت‌های بانک باید به یک شیوه شفاف و روشن اجرا شود.

شفاف سازی برای اطمینان خاطر از صحت و کارایی حاکمیت شرکتی ضروری می‌باشد. در مواقع فقدان شفافیت و وضوح فعالیت‌ها، نظارت مؤثر ذی‌نفعان، سهامداران و مشارکت کنندگان بازار دشوار است و پاسخ‌گویی صحیحی از سوی هیأت‌مدیره و مدیریت ارشد صورت نمی‌گیرد. مواقعی که افراد یاد شده اطلاعات کافی در خصوص ساختار مالکیت و اهداف بانک دریافت نکنند، قادر نخواهند بود اثربخشی هیأت مدیره و مدیریت ارشد را ارزیابی کنند. افشای عمومی مناسب فعالیت‌ها باعث نظم بخشی بازار و تقویت حاکمیت شرکتی می‌شود و در عین حال نظارت اثربخش‌تری از سوی ناظران پولی صورت می‌گیرد. افشای موارد ذیل هرچند تمام موارد جامع را در بر نمی‌گیرد، اما باعث تقویت حاکمیت شرکتی در بانک می‌شود:

- ساختار هیأت‌مدیره (همچون مقررات، اندازه، اعضاء، فرآیند انتخاب شرایط واجد شرایط، سایر موارد مربوط به مدیریت، معیارهای داشتن استقلال کاری، منافع آنها در معاملات یا مواردی که بانک را تحت تأثیر قرار دهد، اعضای کمیته، نمودار و مسئولیت‌ها) و ساختار مدیریت ارشد (همچون مسئولیت‌ها، خطوط گزارش‌دهی و تجارب)
- ساختار اساسی مالکیت (به‌عنوان مثال مالکان اصلی، نحوه رأی‌گیری، مالکان ذی‌نفع، مشارکت سهامداران اصلی در هیأت مدیره یا در پست‌های مدیریت ارشد، جلسات سهام‌داران)
- ساختار سازمانی (همچون نمودار سازمانی، واحدهای تجاری، شرکت‌های تابعه و کمیته‌های مدیریت)
- اطلاعاتی درباره ساختار تشویقی بانک (همچون سیاست‌های حقوق و دستمزد، مزایای مدیران، پاداش‌ها و اختیار خرید سهام)
- اصول فعالیت‌های تجاری و اخلاقی بانک، مرتبط با سیاست‌ها و ساختار حاکمیت شرکتی.

- در مواردی که بانک مالک محسوب می شود، لازم است سیاست مالکیتی تعریف شود که در برگیرنده اهداف اصلی مالکیت، نقش آن در حاکمیت شرکتی بانک و چگونگی اجرای سیاست مالکیت باشد.
 - مشخص کردن سیاست‌های بانک مرتبط با تعارض منافع، ماهیت و نوع معاملات با اشخاص و گروه‌های وابسته (همچون مواردی که اعضای هیأت مدیره و مدیریت ارشد منافی را به طور مستقیم یا غیرمستقیم یا از طریق اشخاص ثالث کسب خواهند کرد).
 - اصل ۸- هیأت مدیره و مدیریت ارشد باید ساختار فعالیت‌های عملیاتی بانک را کاملاً درک کند، همچون مواردی که بانک از مجرای اختیارات قانونی یا به واسطه ساختار بانک مانع شفاف سازی می‌شود.
 - چالش‌های حاکمیت شرکتی زمانی بروز می‌کند. که بانک‌ها فعالیت‌شان را از طریق ساختاری دنبال کنند که مانع شفاف سازی شود، یا ساختار بانک‌ها به گونه‌ای باشد که از طریق اختیارات قانونی خاصی فعالیت‌های خویش را دنبال کنند که مانع شفاف سازی شود و فعالیت خویش را مشروعیت بخشند. در این شرایط لازم است که ساختار فعالیت‌های عملیاتی به گونه‌ای اصلاح شود تا حداکثر شفاف سازی حاصل گردد. به علاوه، افزایش ریسک‌های پیرامون بانک با ساختار پیچیده و غیر شفاف ارتباط دارد. در همین ارتباط، هیأت مدیره باید گام‌های ذیل را جهت اطمینان از شناسایی و مدیریت ریسک بردارد:
 - هیأت‌مدیره باید اطمینان حاصل کند که مدیریت، سیاست‌های روشنی در ارتباط با هدایت فعالیت‌ها از طریق ساختار حاکمیت شرکتی یا اختیارات قانونی که مانع شفاف سازی می‌شود، تعیین کرده است.
 - کمیته حسابرسی باید بر فرآیند حسابرسی داخلی نظارت کند و نتایج گزارش را به طور واقعی به هیأت‌مدیره اعلام نماید.
 - سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و استراتژی‌های مناسبی در شرایط وجود ساختارها، ابزارها و محصولات مالی پیچیده تعیین کند. در حالی که، هیأت‌مدیره مسئولیت نظارت کلی و تصویب سیاست‌ها را برعهده دارد، مدیریت ارشد مسئول شناسایی و مدیریت ریسک‌های ناشی از فعالیت‌های بانک است.
 - نقش ناظران بر فعالیت‌های بانک
- ناظران بانک نقش کلیدی در ارتقای حاکمیت شرکتی مؤثر در بانک‌ها دارند. اصول ذیل می‌تواند به ناظران بانکی در ارزیابی حاکمیت شرکتی بانک کمک نماید (روشندل، ۱۳۸۶):

- ناظران بانکی باید رهنمودهایی در مورد صحت حاکمیت شرکتی و اقدامات پیش‌گیرانه در زمینه بروز مشکلات در زمینه حاکمیت شرکتی به بانک‌ها اعلام کنند.
- ناظران بانکی باید حاکمیت شرکتی را به‌عنوان یک جزء حیاتی حفاظت از منافع سپرده‌گذاران در نظر بگیرند.
- ناظران بانکی باید مشخص کنند که بانک سیاست‌ها و اقدامات حاکمیت شرکتی را پذیرفته و آنها را به‌طور مؤثری اجرا می‌کنند.
- ناظران بانکی باید کیفیت حسابرسی و اقدامات کنترلی بانک‌ها را ارزیابی کنند.
- ناظران بانکی باید اثرات ساختار گروهی یا شرکتی متعلق به بانک را بر حاکمیت شرکتی ارزیابی کنند.
- ناظران بانکی باید هیأت‌مدیره و مدیریت ارشد را در قبال مشکلات ناشی از حاکمیت شرکتی پاسخگو بدانند و آنها را ملزم به بکارگیری تدابیر اصلاحی و به موقع جهت بهبود حاکمیت شرکتی در بانک نماید.

۲-۳-۷. اصول ۱۴ گانه بهبود حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی (بال)

کمیته نظارت بانکی بال^۱ نخستین رهنمود خود را در خصوص اصول بهبود حاکمیت شرکتی در سال ۱۹۹۹ منتشر و در سال ۲۰۰۶، رهنمود خود را مطابق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با زنگری نمود. متعاقب انتشار رهنمود کمیته در سال ۲۰۰۶ و طی بحران مالی که از اواسط سال ۲۰۰۷ آغاز شد، ناکامی‌ها و مشکلات بسیاری که در زمینه حاکمیت شرکتی پدید آمده بود، آشکار گشتند. از جمله؛ عدم نظارت کافی هیأت‌مدیره بر هیأت‌عامل، مدیریت ناکارآمد ریسک‌ها و وجود ساختارهای بانکی که بی‌جهت پیچیده یا مبهم بودند. از این‌رو کمیته نظارت بانکی بال در اکتبر سال ۲۰۱۰ میلادی با انتشار سندی ۱۴ اصل جهت بهبود حاکمیت شرکتی در ارتباط با شیوه‌های کاری هیئت‌مدیره، هیئت‌عامل، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، جبران خدمات، ساختارهای شرکتی مختلط و پیچیده و افشاء و شفافیت تعیین نمود که عبارتند از (نرگس احمدی، ۱۳۹۴):

اصل ۱: هیأت‌مدیره از مسئولیتی جامع در قبال بانک؛ شامل تصویب و نظارت بر اجرای اهداف راهبردی بانک، استراتژی ریسک، حاکمیت شرکتی و ارزش‌های شرکتی برخوردار می‌باشد. همچنین هیأت‌مدیره مسئول نظارت بر عملکرد هیأت‌عامل است.

^۱Basel Committee on Banking Supervision ,(BCBS)

اصل ۲: اعضای هیأت مدیره بایستی از صلاحیت لازم برخوردار بوده و از طریق آموزش مرتبط با سمت خود، واجد شرایط باقی بمانند. آنها باید درک روشنی از نقش خود در زمینه حاکمیت شرکتی داشته و همچنین توانایی انجام قضاوت صحیح و بی طرفانه درباره امور بانک را دارا باشند.

اصل ۳: هیأت مدیره بایستی شیوه‌های حاکمیت شرکتی مناسبی را برای فعالیت خود تعیین نموده و دارای ابزاری مناسب جهت اطمینان از رعایت و بازنگری منظم این شیوه‌ها به منظور استمرار پیشرفت خود باشد.

اصل ۴: در یک ساختار گروهی، وظیفه نهایی اجرای حاکمیت شرکتی مؤثر بر عهده هیئت مدیره مؤسسه مادر است. لازم است هیئت مدیره از وجود سیاست‌ها و مکانیزم‌های مناسب در زمینه ساختار، فعالیت‌های تجاری و ریسک‌های پیش روی گروه و مؤسسات مربوطه اطمینان حاصل نماید.

اصل ۵: لازم است هیئت عامل با هدایت هیئت مدیره از انطباق فعالیت‌های بانک با راهبرد تجاری، رویه‌های کلی ریسک و سیاست‌های مصوب هیئت مدیره، اطمینان حاصل نماید.

اصل ۶: لازم است بانک دارای یک نظام کنترل داخلی کارآمد و واحد مدیریت ریسک مؤثر (شامل یک مدیر ارشد ریسک یا معادل آن) بوده که دارای اختیارات، جایگاه، استقلال و منابع بوده و امکان دسترسی مناسب به هیئت مدیره بانک را دارا باشد.

اصل ۷: ریسک‌های سازمان بایستی شناسائی شده و به‌طور مستمر بر آنها نظارت شود. پیچیدگی مدیریت ریسک و زیر ساخت‌های کنترل‌های داخلی باید منطبق بر سرعت تغییرات پرتفوی ریسک بانک (شامل افزایش آن) و دورنمای بیرونی ریسک‌ها باشد.

اصل ۸: مدیریت مؤثر ریسک، مستلزم تعاملات داخلی جامع در درون بانک، هم از طریق تعامل در کل سازمان و هم از طریق گزارش‌دهی به هیأت مدیره و هیأت عامل می‌باشد.

اصل ۹: هیأت مدیره و هیأت عامل بایستی از اقدامات انجام شده توسط حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل و نیز حوزه کنترل‌های داخلی به شیوه‌های مؤثر استفاده نمایند.

اصل ۱۰: هیأت مدیره باید به‌منظور اطمینان از فعالیت سیستم جبران خدمات، مطابق اهداف مورد نظر بطور مؤثر بر طراحی و کارکرد این سیستم نظارت نماید.

اصل ۱۱: جبران خدمات یک کارمند باید به‌طور مؤثری متناسب با میزان ریسک پذیری عملکرد وی باشد: میزان جبران خدمات برای تمامی انواع ریسک، بایستی طوری در نظر گرفته شود که نتایج آن با نتایج ریسک مربوطه متناسب بوده و برنامه‌ریزی‌های انجام شده به‌منظور جبران خدمات باید محدوده زمانی ریسک‌ها را در نظر گیرند (برنامه زمانی پرداخت آن به دوره زمانی ریسک وابسته باشد). انواع مختلف جبران خدمات اعم از وجوه نقد، اوراق قرضه، سهام یا دیگر انواع نیز بایستی با ریسک مربوطه متناسب باشند.

اصل ۱۲: هیئت مدیره و هیأت عامل بایستی درک روشنی از ساختار عملیاتی بانک و نیز ریسک‌های مربوط به آن داشته و آنها را بشناسند (به عبارت دیگر "ساختار خود را بشناس").

اصل ۱۳: در صورتی که بانک از طریق ساختارهای خاص فعالیت نموده و یا در کشورهای فعالیتی دارند که از شفافیت ممانعت به عمل می‌آورند یا از استانداردهای بانکی بین‌المللی تبعیت نمی‌نمایند، هیئت مدیره و هیئت عامل بانک بایستی هدف، ساختار و ریسک‌های منحصر به فرد اینگونه فعالیت‌ها را شناخته و در جهت کاهش ریسک‌های شناسایی شده، اقدام نمایند (به عبارت دیگر "ساختار خود را بشناس").

اصل ۱۴: اداره امور بانک بایستی برای سهام‌داران، سپرده‌گذاران دیگر ذی‌نفعان مربوطه و نیز فعالان بازار از شفافیت کافی برخوردار باشد.

۲-۳-۸. جمع بندی اصول حاکمیت شرکتی طبق دیدگاه‌های (OECD)^۱، (IFSB)^۲، (BIS)^۳ و (BCBS)^۴

- ۱- در ۴ دیدگاه بر نقش هیئت‌مدیره در ایجاد چارچوب مناسب حاکمیت شرکتی و تعیین وظایف بخش‌های مختلف و نظارت بر عملکرد آنها تأکید شده است.
- ۲- همه اصول با هدف افزایش حمایت از حقوق ذی‌نفعان بانک شامل سهام‌داران، سپرده‌گذاران، کارکنان، مشتریان و سایر ذی‌نفعان بانک، از طریق ایجاد سازوکارهایی در جهت ارتقاء شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در نظام بانکی تدوین شده‌اند.
- ۳- با توجه به اصول هیأت خدمات مالی اسلامی در مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی علاوه بر بخش‌های حاکمیت شرکتی بیان شده توسط بانک تسویه بین‌المللی و سازمان نظارت بانکی (بال) هیئت نظارت بر شریعت اسلامی نیز باید وجود داشته باشد و با همکاری کمیته‌های حسابداری و حاکمیت شرکتی از تطابق فعالیت‌های بانک با قوانین شریعت اسلامی اطمینان حاصل کند.
- ۴- با توجه به غالب بودن عقود مضاربه و مشارکت در بانک‌های اسلامی که سپرده‌گذاران به نوعی سرمایه‌گذاران طرح‌ها به‌شمار می‌آیند و در سود و زیان سرمایه‌گذاری سهیم هستند، از دیدگاه سازمان خدمات مالی اسلامی اصول حاکمیت شرکتی باید تأکید بیشتری بر حمایت از حقوق سپرده‌گذاران داشته باشد. که این توصیه در نظام بانکی اسلامی ایران نیز قابل تأکید است.

¹ Organisation for Economic Cooperation and Development

² Islamic Financial Services Board

³ Bank of the International Settlements

⁴ Basel Committee on Banking Supervision

۲-۳-۹. ابزارهای نظام بانکداری اسلامی در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی

الف) نظارت

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حاکمیت شرکتی که در اقتصاد متعارف نیز جریان دارد و می‌تواند برای بانکداری اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرد، مقوله نظارت است. جهت ایجاد اطمینان از عملکردها و فعالیت‌ها به چهار شیوه مهم نظارتی نیاز است (بال، ۲۰۰۶):

- ۱- اعمال نظارت توسط هیئت‌مدیره و یا هیئت نظارت.
 - ۲- اعمال نظارت توسط افرادی که نقشی در اداره روزانه فعالیت‌ها ندارند.
 - ۳- نظارت مستقیم توسط واحدهای کاری.
 - ۴- نظارت توسط حوزه‌های مستقل نظارتی چون حسابرسی و مدیریت ریسک.
- یکی از راهکارها جهت تقویت نظارت هیئت‌مدیره آنست که نماینده‌هایی از طرف سپرده‌گذاران در بین اعضای هیئت‌مدیره قرار بگیرد. در صورت عدم استقبال و پذیرش این روش از سوی بانک‌ها می‌توان از تشکیل انجمن سپرده‌گذاران و یا از تشکیل یک مؤسسه تخصصی خصوصی که همانند حسابرسان خارجی از منافع سپرده‌گذاران حمایت می‌نمایند، استفاده نمود. البته موفقیت این انجمن‌ها و مؤسسات منوط به شفافیت نظام بانکی و امکان دادن نظارت به نهادهای حافظ منافع سپرده‌گذاران است (قلیچ، ۱۳۹۵).

غیر از سپرده‌گذاران، سهام‌داران نیز از ذی‌نفعانی هستند که بایستی از حقوق شان محافظت گردد. بانک‌ها گاهی با پرداخت وام‌های هنگفت خود را در معرض خطر قرار می‌دهند. در مدل تأمین مالی اسلامی بانک‌ها به جای آنکه به میزان زیادی قرض دهند، بر مبنای مشارکت در سود و زیان سرمایه‌گذاری می‌نمایند و چون در ریسک موجود شریک می‌شوند، در ارائه وام به متقاضیان با احتیاط بیشتری عمل می‌کنند. همچنین این مشارکت باعث می‌شود که بانک در جلسات هیئت‌مدیره شرکت و دریافت‌کننده تسهیلات، حضور داشته و از این طریق بتواند در دفاع از حقوق کلیه سهام‌داران قانون‌گذاری، نظارت و حسابرسی خارجی داشته باشد. به عبارتی با حضور بانک به‌عنوان یکی از سهام‌داران در جلسات هیئت‌مدیره شرکت، به تأمین منافع خود پرداخته و همین امر موجب می‌شود که به‌طور ناخواسته منافع دیگر سهام‌داران نیز حفظ و حراست شود (قلیچ، ۱۳۹۵).

در نظام بانکداری اسلامی نظارت و بازرسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این ساختار افزون بر شیوه‌های نظارتی فوق، یک شیوه دیگر نظارتی نیز وجود دارد و آن این‌که بایستی توسط کمیته‌هایی بر رعایت موازین شرعی در فعالیت‌ها و ابزارهای بانکی نظارت دقیق و مستمری صورت گیرد. چرا که

آنچه ممیزه شاخص بین بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف است، بحث اجازه شرعی ابزارها و فعالیت‌های بکار گرفته شده از سوی بانک‌ها می‌باشد (قلیچ، ۱۳۹۵).

برای تحقق این مطلوب در بانکداری اسلامی برداشت دو قدم الزامی است. قدم اول اخذ جواز مشروعیت ابزارها و فعالیت‌ها بکار گرفته شده است و قدم دوم مراقبت بر تطابق ابزارها و فعالیت‌های بانکی با آنچه جواز شرعی آن صادر شده است. برای قدم اول شورای نگهبان و یا کمیته فقهی و شرعی می‌تواند با بررسی و سنجش فقهی ابزارها و فعالیت‌ها، مشروعیت و یا عدم مشروعیت آنان را اعلام نمایند. اما این نهادها، ابزار نظارتی خاصی برای کنترل و مراقبت بر فعالیت‌های اجرایی به‌منظور هماهنگی با فتاوی‌آنان ندارد (قلیچ، ۱۳۹۵).

از این رو برای نظارت بر حسن اجرای موازین شرعی می‌توان دو اقدام را انجام داد. اول آنکه در کنار هیئت نظارت بر فعالیت‌های بانک در انطباق با قوانین بانکداری و نیز هیئت بازرسان و حساب‌رسان داخلی، هیئت سومی به نام هیئت نظارت شرعی به وجود بیاید؛ که البته به علت افزایش تعداد قوای نظارتی از کارایی بانک‌ها در تعدد مراجعات کاسته خواهد شد. اقدام دوم این است که به‌جای ایجاد هیئت مستقل نظارتی، مؤسسات حسابرسی فعلی را به علوم و موازین شریعت مجهز نموده تا در ضمن حسابرسی‌های امور بر متابعت فعالیت‌های بانکی با اصول شرعی نیز نظارت شود (چپرا و حبیب^۱، ۲۰۰۲). بدیهی است این نظارت بایستی از سوی شورا و یا گروهی صورت پذیرد که علاوه بر داشتن تخصص و دانش در حوزه مسائل فقهی و شرعی، از اصول و علوم مربوط به بانکداری نوین نیز اطلاعات کافی داشته باشند (قلیچ، ۱۳۹۵).

نکته مهم و قابل اشاره در اینجا این است که در شرایط حال حاضر بانک‌های اسلامی به دلیل بالا بودن هزینه‌های نظارتی مجبور به تمرکز بر عقود مبادله‌ای به جای عقود مشارکتی شده‌اند که این امر موجب گردیده تا بانک نتواند از تمام فرصت‌های حاکمیت شرکتی که در اینجا بیان شد استفاده نماید (قلیچ، ۱۳۹۵).

ب) مدیریت ریسک

فعالیت‌های بانکی به‌طور طبیعی در ذات خود با ریسک‌های متفاوتی همراه هستند. حال اگر بانک‌ها در کشوری خاص و یا از طریق سازوکارهای پیچیده چون سازوکارهایی با مقاصد خاص^۲ یا بواسطه تراست‌های شرکتی^۳، به جهت نیل به اهداف تجاری دست به عملیات اقتصادی بزنند، مسلماً بر حجم ریسک‌های بانکی افزوده خواهد شد (بال، ۲۰۰۶).

¹ Chapra & Habib

² Special Purpose Vehicles (SPV)

³ Corporate Trusts

عدم شناسایی مشتریان بانکی از مهم‌ترین عللی است که می‌تواند بانک‌ها را با مشکلاتی چون خروج سپرده‌ها از بانک، عدم بازپرداخت وام‌ها، هزینه‌های بالای تحقیق و دعاوی حقوقی و ... مواجه سازد (بال، ۲۰۰۱). یکی از مهم‌ترین اقدامات برای کاهش این آسیب‌ها، برپایی نظام مدیریت ریسک‌ها می‌باشد (قلیچ، ۱۳۹۵).

از مهم‌ترین ریسک‌های بانکی، ریسک نقدینگی است. این ریسک اشاره به هنگامی دارد که بر اثر حادثه‌های غیرمترقبه کاهش محسوس در خالص جریان وجوه بانک به وجود آمده و بانک در ایفای تعهداتش نسبت به مشتریان با مشکل مواجه شود. این ریسک برای بانک‌های اسلامی از چند جهت خطرناک‌تر است. برای این مدعا چند دلیل می‌توان اقامه نمود (قلیچ، ۱۳۹۵):

اول آنکه بانک‌های اسلامی به علت محدودیت‌هایی که در زمینه رشد و فراگیری ابزارهای مالی دارند در چنین مواقعی نمی‌توانند به سرعت از بازارهای مالی کمبود نقدینگی خود را جبران نمایند. دوم آنکه بخش بزرگی از دارایی‌های بانکی را دیون مشتریان تشکیل می‌دهد. حال اگر بانک‌های اسلامی به علت موازین فقهی نتوانند دیون چندانی را به فروش برسانند در زمان‌هایی که با بحران نقدینگی مواجه می‌شوند، نمی‌توانند به‌طور کامل مشکلات خود را حل و فصل نمایند. سوم اینکه از آنجا که استفاده از آخرین وام‌دهنده^۱ با استفاده از نظام بهره امکان‌پذیر است، بانک‌های اسلامی در بهره‌مندی از این امکان نیز با محدودیت مواجه هستند (قلیچ، ۱۳۹۵).

بانک‌های اسلامی می‌توانند با برقراری تمهیداتی از میزان آسیب‌های ریسک نقدینگی بکاهند. اول آن که لازم است بانک‌های اسلامی به‌گونه‌ای جریان نقدی و سرر سیدهای وام‌های خود را تنظیم نمایند که همه روزه مازادی به‌عنوان وجوه احتیاطی در اختیار داشته باشند. البته به‌منظور نیل به سود قابل قبول این میزان نباید از حد متعارفی بیشتر باشد. برای این امر نظام بانکداری اسلامی محتاج سیستم اطلاعاتی قوی و به روز شده‌ای می‌باشد که در این مسیر باید از توان و امکانات تمامی نهادهای اطلاعاتی و آماری و سازمان‌های اقتصادی کشور استفاده کافی نماید. دوم این که بایستی بانک‌های اسلامی چه در منطقه و نوع فعالیت‌های اقتصادی و چه از نظر تعداد سپرده‌گذاران تنوع‌گرایی را در دستور کار خود داشته باشند. این بانک‌ها به جای آنکه تنها به تعداد اندکی از سپرده‌گذاران بزرگ اکتفا نمایند، باید منابع خود را از بین تعداد زیادی سپرده‌گذار تجهیز نمایند تا بدین طریق خود را در برابر ریسک نقدینگی مقاوم سازند (قلیچ، ۱۳۹۵).

سوم آن که بانک‌های اسلامی می‌توانند از طرح‌های احتیاطی استفاده نمایند. به‌عنوان نمونه، نظام تکافل و یا بیمه که از لحاظ اسلامی مورد تأیید است، می‌تواند جهت مقاوم‌سازی سپرده‌ها در مواجهه با

^۱ Lender of Last Resort

هجوم سپرده‌گذاران مورد استفاده قرار گیرد. همچنین بیمه سپرده‌ها در مقابل خطرات کلاهبرداری، سوء مدیریت و انحراف از مفاد عقود قابلیت پوشش توسط بیمه را دارا هستند (قلیچ، ۱۳۹۵).
دسته دیگر از ریسک‌هایی که در نظام بانکی وجود دارد ریسک‌های عملیاتی است. این ریسک‌ها یا به‌عنوان عملیاتی نام‌گذاری می‌شوند و یا مانند تعاریف کمیته بال در نظارت بر بانکداری، زیرمجموعه «دیگر ریسک‌ها» جای می‌گیرد (بال، ۲۰۰۱).

این دسته از ریسک‌ها عمدتاً از خطا و اشتباهات سهوی، کلاهبرداری، تقلب، سوء استفاده از اطلاعات محرمانه، ضعف فناوری‌های به‌کار رفته در سیستم و حوادث غیرمترقبه چون زلزله، سیل، آتش سوزی و ... ناشی می‌شود. همچنین بانک‌های اسلامی با ریسک‌های فقهی نیز مواجه‌اند که می‌توان آنان را در زیر عنوان ریسک‌های عملیاتی دسته‌بندی نمود. گاهی ناظران شرعی بانک‌های اسلامی از مفاهیم فنی و تخصصی مدیریت ریسک و امور مهندسی مالی بی‌اطلاع هستند و در مقابل نیز گاهی مدیران و کارشناسان مالی و اقتصادی بانک‌ها از موازین و مباحث فقهی اطلاعاتی ندارند و حتی گاهی نسبت به آن بی‌میل می‌باشند. نتیجه این امر محرومیت خود ساخته نظام بانکداری اسلامی از موهبت مدیریت ریسک‌ها می‌باشد.

بنابراین توصیه می‌شود بانک‌های اسلامی با برقراری یک کمیته تخصصی که هم‌زمان با هم در هر دو زمینه مباحث فقهی و نیز مباحث مدیریتی و مالی متبحر باشند، فرصت استفاده از سازوکارهای مدیریت ریسک‌های بانکی را برای بانکداری اسلامی به وجود آورند. همچنین استفاده از نظام کنترل داخلی، استفاده از حسابرسان زبده داخلی و خارجی، برقراری سازوکارهای الزام آور برای اصلاح نقاط ضعف، توسعه فرهنگ اخلاق‌مداری و ... می‌تواند بانک‌های اسلامی را در تحت کنترل و هدایت قرار دادن این دسته از ریسک‌ها یاری برساند.

ج) شفافیت

بانک جهانی در خصوص نقش حاکمیت شرکتی فعالیت‌های گسترده‌ای انجام داده است. در کنار تعهد به حاکمیت شرکتی، نقش آفرینی و عملکرد هیئت‌مدیره، محیط کنترلی مدیریت، روابط سهامداران و سایر ذی‌نفعان، موضوع افشاء و شفافیت از جمله موارد مهم مورد اشاره ای بانک است (اگگ^۱، ۲۰۱۳).
شفافیت از نظر کمیته بال عنصر کلیدی یک نظام بانکداری صحیح و سالم و نظارت شده می‌باشد. بنابر تعریف این کمیته ارائه اطلاعات بایستی دقیق، زماندار و منطبق با تعاریف باشد.
این کمیته برای ارائه چنین اطلاعاتی، شفافیت در برخی محورها را لازم بر می‌شمارد که از جمله آن می‌توان به چند نمونه ذیل اشاره داشت (بال، ۲۰۱۵).

¹ Agag

- ۱- عملکرد مالی (مانند درآمدها و مخارج بانک، کیفیت درآمدها، امکانات بالقوه...).
 - ۲- موقعیت مالی (مانند میزان سرمایه بانک، توانایی بانک در پرداخت دیون، حجم نقدینگی و...).
 - ۳- راهبردهای مدیریت و کنترل ریسک (مانند به‌کارگیری ابزارهای کاهش دهنده ریسک مثل وثیقه‌ها، توافقات تسویه، محافظت بر حدود اعتبارات، استفاده از ابزارها و مشتقات مالی و ...).
 - ۴- منابع در معرض ریسک (مانند ریسک‌های بازار، ریسک‌های اعتباری، ریسک‌های نرخ بهره، ریسک‌های نقدینگی، ریسک‌های نرخ ارز، ریسک‌های قانونی و عملیاتی و ...).
 - ۵- سیاست‌های حسابداری (مانند تشریح اصول و نحوه فعالیت‌های حسابداری، قواعد تثبیت، سیاست‌های تشخیص میزان زیان وارده به سرمایه‌ها و درآمدها، تدابیر احتمالی برای پیشامدهای ضرر و ام، ارزش‌گذاری و ارزیابی بدهی‌ها و دارایی‌ها، نحوه اوراق بهادارسازی دارایی‌ها، معاملات ارزی، مالیات بر درآمد، مشتقات مالی و ...).
 - ۶- مدیریت کسب و کار و حاکمیت شرکتی (همانند ساختار و اسلوب سازمانی بانک، تعداد، جایگاه، تخصص و سنوات اعضای هیئت مدیره و مدیریت ارشد بانک، ساختار نظام انگیزشی چون پاداشها و...).
- در نظام اسلامی پنهان‌کاری به قصد فریب طرف مقابل و یا پوشاندن نقص‌هایی که موجب وارد شدن زیان به شرکا شده است به هیچ عنوان پذیرفته نیست. از این رو ایجاد شفافیت در موارد فوق را می‌توان برای نظام بانکداری اسلامی توصیه شده دانست. لازم بذکر است که در نظام بانکداری اسلامی علاوه بر موارد فوق اطلاعات لازم در خصوص قراردادهای مشارکتی نیز باید برای طرفین افشاء و علنی گردد و این شفافیت از اصول صحت قراردادهای اسلامی هم‌چون مشارکت است. در این زمینه استانداردهای مالی اسلامی فراتر از استانداردهای کمیته بال است. برای مثال در بخش چهارم از اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه هیئت خدمات مالی اسلامی، در خصوص شفاف‌سازی گزارش مالی مربوط به دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، اصل چهارم مقرر می‌دارد که مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید از افشای کافی و به موقع اطلاعات مربوط به سپرده‌گذاری به ذی‌نفعان اطمینان حاصل کند.
- با توجه به مطالب بالا اجرای قوانین و مقررات بانکداری اسلامی منجر به ارتقاء نظارت، شفافیت و مدیریت ریسک در سیستم بانکی می‌شود و شرایط را برای استقرار مناسب حاکمیت شرکتی در این سیستم فراهم می‌کند.

۲-۳-۱۰. حاکمیت شرکتی در ایران

موضوع حاکمیت شرکتی نخستین بار در کنفرانس ملی «بازار سرمایه، موتور محرک توسعه اقتصادی ایران» که توسط دانشگاه علامه طباطبایی در ۷ و ۸ آذرماه ۱۳۸۳ در مرکز همایش‌های رازی برگزار شد،

مطرح گردید. در پی آن در اواخر سال ۱۳۸۳ مرکز تحقیقات و توسعه بازار سرمایه سازمان بورس و اوراق بهادار دست به انتشار و ویرایش اول آیین نامه حاکمیت شرکتی زد که در پایگاه اطلاع رسانی بورس اوراق بهادار در دسترس است. این آیین نامه در ۲۲ ماده و دو تبصره تنظیم شده و شامل تعریف‌ها، وظایف هیأت مدیره، سهامداران، افشای اطلاعات، پاسخگویی و حسابرسی است. این آیین نامه با توجه به ساختار مالکیت و وضعیت بازار سرمایه و با نگرش به قانون تجارت حاضر تنظیم شده و با سیستم درون سازمانی (رابطه‌ای) حاکمیت شرکتی سازگار است (حساس یگانه، ۱۳۸۵).

در سال‌های اخیر در بانک مرکزی کشور نیز مطالعات بسیاری در خصوص حاکمیت شرکتی صورت پذیرفته است که در برخی از موارد بخش‌هایی از اصول حاکمیت شرکتی به نظام بانکی کشور به صورت بخش نامه و دستورالعمل ابلاغ شده که می‌توان از ابلاغ مجموعه رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری در سال ۱۳۸۶ نام برد که در آن برای ایجاد دو رکن حسابرسی و مدیریت ریسک تأکید شده است. همچنین در سال ۱۳۸۷ گزارش راه کارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران منتشر گردیده است. در سال ۱۳۹۵ پیش نویس دستورالعمل حداقل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی توسط بانک مرکزی تهیه شده که این پیش نویس در راستای پاسخگویی به یکی از مهمترین چالش‌های نظام بانکی در ایران یعنی چالش‌ها و خلاءهای قانونی در خصوص استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌هاست (فرزین وش و همکاران، ۱۳۹۶).

یکی از چالش‌های اساسی در زمینه استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران، ضعف جدی در افشای اطلاعات است. از جمله موارد ضعف شفافیت، نبود آمار و ارقام روشن و مستند در خصوص حدود و کیفیت مالکیت و وضعیت سهامداری مستقیم و غیرمستقیم بانک‌های غیردولتی است. البته لازم به ذکر است که چالش اصلی در افشای حداقلی ترکیب سهامداری بانک‌ها و رعایت حدود (سقف ۵ درصد برای شخص حقیقی و ۱۰ درصد برای شخص حقوقی) نبوده و مسئله اصلی در نبود شفافیت لازم در تملک‌های غیرمستقیم، تملک از طریق شرکت‌های وابسته یا تابعه و همچنین سایر روابط مالکیتی، مدیریتی و ... بین سهامداران بانک‌ها است که موجب ایجاد ساختار پیچیده و مبهم در بانک‌ها شده است.

در تأیید ادعای مطرح شده در خصوص وضعیت مبهم و غیرشفاف در برخی بانک‌ها به اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی برخی بانک‌ها در ذیل اشاره می‌گردد:

- بر اساس یادداشتهای توضیحی بخش سرمایه در صورت‌های مالی سال ۱۳۹۳ بانک قوامین، یکی از بنیادهای وابسته به نیروهای مسلح ۱۰ درصد سهام این بانک را در اختیار دارد که سقف ۱۰ درصد تملک سهام را رعایت نکرده است، ولی با بررسی سایر سهامداران عمده (همانند شرکت انبوه سازان سبزاندیشان، شرکت گردشگری شایان شار کیش و ...) مشخص می‌شود که بخش قابل توجهی از سهامداران عمده این بانک زیرمجموعه این بنیاد هستند و به نوعی این بنیاد مالک واحد محسوب

می شود و این مسئله از نظر کنترل ریسکها، ارتباط مالی و اعطای تسهیلات به اشخاص وابسته و شفافیت در تصمیمات هیئت مدیره نیازمند ارزیابی از منظر اصول حاکمیت شرکتی است.

- بانک سینا نیز ۶۳/۵ درصد سهام آن متعلق به یکی از بنیادهای عمومی غیردولتی است که به همراه ۳ مؤسسه دیگر ۹۳ درصد سهام بانک سینا را در اختیار دارند.

- در خصوص بانک شهر نیز از نظر ترکیب سهامداری، ۸ شهرداری (تهران، مشهد، کرج، تبریز، اصفهان، شیراز، قم و قزوین) در حدود ۷۰ درصد سهام این بانک را در اختیار دارند.

- و ...

عدم شفافیت در ترکیب سهامداری و مالکیت بانکها مضاف بر عدم شفافیت در حجم و وضعیت شرکت‌های تابعه و وابسته بانکها روی هم رفته وضعیتی را به وجود آورده است که اصول متعددی از حاکمیت شرکتی همچون افشا و مدیریت ریسک شرکت‌های تابعه و وابسته بانکها، کنترل اعطای تسهیلات به شرکت‌های زیرمجموعه، شفافیت و کنترل روابط هیئت مدیره بانک با هیئت مدیره شرکت‌های تابعه، کنترل سهام‌داران عمده و ... نقض شود.^۱

بنابراین می‌توان بیان نمود علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد حاکمیت شرکتی در اصلاح نظام بانکی کشور و رفع مشکلات زیرساختی در بانکها و همچنین توجه به این مقوله در نظام بانکداری دنیا، مقوله حاکمیت شرکتی با اهدافی همچون اصلاح قواعد درون سازمانی بانکها، توجه به حقوق ذی‌نفعان، عدالت در حقوق ذی‌نفعان، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، افشا و شفافیت جایگاه لازم و مناسبی را در بین قوانین، مقررات کشور ندارد و همچنین نگاهی به وضعیت نظام بانکی و عملکردهای بانک‌های کشور حاکی از آن است که قواعد، سازوکارها و اصول حاکمیت شرکتی در جهت اهداف ذکر شده، رضایت بخش و مطلوب نیست.

۲-۴- مفهوم عملکرد بانک

مفهوم عملکرد، با کارایی^۲ و اثربخشی^۳ تعریف شده است، چون اثربخشی بیانگر میزان دستیابی به اهداف است و کارایی به این موضوع اشاره دارد که منابع از نظر اقتصادی، چگونه برای کسب هدف بکار رفته‌اند. از این‌رو، عملکرد تابعی از کارایی و اثربخشی فعالیت‌های صورت گرفته است (کراس و لینچ، ۱۹۹۱).^۴

^۱ به مقاله چالش‌ها و آسیب‌های کلان ضعف حاکمیت شرکتی در مدیریت بانک‌های ایران نوشته موسی شهبازی غیائی و هادی ترابی‌فر (۱۳۹۵) مراجعه شود.

^۲ Efficiency

^۳ Effectiveness

^۴ Cross & Lynch

۲-۴-۱. شاخص های ارزیابی عملکرد بانک

رشد و توسعه اقتصادی هر کشور مستلزم انتقال مناسب منابع مالی مازاد پس اندازکنندگان به سرمایه‌گذاران است. وجود یک بازار مالی کارآمد و گسترده که در آن منابع مالی به بهترین موقعیت‌های سرمایه‌گذاری سوق داده شود، بسیار حیاتی است. از طرفی بیشترین حجم مبادلات کشورمان از طریق سیستم بانکی تحقق می‌یابد و کارکرد مطلوب نظام بانکداری کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود فعالیت‌های اقتصادی خواهد داشت (مؤتمنی و همکاران، ۱۳۸۹).

هر چند که از بیشتر شاخص‌های متعدد سنتی ارزیابی عملکرد یک بنگاه اقتصادی می‌توان برای ارزیابی عملکرد یک بانک نیز استفاده کرد اما تجربه کارشناسان این صنعت نشان داده است که باید معیارهای خاص پولی و مالی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها با روش‌های نوین مورد استفاده قرار گیرد. یکی از نهادهایی که سالانه عملکرد نظام بانکی کشور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد موسسه عالی آموزش بانکداری ایران است. این موسسه که یکی از نهادهای زیر مجموعه بانک مرکزی است سالانه به مناسبت برگزاری همایش بانکداری اسلامی ویژه نامه‌ای را درباره عملکرد نظام بانکی کشور منتشر می‌کند. بیشتر معیارهای ارزیابی عملکرد این مؤسسه کمی است، ضمناً به معیارهای مالی نیز توجه ویژه‌ای دارد. این مؤسسه بانک‌ها را بر اساس بدهی‌ها، دارایی‌ها، تعداد شعب بانک، فعالیت‌های ارزی و بین‌المللی، ترکیب نیروی انسانی، سود و زیان، تسهیلات اعطایی، مطالبات معوق، و میزان بهره‌مندی از فناوری بانکداری الکترونیک مورد ارزیابی قرار می‌دهد (امیدی نژاد، ۱۳۸۷).

ارزیابی عملکرد بانک‌ها از طریق بررسی عملکرد مالی و غیر مالی آنها نیز انجام می‌شود. در ارزیابی عملکرد مالی نسبت سوخت مطالبات، نسبت کفایت سرمایه، سهم جذب منابع، ROA^۱ و سودآوری بانک‌ها و در ارزیابی غیر مالی کیفیت خدمات (موارد ملموس، قابلیت اعتماد، قابلیت پاسخگویی، اطمینان و همدلی)، بانکداری الکترونیک (اینترنت بانک، تلفن بانک، ATM) و قیمت‌گذاری (نرخ کارمزد، نرخ تسهیلات، نرخ سود سپرده) مورد بررسی قرار می‌گیرد (مؤتمنی و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به آن‌که در تمامی مبانی نظری حاکمیت شرکتی که در فصل حاضر بیان شد بر اهمیت حمایت از حقوق ذی‌نفعان از جمله سهام‌داران تأکید شده است. در تحقیق حاضر ROE، نرخ بازدهی حقوق صاحبان سهام به‌عنوان متغیر وابسته مدل در نظر گرفته شده است.

¹Return on Assets

۲-۵- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:

۲-۵-۱. مطالعات داخلی:

فرزین وش و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد بانکی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های سودآوری نظام بانکی و مقایسه تطبیقی بین کشورهای در حال توسعه (D8) و توسعه یافته (G7) در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ و با حجم نمونه ۱۵ بانک منتخب به روش داده‌های تابلویی پرداخته‌اند و برای آزمون اعتبار داده‌های تابلویی از آزمون F و برای انتخاب اثرات ثابت و متغیر از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل بیانگر اثرات معنادار متغیرهای حاکمیت شرکتی روی سودآوری بانک‌های منتخب می‌باشد که سطح معناداری این متغیرها بین کشورهای در حال توسعه (D8) و توسعه یافته (G7) متفاوت می‌باشد.

شهبازی غیاثی و ترابی‌فر (۱۳۹۵) در گزارشی به تقاضای مجلس شورای اسلامی (دوره نهم) به آسیب شناسی نظام بانکی چالش‌ها و آسیب‌های کلان ضعف حاکمیت شرکتی در مدیریت بانک‌های ایران پرداخته‌اند. نتایج این گزارش نشان می‌دهد که علیرغم اهمیت بسیار زیاد حاکمیت شرکتی در اصلاح نظام بانکی کشور و رفع مشکلات زیرساختی در بانک‌ها و همچنین توجه به این مقوله در نظام بانکداری دنیا، مقوله حاکمیت شرکتی با اهدافی همچون اصلاح قواعد درون سازمانی بانک‌ها، توجه به حقوق ذینفعان، عدالت در حقوق ذینفعان، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، افشا و شفافیت جایگاه لازم و مناسبی را در بین قوانین، مقررات و رویه‌های سازمانی و اداری کشور ندارد.

قلیچ (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی که به روش توصیفی انجام شده نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی ظرفیت بالایی در اجرای اصول حاکمیت شرکتی دارد. این نظام با دارا بودن محرک‌هایی همچون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص در بانکداری، الزام افراد به رعایت اخلاق فردی و شرایط اخلاق مدارانه محیط اجتماعی - سیاسی جامعه اسلامی می‌تواند بستر ساز مناسبی برای تحقق حاکمیت شرکتی در نظام بانکی باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود که با کمک عوامل محرک تأمین حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی جهت استفاده مفید از ابزارهای نظام در پیاده‌سازی این نوع حاکمیت همچون نظارت، مدیریت ریسک و اعمال شفافیت برنامه ریزی دقیق و هدفمندی صورت گیرد. این برنامه‌ریزی می‌تواند نقش‌ها و مسئولیت‌هایی خاص را برای بازیگران این حاکمیت از جمله هیئت مدیره، مدیریت ارشد، سهامداران و سپرده‌گذاران به وجود آورده تا تحقق هر چه بهتر امر حاکمیت شرکتی در بدنه نظام بانکی به وقوع بپیوندد.

سیف (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات که به روش توصیفی انجام شده است نشان می‌دهد استقرار مناسب سازوکارهای حاکمیت شرکتی موجب جذب و تخصیص بهینه منابع، افزایش کارایی عملیاتی، استیفای حقوق ذی نفعان مختلف و رشد سرمایه‌گذاری پایدار از طریق جلب اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود همچنین، برخی مطالعات تجربی حکایت از رابطه مثبت نظام حاکمیت شرکتی و بازده شرکت‌ها دارد.

فردوسی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان پیشگفتاری بر ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با تأکید بر آسیب‌شناسی نظام بانکداری بدون ربای ایران که به روش توصیفی انجام شده است نشان می‌دهد که اثربخشی بهینه سیاست‌های تسهیل پولی و نیز سیاست‌های ارتقای توان تسهیلات‌دهی نظام بانکی که با هدف خروج غیر تومی از رکود و تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی طراحی گردیده است، منوط به استقرار نظام حاکمیت شرکتی بانکی به‌عنوان پیش شرط می‌باشد.

تقوی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها) به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بانک‌ها به‌عنوان معیار سنجش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های ثبات بانکی برخی از کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. ساختار مالکیت بانک‌ها به‌عنوان متغیر مستقل از جنبه مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی و مالکیت خارجی بررسی شده است. نمونه مورد بررسی ۴۰ کشور منتخب از کشورهای در حال توسعه در دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۰ می‌باشد. برای آزمون فرضیه از روش اثرات تصادفی داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی بیانگر آن است که مالکیت دولتی بانک‌ها اثر بزرگتری بر افزایش مطالبات معوق نسبت به مالکیت خصوصی و خارجی دارد. اما مالکیت خارجی نسبت به سایر انواع مالکیت‌ها از نظر نسبت‌های سودآوری بانک بهتر عمل می‌نماید.

مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی، رابطه برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند و از روش رگرسیون داده‌های تابلویی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده کرده‌اند. در این مطالعه با انتخاب ۹۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۵ مشخص می‌شود که متغیرهای انتخاب شده سازوکارهای حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکان، نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره، مسئولیت دوگانه مدیر عامل و اندازه حسابرس) به جزء مسئولیت دوگانه مدیر عامل در هیأت مدیره رابطه

مثبت و معناداری با افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارند و سطح افشاء در شرکت‌های انتخاب شده در سطح پایین است.

روشندل (۱۳۸۶) در تحقیقی راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران را به روش توصیفی مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد اجرای حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی به نحو مطلوب باعث افزایش کارایی، کاهش ریسک مالی و افزایش ثبات آنها می‌شود. در صورت اجرای دقیق حاکمیت شرکتی، تامین مالی بانک‌ها از منابع داخلی و خارجی تسهیل می‌گردد، به طوری که وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران میل و رغبت زیادی جهت تامین مالی بانک‌ها پیدا می‌کنند. اجرای حاکمیت شرکتی منافع بی‌شماری علاوه بر موارد یاد شده برای بانک‌ها به ارمغان می‌آورد، به طوری که نرخ هزینه سرمایه آنها از طریق کاهش ریسک مربوط به سهامداران و سپرده‌گذاران کاهش می‌یابد، عملکرد عملیاتی آنها بهبود یافته و باعث افزایش شدت مقاومت بانک‌ها در برابر شوک‌های اقتصادی خواهد شد. اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب در شبکه بانکی می‌تواند مسیر اجرای حاکمیت شرکتی را در سایر بخش‌های اقتصاد هموار سازد. یک برنامه حاکمیت شرکتی موثر یک نوع ابزار قوی ضد فساد و رشوه‌گیری است. شفاف‌سازی و افشاء مالی به موقع تاثیر به‌سزایی بر رشد شبکه بانکی دارد و بر توانایی آنها جهت رقابت با بانک‌های بین‌المللی می‌افزاید.

۲-۵-۲. مطالعات خارجی:

شورای عمومی بانک‌های اسلامی و موسسات مالی با همکاری بانک جهانی (CIBAFI) ^۱ در سال ۲۰۱۷ گزارشی تحت عنوان اقدامات حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی تهیه کرده است. در این گزارش پس از بررسی ادبیات مربوط به حاکمیت شرکتی به‌طور کلی و در بانک‌های اسلامی به‌طور خاص، شش اصل مهم در حاکمیت شرکتی (هیئت مدیره، کمیته‌های هیئت مدیره، کنترل داخلی و حسابرسی خارجی، مدیریت ریسک، حاکمیت شریعت، شفافیت و افشاء) را در بانک‌های اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند. و هر یک از این ۶ اصل در ۶ آیت مورد بررسی قرار گرفته است، به‌عنوان مثال عناوین مورد بررسی برای هیئت مدیره شامل مواردی مانند «صلاحیت و تجربه مدیران»، «تعداد / نسبت مدیران مستقل» و «تعداد جلسات هیئت مدیره در سال» است. بر اساس این مضامین و موارد، که از طریق ۷۷ بانک اسلامی در سراسر جهان جمع‌آوری شده یک شاخص حاکمیت شرکتی (CGI) ^۲ برای بانک‌های اسلامی بدست آمده است که نشان می‌دهد میانگین

¹ General Council for Islamic Banks and Financial Institutions

² Corporate Governance Index

نمره شاخص حاکمیت شرکتی برای ۷۷ بانک ۶۰,۶ درصد بوده است. از شش موضوع، بالاترین نمره متعلق به شفافیت و افشاگری در ۷۴,۵ درصد، و پس از آن کنترل داخلی و حسابرسی خارجی بوده است. کمترین نمره در مدیریت ریسک (۴۸,۰ درصد) و دومین کمترین میزان در حکومت شرعی (۵۰,۲ درصد) بوده است.

بن زینب و منسی^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان حاکمیت شرکتی، ریسک و کارایی (براساس شواهدی از بانک‌های اسلامی شورای خلیج فارس (GCC)^۲) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر ریسک پرداخته‌اند. در این تحقیق اندازه هیئت مدیره نظارتی شریعت، دو گانگی وظایف مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره و ساختار مالکیتی به‌عنوان متغیرهای حاکمیت شرکتی به کار گرفته شده‌اند. برای اندازه‌گیری کارایی و ریسک به ترتیب از تجزیه و تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)^۳، تجزیه و تحلیل مرزی تصادفی (SFA)^۴ و نرمال‌سازی و تشخیص داده‌های پرت به روش Z-Score استفاده شده است. در این تحقیق رابطه ریسک و کارایی نیز بررسی شده است. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتبط (SUR)^۵ بر نمونه‌ای از ۵۶ بانک شورای خلیج فارس طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۴ استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد پیاده‌سازی دقیق ساختارهای حاکمیت شرکتی با سطوح کارایی بالاتر مرتبط است. به‌طور خاص در این تحقیق نشان داده شده است ساختار بانک‌های اسلامی به آنها اجازه می‌دهد که از ریسک‌های بالاتر برای دستیابی به سطوح بالاتر کارایی استفاده کنند. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد بین کارایی بانک و ریسک رابطه مثبت وجود دارد.

سلطانی و نعمتی^۶ (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی ریسک و حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی به روش توصیفی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ریسک یک مسئله اجتناب‌ناپذیر در سیستم بانکی است. مسائلی وجود دارد که خطر عملیات بانکی را افزایش می‌دهد، از جمله تغییرات در بازار، تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و اثربخشی قوانین و غیره. به همین دلیل، محققان نیاز به مدیریت پیشگرایانه خطرات بانکی دارند. بانکداری اسلامی به دلایل از قبیل ممنوعیت بهره، نیاز به انطباق با شرع و پیچیدگی ابزارهای مالی اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف، دارای ریسک بیشتری است. با توجه به جهانی شدن بازارهای مالی و رقابت بین بانک‌ها، بانک‌های اسلامی

¹ Ben Zeineb & Mensi

² Gulf Cooperation Council

³ Data Envelopment Analysis

⁴ Stochastic Frontier Analysis

⁵ Seemingly Unrelated Regressions

⁶ Soltani & Nemati

باید از روش‌های کارآمدتری برای مدیریت ریسک استفاده کنند. یکی دیگر از پارامترهای بانکی مهم حاکمیت شرکتی است. بانکداری اسلامی پتانسیل بالایی در اجرای اصول حاکمیت شرکتی دارد. این سیستم از طریق محرک‌هایی مانند رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص بانکداری و الزام افراد به رعایت اخلاق فردی می‌تواند شرایط مناسب برای تحقق حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی را فراهم آورد و از ابزارهای این شیوه‌ی حاکمیت نظیر مدیریت ریسک، نظارت و شفافیت استفاده نماید.

اسمیتا و اسمیتا^۱ (۲۰۱۶) تأثیر اجرای خوب حاکمیت شرکتی بر کیفیت تأمین مالی، کارایی و سودآوری بانک سیریا در اندونزی (تورم به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده) را مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف از این تحقیق ارائه گزارشی از شاخص حاکمیت شرکتی و کارایی بانک‌های بی‌آرای سیاره^۲، بی‌ان‌آی سیاره^۳ و ماندری سیاره^۴ اندونزی است. در این تحقیق به‌منظور تجزیه و تحلیل تأثیر متغیرهای وابسته بر متغیر مستقل از رگرسیون چندگانه و برای برآورد مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رابطه معناداری بین حاکمیت شرکتی خوب در بانکداری اسلامی و کیفیت تأمین مالی و سطح سودآوری وجود دارد. ۲۸,۳٪ از کیفیت تأمین مالی و ۵,۲٪ از سود بانک سیریا تحت تأثیر اجرای خوب حاکمیت شرکتی (GCG) قرار داشته است. با این حال اجرای خوب حاکمیت شرکتی روی کارایی این بانک بی‌تأثیر بوده است.

کاسوما و آیومردانی^۵ (۲۰۱۶) به تحقیقی با عنوان کارایی حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک‌های اسلامی (با شواهدی از اندونزی) پرداخته‌اند. هدف از این مطالعه، بررسی تأثیر کارایی حاکمیت شرکتی از طریق متغیرهای اندازه هیئت مدیره و اندازه هیئت نظارت بر شریعت بر عملکرد بانک‌های اسلامی اندونزی است. مطالعه ساختار اداری در بخش بانکی جزء مهمی در افزایش بهره‌وری و عملکرد بانک‌ها است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۱ بانک اسلامی به‌عنوان نمونه برای دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ انتخاب شده‌اند. داده‌ها از صورتهای مالی و گزارش‌های سالانه بانک‌های اسلامی بوده است. برای اندازه‌گیری کارایی حاکمیت شرکتی از تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)^۷ و برای

¹ Asmita & Asmita

² BRI Syariah

³ BNI Syariah

⁴ Bank Mandiri

⁵ Good corporate governance

⁶ Kusuma & Ayumardani

⁷ Data Envelopment Analysis

تجزیه و تحلیل رابطه کارایی و عملکرد بانک، از رگرسیون داده های پانل استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سطح کارایی حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی اندونزی در طول دوره تحقیق به‌طور قابل توجهی بهبود یافته است. علاوه بر این، کارایی حاکمیت شرکتی به‌طور قابل توجهی به بهبود عملکرد بانک‌های اسلامی منجر شده است.

غفار^۱ (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی حاکمیت شرکتی و سودآوری در بانک‌های اسلامی پاکستان پرداخته است. این مطالعه به‌منظور بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌های اسلامی انجام شده است. اگر چه تحقیقات زیادی در مورد حاکمیت شرکتی انجام شده اما مقدار کمی از آن به بانکداری اسلامی پاکستان مربوط است. هدف اصلی این مطالعه شناسایی تأثیر حاکمیت شرکتی بر سودآوری بانک‌های اسلامی پاکستان است. سیاست‌های حاکمیت شرکتی یا عناصر آزمایش شده در اینجا شامل اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره می‌باشد. نسبت‌های سودآوری مورد استفاده بازده دارایی‌ها (ROA)^۲ و بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)^۳ است. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که همه متغیرهای حاکمیت شرکتی مورد استفاده در پژوهش با سودآوری بانک‌ها ارتباط معنادار و مثبتی دارند، همچنین سودآوری بانک‌های اسلامی پاکستان با اتخاذ شیوه‌های مناسب حاکمیت شرکتی افزایش می‌یابد.

المناسیر و همکاران^۴ (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های اردن پرداخته‌اند. در این تحقیق متغیرهای اندازه هیئت مدیره، ترکیب هیئت مدیره، جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره و مالکیت خارجی به‌عنوان شاخص‌های حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شده و ۱۵ بانک از سال ۲۰۰۹-۲۰۰۷ با استفاده از داده‌های ترکیبی^۵ و روش حداقل مربعات معمولی^۶ (OLS) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد اعضای غیر موظف هیئت مدیره و مالکیت خارجی بر عملکرد سیستم بانکی اردن تأثیر مثبتی داشته درحالی‌که اندازه هیئت مدیره و جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره تأثیر منفی بر آن دارند.

¹ Ghaffar

² Return on Assets

³ Return on Equity

⁴ Al Manaseer , et al

⁵ Poold

⁶ Ordinary Least Squares

تومار و بینو^۱ (۲۰۱۲) به تحقیقی با عنوان حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک (با شواهدی از صنعت بانکداری اردن) پرداخته‌اند. هدف از این تحقیق بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی از طریق متغیرهای ساختار مالکیت، ترکیب و اندازه هیئت‌مدیره بر عملکرد بانک‌های اندونزی است. در این تحقیق ۱۴ بانک فعال در بازار بورس اوراق بهادار برای دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۷، با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، ساختار مالکیت و ترکیب هیئت‌مدیره تأثیر زیادی بر عملکرد بانک دارند، بانک‌های با مالکیت بالاتر سهامداران نهادی عملکرد بهتری دارند و افزایش در صد مالکیت اعضای هیئت‌مدیره منجر به افزایش کارایی بانک می‌شود. اندازه هیئت‌مدیره تأثیری بر عملکرد بانک ندارد.

اگر چه تحقیقات زیادی در مورد حاکمیت شرکتی انجام شده اما تعداد کمی از آن‌ها به بانکداری اسلامی ایران مربوط است. از این جهت پژوهش حاضر سعی در بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی از طریق متغیرهای سهامداران نهادی، اندازه هیأت‌مدیره، استقلال اعضای هیئت‌مدیره، تفکیک رئیس هیئت‌مدیره از مدیرعامل، سهامداران عمده و سهامداران نهادی بر عملکرد مجموعه‌ای از بانک‌های خصوصی ایران دارد که با تحقیقات قبلی متمایز و هم‌چنین با بررسی وضعیت متغیرهای بیان شده سعی در شناسایی چالش‌های موجود در الگوها و ساختارهای مالکیتی بانک‌ها و چالش‌های نهادی و ساختاری موجود در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی ایران دارد تا زمینه‌ای برای تحقیقات آتی به‌منظور حل این مشکلات فراهم سازد که این نیز یک وجه تمایز دیگر است.

۲-۶- خلاصه و جمع بندی

در این فصل به مرور ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش پرداخته شد، در ابتدای فصل تعریفی از بانکداری اسلامی و تاریخچه آن در ایران و جهان ارائه شد و سپس مفهوم حاکمیت شرکتی، مبانی نظری و اصول آن از دیدگاه‌های سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، هیأت خدمات مالی اسلامی و بانک تسویه بین المللی شرح داده شد، پس از آن راهکارهای بهبود حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی (بال) و ابزارهای حاکمیت شرکتی مورد استفاده در بانکداری اسلامی بیان شد. در پایان فصل نیز مطالب مربوط به مفهوم عملکرد، شاخص‌های ارزیابی آن و پیشینه موضوع تحقیق مطرح گردید. در فصل آتی روش پژوهش، جامعه آماری، روش جمع‌آوری اطلاعات، الگوی پژوهش و نحوه‌ی برآورد مدل بررسی خواهد شد.

¹ Tomar & Bino

فصل سوم

روش پژوهش

۳-۱- مقدمه

روش پژوهش لازمه کشف مجهولات و پاسخ به سوالات پژوهش است. روش مناسب منجر به یافته‌های درست و منطقی شده و نتایج معتبری را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر روش‌های مناسب پژوهش و استفاده از ابزارهای لازم برای گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها یکی از عوامل مهم موفقیت پژوهش‌ها است. روش‌های پژوهش متعدد و متفاوتند و براساس هدف، پژوهش‌ها را می‌توان به سه گروه بنیادی، کاربردی و تحقیق و توسعه تقسیم نمود. پژوهش‌ها بر مبنای ماهیت و روش نیز به پنج دسته تاریخی، توصیفی، همبستگی، علی و تجربی تقسیم می‌شوند. این تحقیق از بعد هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت تحقیق توصیفی است و از آن جهت که سعی در تبیین رابطه همبستگی شاخص‌های مختلف حاکمیت شرکتی (ساختار هیئت مدیره و ساختار مالکیت) و عملکرد مالی نظام بانکی بدون ربای ایران را دارد، از نوع تحلیل همبستگی است. در این فصل روش پژوهش، جامعه آماری، روش جمع‌آوری اطلاعات، الگوی پژوهش و نحوه‌ی برآورد آن بررسی خواهد شد.

۳-۲- روش پژوهش

با توجه به این که در پژوهش حاضر از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود، در این قسمت به مزایای به‌کارگیری این روش خواهیم پرداخت.

استفاده از تکنیک اقتصادسنجی با رویکرد داده‌های تابلویی دارای مزایایی می‌باشد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- داده‌های مقطعی یا سری‌زمانی صرف، ناهم‌سانی فردی را لحاظ نمی‌کنند لذا ممکن است که تخمین تورش داری به دست دهند، درحالی‌که در روش داده‌های تابلویی می‌توان با لحاظ کردن متغیرهای مخصوص انفرادی این ناهمسانی را لحاظ کرد.
- داده‌های تابلویی اطلاعات بیشتر، انعطاف‌پذیری بیشتر، هم‌خطی کمتر، درجه‌ی آزادی بیشتر و کارایی بالاتری را ارائه می‌کنند.
- با مطالعه‌ی مشاهدات مقطعی تکراری، داده‌های تابلویی به‌منظور مطالعه‌ی پویای تغییرات، مناسب‌تر و بهترند.
- روش داده‌های تابلویی در تشخیص و اندازه‌گیری اثراتی که به راحتی در مطالعات مقطعی و سری‌زمانی خاص قابل پیش‌بینی نیستند، توانایی بهتری دارد و اجازه می‌دهد تا مدل‌های رفتاری پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر تبیین شوند (بالتاجی^۱، ۲۰۰۵).
- در این روش با در نظر گرفتن تغییرات متغیرها در هر مقطع و در هر زمان به صورت مشترک، از تمامی داده‌های در دسترس استفاده می‌شود و بنابراین خطای مشاهدات کمتر می‌شود (گجراتی، ۱۳۸۹).
- از دیگر مزیت‌های کاربرد داده‌های تابلویی، حل مشکل تورش برآوردهای معادلات مقطعی می‌باشد. تورش معادلات مقطعی به دلیل لحاظ نکردن بسیاری از متغیرهای توضیح دهنده‌ی مدل و خطای اندازه‌گیری متغیرها پدیدار می‌شود. استفاده از این روش به دلیل فراهم آوردن تعداد داده‌های زیاد، افزایش درجه‌ی آزادی و بررسی متغیرها در طول زمان، می‌تواند تورش معادلات را کاهش داده یا از بین ببرد (زراء نژاد و انواری، ۱۳۸۴).

¹Baltagi

۳-۳- جامعه آماری

به طور کلی جامعه آماری به مجموعه افراد، اشیاء و یا به طور کلی پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که پژوهش‌گر می‌تواند نتیجه مطالعه خود را به کلیه آنها تعمیم دهد و با یک یا چند صفت مشترک شناسایی می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۱).

به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات مربوط به متغیرهایی مانند سهام‌داران عمده، سهام‌داران نهادی و تعداد اعضاء غیر موظف هیئت‌مدیره در گزارشات مالی بانک‌های دولتی و برخی بانک‌های خصوصی برای بازه‌ی زمانی مورد مطالعه جامعه آماری پژوهش حاضر به ۱۳ بانک خصوصی اقتصاد نوین، پارسیان، کارآفرین، سامان، پاسارگاد، انصار، سینا، شهر، ایران زمین، ملت، تجارت، رفاه و صادرات برای دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ محدود شده است.

۳-۴- روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای مبانی نظری و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای و استفاده از کتب و مقالات مرتبط انجام گرفته است و برای گردآوری داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیات پژوهش از گزارشات مالی منتشر شده توسط این بانک‌ها و سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) استفاده شده است.

۳-۵- الگوی پژوهش

در این قسمت به منظور معرفی الگوی پژوهش، ابتدا به بررسی برخی از شاخص‌های حاکمیت شرکتی و تأثیر آنها بر عملکرد بنگاه‌ها بالاخص بانک‌ها پرداخته می‌شود.

الف) تفکیک نقش رئیس هیئت‌مدیره از مدیرعامل

از دیدگاه نظری هنگامی که مدیرعامل در جایگاه رئیس هیئت‌مدیره قرار می‌گیرد، تضاد منافع به وجود می‌آید (پترا^۱، ۲۰۰۵). هم‌چنین در چنین حالتی، عملکرد نظارتی هیئت‌مدیره کاهش می‌یابد (اگراوال^۲، ۲۰۰۵). ترکیب نقش ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعامل، مبین عدم جدایی کنترل و نظارت از مدیریت است (فاما و جنسن^۳، ۱۹۸۳). بنابراین عدم تفکیک وظایف هیئت‌مدیره و مدیرعامل می‌تواند منجر به کاهش اثر بخشی نقش نظارتی هیأت‌مدیره شده و زمینه‌ساز تضییع حقوق ذی‌نفعان را در پی داشته باشد.

¹ Petra

² Agrawal

³ Fama & Jensen

کولز و همکاران^۱ (۲۰۰۱) با بررسی ۱۴۴ شرکت نمونه بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴، به این نتیجه دست یافته‌اند که شرکت‌هایی که در آن مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره فرد واحدی نیست، عملکرد بهتری دارند. تیلور و واتر^۲ (۲۰۰۴) با بررسی ۳۱۳ مورد از عرضه اولیه سهام شرکت‌های استرالیایی بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۳، به این نتیجه رسیده‌اند که جداسازی رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل با عملکرد عملیاتی بالاتر در ارتباط است. براساس تحقیقات انجام شده توسط فرزین وش و همکاران (۱۳۹۶) نیز تفکیک وظایف مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره موجب استقلال بیشتر هیئت‌مدیره و در نتیجه کاهش مشکلات نمایندگی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود و همچنین تئوری نمایندگی به صورت شفاف مدیریت را از مالکیت جدا می‌سازد و منجر به افزایش شفافیت به‌عنوان یکی از ارکان مهم حاکمیت شرکتی در بانک‌ها شده و عملکرد بانک‌ها را ارتقاء می‌بخشد.

ب) استقلال اعضای هیئت‌مدیره (تعداد اعضای غیر موظف)

مدیران غیرموظف هیئت‌مدیره نسبت به سایر اعضای هیأت مزبور انگیزه قوی‌تری برای نظارت بر کار مدیران اجرایی و فرآیند گزارشگری مالی دارند و نظارت بهتر بر کار مدیران اجرایی به حفظ و ارتقای شهرت کاری اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره کمک می‌کند. شواهد تجربی محققان هم‌راستا با پیش‌بینی‌های نظری (برای مثال تئوری نمایندگی) از کاهش معنی‌دار هزینه‌های نمایندگی به واسطه افزایش حضور مدیران غیرموظف در هیأت‌مدیره حمایت می‌کنند. هنگامی که مدیران غیرموظف بیشتری عضو هیأت‌مدیره هستند، سرمایه‌گذاران و سهام‌داران اطلاعات مندرج در گزارش‌های مالی را قابل اتکاتر و احتمال دست‌کاری در سود یا تحریف آن از طریق دست‌کاری فعالیت‌های واقعی را کمتر می‌دانند. استقلال هیئت‌مدیره، اعضای غیراجرایی و یا غیرموظف، می‌توانند فشار اعضای داخلی را کم کرده و بنابراین به‌طور مثبتی بر معیارهای عملکرد شرکت اثر بگذارند. حضور اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره، قدرت هیئت‌مدیره را به‌عنوان مکانیزم کنترل افزایش می‌دهد. نهایتاً این که مدیران غیرموظف، با احتمال کمتری با مدیریت در سلب مالکیت سهام‌داران تبانی می‌کنند. آنها داورانی هستند که مدیریت ارشد را بازنگری می‌کنند و در صورت لزوم افراد مؤثرتری را جانشین مدیریت می‌کنند (مارنت^۳، ۲۰۰۸).

¹ Coles & et al

² Taylor & Water

³ Marent

ت) سهام‌داران عمده

معیار وجود سهام‌داران بزرگ در یک شرکت را تمرکز مالکیت می‌گویند. عموماً بیان می‌شود که بین تمرکز مالکیت و سودآوری شرکت‌ها، یک رابطه U شکل معکوس وجود دارد. به عبارتی وقتی تمرکز مالکیت از یک سطح خیلی پایین، شروع به افزایش می‌کند، به علت بالا رفتن نظارت از طرف سهام‌داران عمده که به افزایش شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری منجر می‌شود، هزینه‌های نمایندگی کاهش یافته و در نتیجه سودآوری شرکت افزایش می‌یابد. اما زمانی که تمرکز مالکیت تا حدود معینی افزایش یافت، هزینه‌های ناشی از آن از منافع حاصله پیشی گرفته و سودآوری کاهش می‌یابد (فرزین وش و همکاران، ۱۳۹۶). رامسی و بلیر^۱ (۱۹۹۳) نشان داده‌اند که تمرکز مالکیت زیاد انگیزه‌های کافی را برای سهام‌داران بزرگ جهت نظارت مدیران فراهم می‌کند. دمستز و لهن^۲ و (۱۹۸۵) بطور آزمایشی از این نظریه به کمک یافته‌ها، حمایت و پشتیبانی کرده‌اند که صاحبان بزرگ سهام، پاداش‌هایی برای پایین آوردن قیمت هزینه‌های ثابت اطلاعات جمع‌آوری شده دارند و نظارت مدیریتی را ضمانت می‌کنند.

ث) سهام‌داران نهادی

از دیدگاه نظری سهام‌داران نهادی جایگاه ویژه‌ای در حاکمیت شرکتی دارند، زیرا آنها هم می‌توانند بر مدیران شرکت نظارت داشته و منجر به افزایش شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شوند و هم منافع مدیران و سهام‌داران را هم سو کنند. اما از طرفی دیگر این تمرکز می‌تواند به دلیل دسترسی به اطلاعات محرمانه سبب پیدایش اطلاعات نامتقارن بین آنان و سهام‌داران خرد گردد. هم‌چنین سهام‌داران نهادی کوتاه‌مدت برخلاف سهام‌داران نهادی بلندمدت آشکارا و بی‌پرده به افزایش سود کوتاه مدت علاقه‌مند هستند. بنابراین به شرکت فشار می‌آورند که بیشتر بر سودهای کوتاه مدت تأکید نماید تا بر سودهای بلند مدت و این امر می‌تواند بر حیات بلند مدت و آینده سرمایه‌گذاران زیان‌آور باشد (فرزین وش و همکاران، ۱۳۹۶). بوش^۳ (۱۹۹۸) معتقد است احتمال انجام مدیریت سود در شرکت‌هایی که مالکیت به‌طور عمده متعلق به سرمایه‌گذاران نهادی است، در مقایسه با دیگر شرکت‌ها، بیشتر است. زیرا، رفتار سرمایه‌گذاران نهادی متغیر و موقتی است و هدف‌شان حفظ و نگهداری سهام برای یک دوره کوتاه‌مدت است. شلیفر و ویشنی^۴ (۱۹۸۶) بیان کرده‌اند که وجود سرمایه‌گذاران نهادی بزرگ، به دلیل افزایش نظارت مؤثر، اثر مثبت بر ارزش شرکت خواهد داشت. حساس یگانه و دیگران (۱۳۸۷) رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و ارزش شرکت را بررسی نموده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه‌گذاران

¹ Ramsay & Blair

² Demsetz & Lehn

³ Bushee

⁴ Shleifer & Vishny

نهادی بر ارزش شرکت تأثیر مثبت دارند و این مؤید آن است که سرمایه‌گذاران نهادی، محرک‌هایی برای بهبود عملکرد دارند و توان تنبیه مدیرانی که در جهت منافع‌شان حرکت نمی‌کنند را نیز دارا می‌باشند.

ج) اندازه هیئت‌مدیره

زمانی که تعداد هیأت‌مدیره بیش از اندازه باشد، کنترل و نظارت بر مدیرعامل به صورت کارا صورت نمی‌پذیرد (لیپتن و لورچ^۱، ۱۹۹۲). ضمن آن که طرح‌ریزی، هماهنگی تیمی، تصمیم‌گیری و برگزاری جلسات منظم برای یک هیئت‌مدیره بزرگ دشوار است (جنسن^۲، ۱۹۹۳). یک هیئت‌مدیره بیش از اندازه بزرگ توانایی ایفای وظایف خود را به نحو احسن از دست می‌دهد و بیشتر در یک جایگاهی سمبولیک قرار می‌گیرد. (هرمالین و ویسبک^۳، ۲۰۰۳) نتایج تحقیقات تجربی نیز این موضوع را تأیید کرده‌اند. یرماک^۴ (۱۹۹۶) با بررسی ۴۵۲ شرکت بزرگ آمریکایی در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱، به یک ارتباط منفی بین اندازه هیئت‌مدیره و ارزش شرکت دست یافته‌اند. وافیاس^۵ (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیده‌است که شرکت‌ها با کوچک‌ترین هیئت‌مدیره (حداقل ۵ عضو)، آگاهی بیشتری نسبت به عایدات و سودآوری شرکت دارند و بنابراین از توانایی نظارتی بالاتری برخوردار هستند. بندسن و دیگران^۶ (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیده‌اند که هیأت‌مدیره‌ی دارای کم‌تر از ۶ نفر عضو، تأثیر با اهمیتی بر عملکرد شرکت ندارند؛ اما هنگامی که تعداد اعضای هیئت‌مدیره به ۷ نفر یا بیشتر افزایش می‌یابد، ارتباط این دو منفی می‌گردد.

بر این اساس و مطالعه فرزین وش و همکاران (۱۳۹۶) الگوی مورد استفاده در این مطالعه به شکل رابطه (۱-۳) می‌باشد.

$$ROE = B_0 + B_1 \text{ inddir} + B_2 \text{ ceoind} + B_3 \text{ inst} + B_4 \text{ So} + B_5 \text{ major} + B_6 \text{ liasset} + B_7 \text{ capital} \quad (1-3)$$

¹ Lipton & Lorsch

² Jensen

³ Hermalin & Weisback

⁴ Yermack

⁵ Vafeas

⁶ Bennedson & et al

۳-۵-۱. متغیرهای پژوهش و نحوه سنجش آنها

در این قسمت به بررسی متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی مدل (۳-۱) پرداخته می‌شود.

الف) متغیر وابسته

با توجه به آن که در تمامی مبانی نظری حاکمیت شرکتی که در فصل دو بیان شد بر اهمیت حمایت از حقوق ذی‌نفعان از جمله سهام‌داران تأکید شده است. در تحقیق حاضر ROE، نرخ بازدهی حقوق صاحبان سهام به‌عنوان متغیر وابسته مدل در نظر گرفته شده است که نشان دهنده نسبت سود پس از کسر مالیات به حقوق صاحبان سهام می‌باشد و در این مطالعه به‌عنوان شاخص سودآوری برای تعیین عملکرد بانک استفاده شده است.

ب) متغیرهای مستقل

inddir، نشان دهنده تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره (نفر) است که نشانگر نقش نظارتی آنها می‌باشد و در گزارشات مالی بانک‌ها در قسمت معرفی اعضای هیئت‌مدیره، اعضای غیر موظف تعیین می‌شوند. منظور از اعضای غیر موظف هیئت مدیره، مدیرانی است که در بانک سمت اجرایی ندارند که بر قضاوت آنها به‌عنوان مدیران اثر بگذارد و از طریق اعمال نظارت بر کیفیت عملکرد مدیران اجرایی بنگاه می‌توانند نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش پاسخگویی که از ارکان مهم حاکمیت شرکتی هستند ایفا کنند و منجر به سودآوری شوند.

ceoind، یک متغیر مجازی (۰ و ۱) است که در این پژوهش به تفکیک جایگاه مدیر عامل از رئیس هیئت‌مدیره عدد ۱ و به عدم تفکیک جایگاه آنها عدد صفر نسبت داده شده است. رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل در گزارشات مالی بانک‌ها در قسمت معرفی اعضای هیئت‌مدیره، تعیین می‌شوند. چنین ساختاری به رئیس هیأت مدیره این امکان را می‌دهد تا به دور از سلايق و منافع شخصی و تنها در چهارچوب تصمیمات هیأت مدیره بر عملکرد مدیران اجرایی نظارت مؤثر و کافی داشته باشد.

inst، سهم سهامداران نهادی از مالکیت بانک است. در این پژوهش منظور از سهامداران نهادی، شهرداری، دولت، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بیمه، بازنشستگی و ... است که در گزارشات مالی بانک‌ها درصد سهام هر یک از آنها مشخص شده و از مجموع آنها سهم سهامداران نهادی تعیین شده است. در صد سهامداران نهادی در از آن جهت که سهامداران نهادی آگاهی و دانش بیشتری نسبت به چالش‌ها، فرصت‌ها و نقاط ضعف و قوت بنگاه دارند و با علم به این مسائل نسبت به سرمایه‌گذاری در بنگاه‌ها اقدام کرده‌اند و با توجه به این که به دنبال حداکثر کردن منافع سرمایه‌گذاری برای خود می‌باشند، می‌توانند به شکلی مؤثر و اثر بخش بر مدیریت بنگاه در راستای افزایش سودآوری تأثیر بگذارند.

So، نشان‌دهنده‌ی اندازه‌ی هیئت‌مدیره (نفر) است و در گزارشات مالی بانک‌ها در قسمت معرفی اعضای هیئت‌مدیره، تعداد این اعضا تعیین می‌شود. تئوری نمایندگی بیان می‌کند که هیئت‌مدیره با بیشتر از ۷ یا ۸ عضو کارا نیست. هیئت‌مدیره بزرگ کمتر با هم هماهنگ و در ارتباط هستند و تصمیم‌سازی آنها با مشکل مواجه می‌شود. هیئت‌مدیره بزرگ باعث می‌شود که اعضا کمتر با هم هماهنگ باشند به این دلیل که کنش و واکنش زیادی نسبت به هم دارند و دچار تضاد منافع با هم می‌شوند. در مجموع به نظر می‌رسد هیئت‌مدیره کوچک برای مشارکت اعضای هیئت‌مدیره مناسب‌تر باشد و بنابراین انتظار می‌رود با کاهش اندازه‌ی هیئت‌مدیره سودآوری بانک افزایش یابد.

Major، سهم سهامداران عمده از مالکیت بانک را نشان می‌دهد. سهامدارانی که مالکیت بیش از ۱ درصد سهام بانک را دارند، سهامداران عمده محسوب می‌شوند که در گزارشات مالی بانک‌ها در صد سهام هر یک از آنها مشخص شده و از مجموع آنها سهم سهامداران نهادی تعیین شده است. تمرکز مالکیت بالا، انگیزه‌های کافی را برای سهامداران عمده جهت نظارت مدیران فراهم می‌کند. در بنگاه‌هایی با مالکیت متمرکز هیئت‌مدیره، سهامداران عمده می‌توانند به‌عنوان ناظرینی عمل کنند که قادر به افزایش کیفیت مدیریت و نیز ارتقای سطح کارایی بنگاه هستند. بنابراین انتظار می‌رود با افزایش تعداد آنها سودآوری بانک افزایش یابد.

به‌منظور در نظر گرفتن تأثیرات سایر عوامل مؤثر بر وضعیت بانک مانند شرایط رونق و رکود در اقتصاد کلان، متغیرهای میزان افزایش سرمایه و نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام (نسبت اهرمی) نیز وارد مدل شده‌اند. زیرا انتظار می‌رود در دوره رونق سرمایه بانک و در دوره رکود نسبت بدهی به دارایی بانک افزایش یابد.

متغیر *liasset* نشان‌دهنده نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام و تعیین‌کننده ساختار سرمایه (اهرمی) بانک است. این نسبت از تقسیم کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام به‌دست می‌آید و نشان می‌دهد جمع بدهی‌ها اعم از جاری و بلندمدت چه نسبتی با حقوق صاحبان سهام دارد و یا به عبارت دیگر از لحاظ مالکیت چه رابطه‌ای بین طلبکاران و سهامداران وجود دارد. نسبت بالای بدهی به حقوق صاحبان سهام به این معناست که بنگاه بیشتر از بدهی در تأمین مالی استفاده نموده است. اگر این نسبت بدهی بالا بنگاه را مجبور سازد که کارایی و بهره‌وری عملیاتی خود را به سطحی بالاتر از هزینه‌های ایجاد بدهی گسترش دهد آنگاه بنگاه‌هایی که بدهی بیشتری دارند عملکرد بهتری خواهند داشت.

capital، نشان‌دهنده میزان افزایش سرمایه بانک (ارقام به میلیارد ریال) است. افزایش سرمایه یک بنگاه اقتصادی و به‌طور خاص یک بانک، قابلیت ریسک‌پذیری آن را افزایش می‌دهد و شرایط را برای گسترش حجم فعالیت‌های عملیاتی و البته سرمایه‌گذاری‌هایش فراهم می‌کند. در این صورت،

انتظار بر این است که هر چه سرمایه یک بانک افزایش یابد، عملکردش بهتر شود و در نتیجه سودآوری بیشتری داشته باشد.

۳-۶- روش برآورد مدل پژوهش

داده‌های تابلویی مجموعه‌ای از داده‌ها است که شامل چند مقطع و یک دوره زمانی می‌باشد. مقطع می‌تواند بیان‌گر افراد، گروه‌ها، بنگاه‌ها و... باشد. دوره زمانی نیز می‌تواند روز، هفته، ماه و ... باشد. داده‌های ترکیبی به دلیل آن که هم تغییرات زمانی و هم تغییرات درون هر مقطع را شامل می‌شوند، می‌توانند اطلاعات بیش‌تری را منعکس کنند (سوری، ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر نیز از روش داده‌های تابلویی برای برآورد پارامترهای الگو و بررسی آزمون فرضیه استفاده شده است، زیرا ارزش کمی متغیرهای مستقل و وابسته از یک سو مربوط به بانک‌های خصوصی بوده و از سوی دیگر دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۴ را در بر می‌گیرد.

۳-۶-۱. آزمون‌های تشخیص در داده‌های تابلویی

برای تعیین الگوی مورد استفاده در داده‌های تابلویی از آزمون‌های مختلفی به شرح زیر استفاده می‌شود.

الف) آزمون F لیمر

برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آماره F لیمر استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه H_0 بیان‌گر یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) و فرضیه مخالف نشان‌دهنده ناهمسانی در عرض از مبدأها (داده‌های تابلویی) می‌باشد. لذا می‌توان نوشت:

روش داده‌های تلفیقی $H_0: a_1 = a_2 = \dots = a$

روش داده‌های تابلویی H_1 : حداقل یکی از عرض از مبدأها با بقیه متفاوت است:

آماره آزمون F لیمر براساس مجموع مربعات خطای مدل مقید و غیر مقید به صورت زیر است:

$$F = \frac{(RSS_{UR} - RSS_R) / (n-1)}{(1 - RSS_{UR}) / (nt - n - k)} \quad (2-3)$$

این آماره دارای توزیع F با درجه آزادی $n-1$ و $nt-n-k$ است. اگر F محاسبه شده در سطح معنا داری تعیین شده از F جدول بزرگتر باشد آنگاه فرضیه صفر رد می‌شود و باید عرض از مبدأهای مختلفی لحاظ نمود، در نتیجه می‌توان روش داده‌های تابلویی را برای برآورد الگو به کار برد (بالتاجی، ۲۰۰۵).

ب) آزمون هاسمن

آزمون هاسمن بر پایه‌ی وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیرهای مستقل مدل شکل گرفته است. اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد مدل اثرات ثابت و اگر این ارتباط وجود نداشته باشد مدل اثرات تصادفی کاربرد خواهد داشت. فرضیه H_0 نشان‌دهنده عدم ارتباط متغیرهای مستقل و خطای رگرسیون تخمین زده شده است و فرضیه H_1 نشان‌دهنده وجود ارتباط است (زراء نژاد و انواری، ۱۳۸۴).

H_0 : اثرات تصادفی

H_1 : اثرات ثابت

این آماره دارای توزیع کای دو با درجه آزادی برابر تعداد ضرائب تخمین زده شده در الگو می‌باشد. اگر آماره کای دو محاسبه شده، از کای دو جدول بزرگتر باشد، در سطح معناداری تعیین شده فرضیه H_0 رد می‌شود و مدل دارای اثرات ثابت است. نتیجه این آزمون در فصل ۴ آورده شده است.

۳-۶-۲. پایایی متغیرها در داده‌های تابلویی

اغلب مدل‌هایی که در دهه‌های اولیه مورد استفاده قرار می‌گرفت، بر فرض پایایی و ایستایی داده‌ها استوار بود. اما بعدها که ناپایایی بیش‌تر سری‌های زمانی و مقطعی آشکار شد، به‌کارگیری متغیرها منوط به انجام آزمون پایایی شد (زراء نژاد و انواری، ۱۳۸۴).

پایایی یا ناپایایی یک متغیر می‌تواند تأثیر جدی بر رفتار و خواص آن داشته باشد. به‌عنوان مثال وقتی یک تکانه به یک متغیر با ثبات (مانا) وارد می‌شود، اثرات آن بر متغیر مورد نظر میرا است و به تدریج از بین می‌رود. در مقابل داده‌های ناپایا (نامانا) به گونه‌ای هستند که دوام و ماندگاری اثر شوک‌های وارده بر آنها، نامحدود است (گجراتی، ۱۳۹۱). پایایی در سطوح مختلف بررسی می‌شود، اما پایایی ضعیف معمولاً در پژوهش‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. پایایی ضعیف به این صورت تعریف می‌شود، یک متغیر وقتی پایاست که میانگین، واریانس، و ضریب خودهمبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند. در صورتی که داده‌ها پایا نباشند آماره‌های F و t بدست آمده از آنها نیز مورد تردید قرار می‌گیرند چرا که همواره احتمال به وجود آمدن رگرسیون کاذب وجود دارد (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹). برای بررسی پایایی از آزمون ریشه واحد استفاده می‌شود. به‌طور کلی برای انجام آزمون ریشه واحد سری به صورت (۳-۳) تعریف می‌شود.

$$Y_{it} = \phi_i Y_{it-1} + a_i + B_i X_{it} + \gamma_{it} + u_{it} \quad (3-3)$$

اگر $|\phi_i| < 1$ باشد، Y_{it} پایا است و اگر $|\phi_i| = 1$ باشد، Y_{it} ناپایا است. در این پژوهش به منظور بررسی پایایی متغیرها به دلیل نسبت پایین تعداد سال‌های مطالعه به تعداد بانک‌ها، از آزمون ریشه واحد هریس-تاوالیس^۱ استفاده شده است، در این آزمون فرضیه H_0 بیانگر عدم وجود پایایی (نامانایی) و فرضیه مخالف نشان‌دهنده پایایی (مانایی) است. نتیجه این آزمون در فصل ۴ آورده شده است.

H_0 عدم وجود پایایی (نامانایی):

H_1 وجود پایایی (مانایی):

پس از انجام آزمون‌های فوق تخمین معادله رگرسیون و آزمون فرضیه‌ها انجام می‌شود.

۳-۷- خلاصه و جمع بندی

در این فصل روش پژوهش، جامعه آماری، روش جمع‌آوری اطلاعات، الگوی پژوهش و نحوه‌ی برآورد مدل مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که برای برآورد مدل باید از روش داده‌های ترکیبی و آزمون‌های F ، هاسمن و مانایی داده‌های ترکیبی استفاده نمود در فصل بعد از طریق آزمون‌های ذکر شده و آزمون فرضیات به تجزیه و تحلیل یافته‌ها خواهیم پرداخت.

^۱ Harris-Tzavalis

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۴-۱- مقدمه

تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌عنوان بخشی از فرآیند روش پژوهش علمی، یکی از پایه‌های اساسی مطالعه و بررسی است. به عبارت دیگر در این بخش پژوهش‌گر برای پاسخ‌گویی به مسئله تدوین شده و یا تصمیم‌گیری در مورد تأیید یا رد فرضیه یا فرضیه‌هایی که برای پژوهش در نظر گرفته است، از روش‌های مختلف تجزیه و تحلیل استفاده می‌کند. در فصل حاضر ابتدا به تحلیل توصیفی داده‌ها و متغیرهای پژوهش پرداخته شده سپس نتایج آزمون‌های لازم برای برآورد مدل مانند آزمون ریشه واحد، F لیمر و ها سمن، تجزیه و تحلیل شده و در نهایت به آزمون فرضیات پژوهش و تف‌سیر نتایج حاصل از آن پرداخته شده است.

۴-۲- تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۱۳ بانک خصوصی اقتصاد نوین، پارسیان، کارآفرین، سامان، پاسارگاد، انصار، سینا، شهر، ایران زمین، ملت، تجارت، رفاه و صادرات می‌باشد که برای دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اطلاعات موردنیاز با استفاده از گزارشات مالی منتشر شده توسط این بانک‌ها و سامانه جامع اطلاع رسانی ناشران (کدال) جمع‌آوری شده‌است و با توجه به آن‌که داده‌های مورد بررسی شامل چند بانک می‌باشند که برای یک دوره زمانی معین مورد بررسی قرار گرفته‌اند از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده که به دلیل آن که هم تغییرات زمانی و هم تغییرات درون هر مقطع را شامل می‌شود، می‌تواند اطلاعات بیش‌تری را منعکس کند.

۴-۳- تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش

هنگامی که توده‌ای از اطلاعات کمی برای پژوهش گردآوری می‌شود، ابتدا سازمان‌دهی و خلاصه کردن آن‌ها به طریقی که به صورت معناداری قابل درک و ارتباط باشند، ضروری است. روش‌های آمار توصیفی به همین منظور به کار برده می‌شوند. غالباً مفیدترین و در عین حال اولین قدم در سازمان‌دهی داده‌ها، مرتب کردن داده‌ها براساس یک ملاک منطقی و سپس استخراج شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است. برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در جدول شماره (۴-۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل تعداد مشاهدات، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر مشاهدات ارائه شده است.

جدول ۴-۱ شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر / آماره	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
Roe	۷۸	۲۰,۷۲۲	۱۱,۲۹	۰,۰۳	۴۸,۹۱
Inddir	۷۸	۲,۱۷۹	۱,۸۵۶	۰	۶
So	۷۸	۵,۷۱۷	۱,۲۴۷	۳	۹
Ceind	۷۸	۰,۹۲۳	۰,۲۶۸	۰	۱
Major	۷۸	۷۱,۱۵۷	۲۰,۴۳۵	۶,۱۶	۹۹,۹۳
Inst	۷۸	۶۷,۰۱۹	۲۳,۰۸۷	۶,۱۶	۹۹,۹۳
Capital	۷۸	۳۰۶۵,۸۳۸	۵۸۸۲,۴۹۸	۰	۳۴۸۹۳,۸۵
Liasset	۷۸	۱۲,۶۴۵	۶,۸۹	۰,۲۵	۴۸,۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴- معرفی الگوی پژوهش

تکنیک‌ها و روش‌های آماری هر پژوهش با توجه به روش و نوع پژوهش و ماهیت داده‌ها انتخاب و در جهت بررسی روابط میان متغیرهای پژوهش و رد یا اثبات فرضیات پژوهش به کار گرفته می‌شوند. در این پژوهش، با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری موجود، برای برآورد ضرایب مدل و بررسی آزمون فرضیه‌ها، ابتدا باید مشخص شود که در برآورد ضرایب الگو باید از روش داده‌های

ترکیبی استفاده کرد یا تابلویی، این امر با انجام آزمون‌های مختلف امکان‌پذیر است که در ادامه به هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

۴-۴-۱. آزمون ریشه واحد

آزمون‌های مانایی از جمله مهم‌ترین آزمون‌ها جهت برآورد یک رگرسیون با ضرائب قابل اعتماد می‌باشند. به‌طور کلی ایستایی یک متغیر به معنای وجود میانگین، واریانس، ضرائب خودهمبستگی ثابت در طول زمان است. زمانی که متغیرهای نامانا در الگوی رگرسیون استفاده شوند، ضرائب تخمینی بدست آمده برای پارامترها از اعتبار بالایی برخوردار نیستند و آزمون‌های t و F اعتبار لازم را ندارند چرا که همواره احتمال به‌وجود آمدن رگرسیون کاذب وجود دارد. به‌همین دلیل برای جلوگیری از رگرسیون ساختگی از آزمون‌های مانایی استفاده می‌شود که در این تحقیق به دلیل نسبت پایین تعداد سال‌های مطالعه به تعداد بانک‌ها، از آزمون ریشه واحد هریس - تاوالیس استفاده شده است که نتایج آن برای متغیرهای مدل در جدول شماره (۴-۲) آورده شده است. فرضیات این آزمون به صورت زیر است:

H_0 : عدم وجود پایایی (نامانایی):

H_1 : وجود پایایی (مانایی):

جدول ۴-۲ نتایج آزمون هریس - تاوالیس برای متغیرهای مدل پژوهش

Harris-Tzavahis		متغیر
سطح معناداری	آماره Z	
۰,۰۰۶۵	-۲,۴۸۱۵	Roe
۰,۰۰۰۸	-۳,۱۷۳۵	Inddir
۰,۰۰۰	-۴,۱۷۰۴	So
۰,۰۰۰۱	-۳,۶۴	Major
۰,۰۰۰۲	-۳,۵۲۸۳	Inst
۰,۰۰۰۰	-۷,۳۳۳۴	Capital
۰,۰۰۰۲	-۳,۵۶۱۰	Liasset

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون هریس - تاوالیس در جدول (۴-۲) چون سطح معناداری برای تمامی متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد تمامی متغیرهای تحقیق پایا هستند. این بدان معناست که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها باعث بوجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

۲-۴-۴. آزمون F لیمر

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش ابتدا آزمون F لیمر به منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و روش داده‌های تلفیقی جهت تعیین روش برازش مدل انجام می‌شود. فرضیات آزمون F لیمر به صورت زیر است. نتایج این آزمون برای مدل پژوهش حاضر در جدول شماره (۳-۴) درج شده است.

روش داده‌های تلفیقی: H_0

روش داده‌های تابلویی: H_1

جدول ۳-۴ نتایج آزمون F لیمر برای مدل پژوهش

مدل پژوهش	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
	۵,۱۳	(۱۲-۵۸)	۰,۰۰۰	روش داده‌های تابلویی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون F لیمر نشان می‌دهد، سطح معناداری برای مدل پژوهش کمتر از ۰,۰۵ است. در نتیجه فرض H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود و برای برآورد مدل باید از روش داده‌های تابلویی استفاده کرد.

۳-۴-۴. آزمون هاسمن

آزمون هاسمن بر پایه‌ی وجود یا عدم وجود ارتباط بین خطای رگرسیون تخمین زده شده و متغیر مستقل مدل شکل گرفته است. به عبارت دیگر این آزمون بررسی می‌کند که آیا مدل پژوهش دارای اثرات ثابت است یا تصادفی، فرضیات این آزمون به صورت زیر است و نتایج آن در جدول شماره (۴-۴) قابل مشاهده می‌باشد.

وجود اثرات تصادفی: H_0

وجود اثرات ثابت: H_1

جدول ۴-۴ نتایج آزمون هاسمن فرضیه‌های پژوهش

مدل پژوهش	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
	۱۹,۰۷	۷	۰,۰۰۸	روش اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اطلاعات جدول شماره (۴-۴)، سطح معناداری برای مدل مورد استفاده در این پژوهش کمتر از ۰,۰۵ است و در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_1 تایید و مدل دارای اثرات ثابت است.

۴-۴-۴. برآورد مدل

نتیجه برآورد مدل در جدول شماره (۴-۵) منعکس شده است.

جدول ۴-۵ ضرائب الگوی برآورد شده

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
C	۲۷,۸۹۱	۷,۴۲۷	۳,۷۵۵	۰,۰۰۰۴
Inddir	-۰,۱۷۸	۱,۰۷۳۳	-۰,۱۶۵	۰,۸۶۸۷
Ceind	-۵,۳۷۱	۱,۴۳۰۲	-۳,۷۵۵	۰,۰۰۰۴
So	۱,۵۴۷	۱,۰۷۱۸	۱,۴۴۴	۰,۱۵۴۱
Major	-۱,۱۶۷	۰,۱۲۷	-۹,۱۸۸	۰,۰۰۰۰
Inst	۱,۰۴۸	۰,۱۶۸	۶,۲۲۸	۰,۰۰۰۰
Capital	-۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰۰۰	-۳,۰۹۶۲	۰,۰۰۰۳
Liasset	۰,۱۹۳	۰,۱۰۶	۱,۸۱۵	۰,۰۷۴۶
Adjusted R-squared	۰,۵۹	آماره F	۶,۸۹	۰,۰۰۰
Durbin-Watson stat	۱,۶۱			

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴-۵. آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج جدول (۴-۵) نشان می‌دهد مقدار آماره F برابر ۶,۸۹ و سطح معناداری ۰,۰۰۰ است. در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که مدل به درستی تصریح شده و معنادار است. آماره دوربین واتسون^۱ بین ۱,۵ الی ۲,۵ قرار دارد بنابراین بین جملات خطای مدل همبستگی وجود ندارد. ضریب تشخیص^۲ نیز ۵۹ درصد است که نشان می‌دهد ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل الگوی پژوهش توضیح داده شده است که قابل قبول است. همچنین برای برآورد مدل از وزن‌دهی (وزن‌های مقطعی)^۳ استفاده شده است این بدین معناست که مدل نسبت به ناهمسانی واریانس تصحیح شده است.

با توجه به نتایج جدول (۴-۵) متغیر استقلال اعضای هیئت‌مدیره^۴ به دلیل معنادار نبودن قابل تفسیر نمی‌باشد.

^۱ Durbin-Watson stat

^۲ Adjusted R-squared

^۳ Cross-section weights

^۴ Inddir

متغیر مجازی (۰ و ۱) تفکیک مدیر عامل از رئیس هیئت مدیره^۱ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است، با توجه به این مطلب نتیجه می‌گیریم، اختلاف معناداری در متوسط سودآوری در حالت تفکیک و عدم تفکیک این دو نقش وجود دارد، منفی بودن و میزان ضریب این متغیر نیز نشان می‌دهد، متوسط سودآوری در حالت تفکیک این دو نقش، ۵,۳۷۱ درصد نسبت به حالت عدم تفکیک آنها پایین‌تر است. بنابراین فرض دو مبنی بر تأثیر مثبت این متغیر بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران رد می‌شود.

متغیر اندازه هیئت مدیره^۲ به دلیل معنادار نبودن قابل تفسیر نمی‌باشد.

متغیر سهام‌داران عمده^۳ نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار شده و با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر با افزایش سهام‌داران عمده سودآوری کاهش می‌یابد. با اشاره به این موضوع که سهام‌داران عمده بانک شامل سهام‌داران نهادی (سهام‌داران حقوقی با مالکیت بیش از یک درصد) و حقیقی (با مالکیت بیش از یک درصد) هستند و با در نظر گرفتن ضریب مثبت سهام‌داران نهادی در این پژوهش، دلیل تأثیر منفی سهام‌داران عمده بر سودآوری نظام بانکی، می‌تواند سهام‌داران حقیقی (با مالکیت بیش از یک درصد سهام) باشد که دلیل آن نیز می‌تواند آگاهی و دانش کمتر این سهام‌داران نسبت به چالش‌ها، فرصت‌ها، نقاط ضعف و قوت بانک و علم کمتر آنها نسبت به سرمایه‌گذاری در بانک در مقایسه با سهام‌داران نهادی باشد.

علاوه بر این با توجه به مطالبی که در فصل سه بیان شد، به معیار وجود سهام‌داران بزرگ (سهام‌داران با مالکیت بیش از یک درصد سهام) در یک بنگاه تمرکز مالکیت گفته می‌شود که بین تمرکز مالکیت و سودآوری بنگاه‌ها، یک رابطه U شکل معکوس وجود دارد. به عبارتی وقتی تمرکز مالکیت از یک سطح خیلی پایین، شروع به افزایش می‌کند، به علت بالا رفتن نظارت از طرف سهام‌داران عمده، هزینه‌های نمایندگی کاهش یافته و در نتیجه سودآوری بنگاه افزایش می‌یابد. اما زمانی که تمرکز مالکیت تا حدود معینی افزایش یافت، هزینه‌های ناشی از آن، از منافع حاصله پیشی گرفته و سودآوری کاهش می‌یابد. با توجه به این که در اکثر بانک‌های مورد مطالعه، سهام‌داران عمده مالکیت بیش از ۷۰ درصد سهام بانک را در اختیار دارند، شاید در نظام بانکی ایران دلیل تأثیر منفی سهام‌داران عمده بر سودآوری پیشی گرفتن هزینه‌های ناشی از تمرکز مالکیت بر منافع حاصل از آن باشد.

متغیر سهام‌داران نهادی^۴ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده و با توجه به مثبت بودن ضریب این متغیر می‌توان گفت افزایش سهام‌داران نهادی باعث افزایش سودآوری در نظام بانکی بدون ربای

^۱ Ceoind

^۲ So

^۳ Major

^۴ Inst

ایران می‌گردد و فرضیه سوم پژوهش مبنی بر رابطه مثبت بین سهام‌داران نهادی و سودآوری مورد پذیرش است.

متغیر نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام^۱ که از نسبت‌های اهرمی و نشان‌دهنده ساختار سرمایه بانک است نیز در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنا دار بوده و با توجه به مثبت بودن ضریب این نسبت، با افزایش آن سودآوری افزایش می‌یابد.

متغیر افزایش سرمایه^۲ نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنا دار بوده و با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر با افزایش سرمایه سودآوری کاهش می‌یابد که دلیل آن می‌تواند نحوه‌ی تخصیص و گردآوری سرمایه یا تحولات تکنیکی که در بانکداری ایجاد شده باشد.

۴-۵- خلاصه فصل

در این فصل به بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در ابتدا از روش‌های آمار توصیفی استفاده شد و برای تک تک متغیرهای تحقیق شاخص‌های میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ محاسبه و بررسی شد. سپس آزمون‌های آماری توضیح داده در فصل قبل انجام گردید و در نهایت نتایج آزمون فرضیه‌ها توضیح داده شد. در فصل آتی به تجزیه و تحلیل نتایج بدست آمده در این فصل پرداخته خواهد شد.

¹ Liasset

² Capital

فصل پنجم

خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱- مقدمه

نتیجه‌گیری در واقع مهمترین و ارزشمندترین سخنی است که یک محقق از طریق تحقیق خود به خوانندگان ارائه می‌دهد. یافته‌های تحقیق و بحثی که محقق در پایان پژوهشش در مورد آنها انجام می‌دهد، به مخاطبین نشان می‌دهد که مهم‌ترین و اصیل‌ترین یافته محقق و نتیجه این فعالیت علمی چه بوده است؟ بنابراین لازم است که در این بخش الگوها و تکنیک‌های مناسب برای مرتب‌سازی نتایج براساس سوالات و فرضیه‌های تحقیق و ارائه آنها در قالب بحث و یافته‌های تحقیق به مخاطبین به کار گرفته شود. در این فصل ابتدا خلاصه‌ای از مراحل انجام پژوهش مطرح می‌شود، سپس در قسمت نتایج پژوهش، نتایج بدست‌آمده در فصل قبل مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، پس از آن به محدودیت‌های انجام پژوهش پرداخته شده و در نهایت پیشنهاداتی با توجه به نتایج بدست آمده ارائه می‌شود.

۵-۲- خلاصه پژوهش

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران است. در این راستا پس از جمع‌آوری مطالبی مربوط به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، متغیرهایی به‌عنوان سازوکارهای حاکمیت شرکتی انتخاب شد و برای بررسی سودآوری در نظام بانکی نیز از متغیر بازدهی حقوق صاحبان سهام استفاده شد.

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به روش تحلیل محتوا انجام گرفته است. برای دستیابی به هدف پژوهش، ۱۳ بانک خصوصی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اطلاعات موردنیاز با استفاده از گزارشات مالی منتشر شده توسط این بانک‌ها و سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزارهای ایویوز و استتا به آزمون فرضیات پرداخته شده است. از طریق آزمون‌های ریشه واحد، F لیمر و هاسمن در مورد نوع و نحوه برآورد مدل پژوهش تصمیم‌گیری شد و در نتیجه طبق یافته‌های پژوهش نتایج زیر به دست آمده است.

۵-۲-۱. نتایج آزمون فرضیه اول

با توجه به معنادار نبودن ضریب متغیر استقلال اعضای هیئت‌مدیره^۱ فرضیه اول مبنی بر تأثیر مثبت این متغیر بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران مورد تأیید نیست. فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی نشان داده‌اند بین استقلال اعضای هیئت‌مدیره و سودآوری در کشورهای D8 و G7 رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. غفار^۲ (۲۰۱۴) نیز در تحقیق خود با عنوان حاکمیت شرکتی و سودآوری در بانک‌های اسلامی پاکستان به نتیجه مشابهی دست یافته و نشان داده است که رابطه معنادار و مثبتی بین سودآوری و استقلال اعضای هیئت‌مدیره وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش المناسیر و همکاران^۳ (۲۰۱۲) که با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های اردن انجام شده است نیز دارای نتایجی مشابه با غفار^۴ (۲۰۱۴) و فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶) است و رابطه معنادار و مثبت این متغیر و عملکرد بانک را نشان می‌دهد.

¹ Inddir

² Ghaffar

³ Al Manaseer , et al

⁴ Ghaffar

۵-۲-۲. نتایج آزمون فرضیه دوم

با توجه به مطالبی که در فصل سه بیان شد تفکیک مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره^۱، یک متغیر مجازی (صفر و یک) است. با در نظر گرفتن این مطلب و معناداری این متغیر نتیجه می‌گیریم، اختلاف معناداری در متوسط سودآوری در حالت تفکیک و عدم تفکیک این دو نقش وجود دارد. منفی بودن و میزان ضریب این متغیر نیز نشان می‌دهد، متوسط سودآوری در حالت تفکیک این دو نقش، ۵,۳۷۱ درصد نسبت به حالت عدم تفکیک آنها پایین‌تر است. بنابراین فرضیه دوم مبنی بر تأثیر مثبت این متغیر بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران مورد تأیید نیست. المنا سیر و همکاران^۲ (۲۰۱۲) نیز در تحقیق خود با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های اردن به نتیجه مشابهی دست یافته‌اند و این موضوع را اینطور تبیین کرده‌اند، که جدایی نقش مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره در نظام بانکی اردن می‌تواند باعث ایجاد ابهام و نامعلومی در مسئولیت‌ها شود و بر سودآوری نظام بانکی این کشور تأثیر منفی بگذارد، با توجه به نتیجه پژوهش حاضر شاید این موضوع در مورد نظام بانکی بدون ربای ایران نیز صادق باشد. در حالی که بن‌زینب و منسی^۳ (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان حاکمیت شرکتی ریسک و کارایی (براساس شواهدی از بانک‌های اسلامی شورای خلیج فارس (GCC))^۴، نتیجه متفاوتی به دست آورده‌اند که نشان می‌دهد کارایی بانک‌ها در حالت عدم تفکیک نقش مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره نسبت به حالت تفکیک آنها پایین‌تر است و این عدم تفکیک بر کارایی کلیه بانک‌های مورد مطالعه تأثیر منفی گذاشته است. فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی، نشان داده‌اند، بین تفکیک مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره و سودآوری در کشورهای D8 رابطه معناداری وجود ندارد در حالی که در کشورهای G7 رابطه معنادار و مثبتی بین این متغیر و سودآوری وجود دارد و این موضوع را اینطور تبیین کرده‌اند که به دلیل سطح پایین‌تر اعمال اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌های کشورهای D8، حتی تفکیک رئیس هیئت‌مدیره از مدیرعامل نیز نتوانسته است بر سودآوری آنها اثرگذار باشد.

۵-۲-۳. نتایج آزمون فرضیه سوم

با توجه به معناداری و مثبت بودن ضریب متغیر سهام‌داران نهادی^۵ این نتیجه حاصل شد که افزایش سهام‌داران نهادی تأثیر مثبتی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران دارد. بنابراین فرضیه سوم مبنی بر تأثیر مثبت افزایش این متغیر بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران مورد تأیید است. تومار و بینو^۶ (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود با عنوان حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک (با شواهدی از صنعت

¹ Ceoind

² Al Manaseer , et al

³ Ben Zeineb & Mensi

⁴ Gulf Cooperation Council

⁵ Inst

⁶ Tomar & Bino

بانکداری اردن) به نتیجه مشابهی دست یافته‌اند و نشان داده‌اند، بانک‌های با مالکیت بالاتر سهامداران نهادی عملکرد بهتری دارند. در حالی که بن‌زینب و منسی^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان حاکمیت شرکتی ریسک و کارایی (براساس شواهدی از بانک‌های اسلامی شورای خلیج فارس (GCC)^۲) نشان داده‌اند، رابطه معناداری بین ساختار مالکیتی (مالکیت نهادی، مالکیت خارجی و مالکیت خصوصی) و کارایی بانک‌های مورد مطالعه وجود ندارد. فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶) نیز در تحقیقی با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی به نتیجه‌ای مشابه زینب و منسی^۳ (۲۰۱۷) دست یافته و نشان داده‌اند بین سهامداران نهادی و سودآوری در کشورهای D8 و G7 رابطه معناداری وجود ندارد.

۵-۲-۴. نتایج آزمون فرضیه چهارم

با توجه به معناداری و منفی بودن ضریب سهام‌داران عمده^۴ این نتیجه بدست آمد که افزایش سهامداران عمده تأثیر منفی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران دارد. بنابراین فرضیه چهارم مبنی بر تأثیر مثبت افزایش سهام‌داران عمده بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران مورد تأیید نیست. در تبیین این موضوع می‌توان به فصل سه در خصوص رابطه U شکل معکوس بین تمرکز مالکیت و سودآوری بنگاه‌ها، اشاره کرد، زمانی که تمرکز مالکیت از یک سطح خیلی پایین شروع به افزایش می‌کند، به علت بالا رفتن نظارت از طرف سهامداران عمده، هزینه‌های نمایندگی کاهش یافته و در نتیجه سودآوری بنگاه افزایش می‌یابد. اما زمانی که تمرکز مالکیت تا حدود معینی افزایش یافت، هزینه‌های ناشی از آن، از منافع حاصله پیشی گرفته و سودآوری کاهش می‌یابد. با توجه به این که در اکثر بانک‌های مورد مطالعه، سهامداران عمده مالکیت بیش از ۷۰ درصد سهام بانک را در اختیار دارند، شاید در نظام بانکی ایران دلیل تأثیر منفی سهامداران عمده بر سودآوری پیشی گرفتن هزینه‌های ناشی از تمرکز مالکیت بر منافع حاصل از آن باشد. فرزین‌وش و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مطالعه خود با عنوان حاکمیت شرکتی و عملکرد بانک به نتیجه مشابهی دست یافته و نشان داده‌اند سهامداران عمده در کلیه بانک‌های مورد مطالعه (D8 و G7) تأثیر منفی بر سودآوری دارد. و دلیل این مشاهده را اینطور بیان کرده‌اند که شاید اثرگذاری سهام‌داران عمده بانک‌ها بر مدیریت بانک در راستای منافع شخصی آنها باشد، با توجه به نتیجه مشابه به دست آمده در این تحقیق شاید این توجیه برای بانکداری بدون ربای ایران نیز صادق باشد. علاوه بر این در این پژوهش نشان داده شده که اندازه ضریب این متغیر در کشورهای D8 در مقایسه با کشورهای G7 افزایش قابل توجهی داشته است که نشان‌دهنده تأثیر شدیدتر نفوذ سهامداران عمده بر مدیریت بانک‌ها در این کشورهاست.

¹ Ben Zeineb & Mensi

² Gulf Cooperation Council

³ Zeineb & Mensi

⁴ Major

۵-۲-۵. نتایج آزمون فرضیه پنجم

با توجه به معنادار نبودن ضریب متغیر سائز هیئت‌مدیره^۱ فرضیه پنجم مبنی بر تأثیر مثبت این متغیر بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران مورد تأیید نیست. غفار^۲ (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان حاکمیت شرکتی و سودآوری در بانک‌های اسلامی پاکستان به نتیجه متفاوتی دست یافته و نشان داده است رابطه معنادار و مثبتی بین سودآوری و اندازه هیئت‌مدیره وجود دارد در حالیکه نتایج تحقیق المناسیر و همکاران^۳ (۲۰۱۲) که با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های اردن انجام شده است رابطه معنادار و منفی بین اندازه هیئت‌مدیره و عملکرد بانک را نشان می‌دهد.

۵-۲-۶. نتایج آزمون فرضیه اصلی

با توجه به نتایج پژوهش حاضر افزایش سهام‌داران نهادی تأثیر مثبتی بر عملکرد بانک‌های بدون ربای ایران داشته و تأثیر سهام‌دارن عمده بر سودآوری بانک‌ها منفی بوده و این مشاهده می‌تواند به دلیل اثرگذاری این قشر از سهام‌داران بر مدیریت بانک در راستای منافع شخصی باشد، تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره نیز تأثیر منفی بر سودآوری داشته، که این موضوع نیز می‌تواند به دلیل ایجاد ابهام و نامعلومی در مسئولیت‌های مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره در اثر تفکیک نقش‌های آنها در نظام بانکی بدون ربای ایران باشد. دو متغیر استقلال اعضای هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره نیز تأثیری بر عملکرد نظام بدون ربای ایران نداشته‌اند. بنابراین فرضیه اصلی مبنی بر تأثیر مثبت حاکمیت شرکتی بر عملکرد نظام بانکی بدون ربای ایران مورد تأیید نیست.

۵-۳- محدودیت‌های پژوهش

همواره گام نهادن در راه رسیدن به هدف، با محدودیت‌هایی همراه است که باعث می‌شود رسیدن به هدف مورد نظر با کندی همراه شود و یا به‌طور کامل محقق نشود. در این پژوهش نیز با توجه به این که هدف اصلی بررسی تأثیر سازو کارهای حاکمیت شرکتی بر سیستم بانکی بدون ربای ایران است برای تحقق کامل هدف تحقیق جامعه آماری پژوهش می‌بایست شامل تمام بانک‌های دولتی و غیر دولتی ایران می‌بود اما بدلیل محدودیت‌هایی از جمله نبود اطلاعات مربوط به متغیرهای مانند سهامداران نهادی، سهامداران عمده و اطلاعات مربوط به اعضای موظف هیئت‌مدیره در بانک‌های دولتی و برخی بانک‌های خصوصی در تحقیق حاضر تنها به بررسی ۱۳ بانک خصوصی پرداخته شد. علاوه بر این به دلیل تازه تأسیس بودن برخی از بانک‌های خصوصی مورد مطالعه و عدم وجود گزارشات مالی منتشر شده در سایت سایر بانک‌های خصوصی و سایت کدال امکان بررسی بانک‌ها

¹ So

² Ghaffar

³ Al Manaseer , et al

در بازه‌ی زمانی بالاتری وجود نداشته و صرفاً بررسی سازوکارهای حاکمیت شرکتی در بانک‌های مورد بررسی از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۴ محقق شده است. علاوه بر موارد فوق محدودیت دیگر انجام این پژوهش روش به کار گرفته شده برای برآورد مدل و آزمون فرضیات است، زیرا اگر از روش دیگری استفاده می‌شد ممکن بود نتایج متفاوتی حاصل شود.

۴-۵- پیشنهادهای پژوهش

۴-۵-۱. پیشنهادهای کاربردی

با توجه به یافته‌های تحقیق این موارد توصیه می‌شود:

- ۱- هیئت‌مدیره بانک‌ها از طریق تشکیل کمیته‌های حسابرسی و حاکمیت شرکتی منجر به افزایش شفافیت، پاسخگویی در بانک‌ها شوند و با همکاری این دو کمیته و هیئت نظارت بر شریعت از تطابق فعالیت‌های بانکی با قوانین شریعت اسلامی اطمینان حاصل کنند.
- ۲- نظام بانکی باید در خصوص نحوه سرمایه‌گذاری دارایی‌ها، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری اولیه و تخصیص دارایی و شیوه محاسبه سود و زیان ناشی از آن‌ها به ذی‌نفعان اطلاع‌رسانی کند و بانک مرکزی با تصویب و ابلاغ قوانینی بر انجام صحیح آن نظارت کند.
- ۳- به منظور جلوگیری از زیان سرمایه‌گذاران در قراردادهای مشارکت و مضاربه از برنامه واقعی کردن پرداخت سود در نظام بانکی استفاده شود.
- ۴- با توجه به تأثیر مثبت سهامداران نهادی بر عملکرد بانک توصیه می‌شود سهم سهام‌داران نهادی در بانک‌ها افزایش یابد.

۴-۵-۲. پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی

- ۱- پژوهش حاضر در بازه‌ی زمانی بالاتر و با استفاده از جامعه‌ی آماری شامل کلیه بانک‌های خصوصی و دولتی انجام گیرد و نتایج با پژوهش حاضر مقایسه گردد.
- ۲- پژوهش حاضر با استفاده از شاخص‌های دیگر حاکمیت شرکتی انجام و نتایج با هم مقایسه شوند.
- ۳- برای بررسی هدف پژوهش از معیارها و مدل‌های دیگری استفاده شود.
- ۴- با توجه به قلمرو زمانی تحقیق سعی شده تأثیر عمر بانک‌ها در بازدهی آن‌ها لحاظ شود اما پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی عمر بانک‌ها هم به‌عنوان یک متغیر مستقل اضافه شود.

منابع و مأخذ:

- الجرحی، مهید علی. (۲۰۱۰). **بانکداری اسلامی**. ترجمه: کاظم یآوری (۱۳۸۹). تهران: چاپ ۱، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.
- شعبانی، احمد. (۱۳۹۴). **درآمدی بر بانکداری اسلامی**. تهران: چاپ ۱، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) - ایروانی، جواد. (۱۳۹۴). **پول و بانکداری اسلامی**. مشهد: چاپ ۱، انتشارات آستان قدس رضوی.
- احمدی، نرگس. (۱۳۹۴). **۱۴ صول ۱۴ گانه برای بهبود حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی بال (بازل) کمیته بین المللی تسویه- اکتبر ۲۰۱۰**، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری اداره نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری.
- توتونچیان، ایرج. (۱۳۷۹). **پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری**. تهران: چاپ ۱، انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری توانگران.
- تقوی، مهدی؛ احمدیان، اعظم و کیانوند، مهران. (۱۳۹۲). "تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانکها)". **فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار**، (۱۹) ۶، ۴۵-۶۶.
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). "مبانی نظری حاکمیت شرکتی". **حسابدار**، (۱۶۸) ۲۰، ۱۰-۵۷.
- رجبی، زینب؛ کرمی، وحید؛ لامعی، بهزاد و اشقانی فراهانی، ابراهیم. (۱۳۹۴). **رهنمودهای اصول حاکمیت شرکتی برای بانکها از انتشارات کمیته بال ژوئیه ۲۰۱۵**، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی اداره مطالعات و مقررات بانکی.
- رفیق جواهری، محمد. (۱۳۹۰). "سود و بانکداری اسلامی"، **سفیر نور**، (۲۰) ۵، ۸۵-۱۲۲.
- روشندل، محمد. (۱۳۸۶). **راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران**، گروه مجوزهای بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- سیف، ولی الله. (۱۳۹۳). "حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات". **فصلنامه روند**، (۶۸) ۲۱، ۱۵-۵۴.
- شعبانی، احمد؛ عادل رستخیز، علی. (۱۳۹۱). "تحلیل تطبیقی ریسک در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا در قالب عقود اسلامی". **فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مالی-اسلامی**، (۱) ۲، ۷-۳۸.
- شهبازی غیائی، موسی و ترابی فر، هادی. (۱۳۹۵). **آسیب شناسی نظام بانکی، چالش‌ها و آسیب‌های کلان ضعف حاکمیت شرکتی در مدیریت بانک‌های ایران**، مرکز پژوهش‌های مجلس.

- عرب‌حسینی، سعید. (۱۳۹۲). "بررسی ارتباط بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت واقعی سود"، یازدهمین همایش حسابداری ملی ایران. (مشهد)، ایران. ۱-۱۹.
- عباس‌زاده، حسن. (۱۳۹۱). "رویکرد تحلیلی بر چالش‌های بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور" پیام بانک، ۲۴-۲۹.
- فردوسی، فروهر. (۱۳۹۳). "پیشگفتاری بر ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با تأکید بر آسیب‌شناسی نظام بانکداری بدون ربای ایران". *مجله اقتصادی*، (۱۱ و ۱۲)، ۱۴، ۳۹-۵۸.
- فرزین‌وش، اسدالله؛ دادگر، یدالله؛ مهرآرا، محسن و نجارزاده، ابوالفضل. (۱۳۹۶). "نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد نظام بانکی". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، (۸۲)، ۲۵، ۲۶۱-۳۱۰.
- قلیچ، وهاب. (۱۳۹۵). "جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی". *فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، (۱۴)، ۵، ۷۸-۱۱۰.
- مؤتمنی، علیرضا؛ جوادزاده؛ محمد و تیزفهم، مهدی. (۱۳۸۹). "ارزیابی عملکرد راهبردی بانک‌ها". *مطالعات مدیریت راهبردی*، (۱)، ۱، ۱۴۱-۱۵۹.
- نظریور، محمد تقی؛ موسویان، عباس. (۱۳۹۳). *بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه*. قم: چاپ ۱، انتشارات دانشگاه مفید.
- نصرالهی، خدیجه. (۱۳۹۲). *تحلیل سری‌های زمانی و داده‌های تابلویی در محیط اییویوز*. اصفهان: چاپ ۱، انتشارات آموخته.
- نیک‌بخت، محمدرضا؛ سیدی، سید عزیز و هاشم‌الحسینی، روزبه. (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت". *پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، (۱)، ۲، ۲۵۱-۲۷۰.
- Agrawal, A. and Knoeber, C.R. (1996) Firm performance and mechanisms to control agency problems between managers and shareholders. **The Journal of Financial and Quantitative Analysis**, 31, 377-397.
- Al Manaseer, M.F & Al- Dahiyat, R.M. (2012). "The impact of corporate governance on the performance of jordanian banks", **European Journal of Scientific Research**, 67(3), 349-359.
- Asmita, H & Asmita, B. (2016). "The influence of good corporate governance implementation to the financing quality, efficiency & profitability of syariah bank in indonesia (inflation as moderating variable)", **The 2nd International Multidisciplinary Conference November 15th, 2016, Universitas Muhammadiyah Jakarta, Indonesia**.

- Ben Zeineb, G & Mensi, S. (2017). **Corporate governance, risk and efficiency: evidence from GCC islamic banks** .Middle East Economic Association.
- Boehm B.W. (1991). Software risk management: principles and practices. **IEEE Software**. 8(1), 32-41.
- **Corporate governance practices in islamic banks**. (2017). General Council for Islamic Banks and Financial Institutions and the World Bank Group.
- Demsetz, H & Lehn, K. (1985).The structure of corporate ownership:causes and consequences.**Journal of Political Economy**, 93(6), 1155-1177.
- Ghaffar, A. (2014), “Corporate governance and profitability of islamic banks operating in pakistan”, **Interdisciplinary Journal of Contemporary Research Business**, 6(3), 320-336.
- Jensen, M.C & Meckling, W.H .(1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. **Journal of Financial Economics**, 3(4), 305–360.
- Kusuma, H & Ayumardani, A. (2016). “The corporate governance efficiency & islamic bank performanc: an indonesian evidence”, **Polish Journal of Management Studies**, 13(1), 111-120.
- Lynch, R & Cross, K (1991), **Measure up Yardsticks for Continuous Improvement**.
- Maug, E. (1998). Large shareholders as monitors: is there a trade off between liquidity and control? **Journal of Finance**, 53(1), 65-98.
- OECD. (2004). **Corporate Governance: A Survey OF Developments in OECD Countries**, Paris: Organization for Economic Cooperation and Development.
- Soltani, S & Nemat, R. (2016). “Investigating the effects of risk and corporate governance in islamic banks”. **Journal of Administrative Management, Education and Training**, 12(4), 295 302.
- Tomar, S & Bino, B. (2012). “Corporate governance and bank performance: evidence from jordanian banking industry”. **Journal of Business Administration**, 8(2), 353-372.

پیوست‌ها:

پیوست ۱. پی‌شنهادهایی در راستای اصول ۱۴ گانه بهبود حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی (بال)^۱

با توجه به مطالب قسمت‌های قبل این نتیجه حاصل شد که یکی از مشکلات موجود در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران عدم شفافیت است. بنابراین در این بخش به ارائه راهکارهای بهبود در راستای اصل ۱۴ حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی (بال) که مربوط به افشاء و شفافیت است خواهیم پرداخت.

طبق اصل ۱۴: اداره امور بانک بایستی برای سهامداران، سپرده‌گذاران، دیگر ذی‌نفعان مربوطه و نیز فعالان بازار از شفافیت کافی برخوردار باشد. در این راستا پیشنهادهایی ارائه شده است که به شرح زیر می‌باشد (نرگس احمدی، ۱۳۹۴):

- ۱- شفافیت عاملی ضروری برای حاکمیت شرکتی صحیح و مؤثر محسوب می‌شود. همانطور که در رهنمود کمیته بال در خصوص شفافیت نیز تأکید شده است^۲، در صورت عدم وجود شفافیت، نظارت مؤثر بر عملکرد هیئت‌مدیره و هیئت‌عامل از سوی سهامداران، سپرده‌گذاران، دیگر ذی‌نفعان و نیز فعالان بازار به گونه‌ای مناسب که پاسخگوی اعمال خود باشند؛ امری دشوار است. از این‌رو، هدف از شفافیت در حوزه حاکمیت شرکتی، ارائه اطلاعات مهم و لازم برای طرفین است به‌نحوی که بتوانند کارآیی هیئت‌مدیره و هیئت‌عامل را در زمینه اداره امور بانک، مطابق با قوانین داخلی و در چارچوب روش‌های نظارتی، ارزیابی نمایند.
- ۲- اگرچه ممکن است مباحث مربوط به فرآیند شفاف‌سازی، کاربرد اندکی برای بانک‌های غیر بورسی به‌خصوص در مورد آن گروه از بانک‌هایی که سهام آن‌ها تماماً به تملک (انحصاری برخی اشخاص خاص) درآمده است داشته باشد، اما این امکان وجود دارد که بانک‌های غیربورسی نیز در معرض ریسک‌های مالی مشابه بانک‌های بورسی، از جمله مسائل مربوط به نظام‌های پرداخت و پذیرش سپرده‌های خرد، قرار گیرند.
- ۳- لازم است بانک اطلاعات مقتضی و مفید را که مربوط به حوزه‌های مهم حاکمیت شرکتی می‌باشد، افشاء نماید. این اطلاعات باید متناسب با اندازه، پیچیدگی، ساختار مالکیتی، جایگاه اقتصادی و وضعیت ریسک بانک افشاء شوند.

^۱ Basel Committee on Banking Supervision (BCBS)

^۲ رجوع شود به "سند بهبود شفافیت در بانک" که توسط کمیته نظارت بانکی بال در سپتامبر ۱۹۹۸ منتشر شد و در نشانی www.bis.org/publ/bcbs41.htm موجود می‌باشد. ترجمه فارسی این سند را می‌توانید در سایت بانک مرکزی ج.ا.ا. به نشانی www.CBI.IR بخش نظارت بانکی، قسمت گزیده اصول کمیته بال برای نظارت بانکی مؤثر، زیر مجموعه "سایر اصول" مطالعه نمایید.

- ۴- بطور کلی بانک بایستی بخش افشاء و شفافیت اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۰۴ را رعایت کند^۱. از این رو افشاء نباید تنها به اطلاعات اساسی درباره اهداف بانک محدود شود بلکه باید شامل، ساختارها، سیاست‌های سازمانی و حاکمیتی آن (بخصوص در برگیرنده قوانین، مقررات و خط مشی‌های مربوط به حاکمیت شرکتی و فرآیند اجرای آن)، سهامداران عمده، حق رای و نیز معاملات اشخاص مرتبط باشد. بانک باید سیاست جبران خدمات و مشوق‌های مربوطه را طبق اصول و استانداردهای هیئت ثبات مالی، به درستی افشاء نماید.
- ۵- همچنین لازم است بانک نکات مهم مربوط به استراتژی ریسک‌پذیری خود را (با رعایت محرمانه بودن آنها) افشاء و نیز اطلاعات مربوط به مشارکت هیئت‌مدیره در این فرآیند را شرح دهد. هنگامی که بانک در ساختارهای پیچیده یا غیر شفاف وارد می‌شود بایستی اطلاعات کافی راجع به هدف، راهبردها، ساختارها، انواع ریسک را افشاء نماید.
- ۶- افشاء باید دقیق، واضح و قابل درک باشد، بطوری که سهامداران، سپرده‌گذاران، ذی‌نفعان و فعالان بازار بتوانند درباره آن به راحتی بحث و تبادل نظر کنند. افشاء عمومی بموقع به شکل افشاء در وب سایت، گزارش‌های مالی سالیانه، ادواری و نیز گزارش‌های ارائه شده به ناظران بانکی یا به اشکال مناسب دیگر، امر مطلوبی می‌تواند باشد. درج یک اعلامیه جامع مختص موضوع حاکمیت شرکتی در بخش مشخصی از گزارش سالیانه، شیوه‌ای مناسب محسوب می‌شود که البته انجام آن بستگی به چارچوب گزارش‌دهی مالی بانک دارد. تمامی پیشرفت‌های اساسی بوجود آمده در خصوص گزارش‌های منظم، باید بدون تأخیر غیر ضروری افشاء شود.

^۱ بخش ۵ اصول منتشر شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۰۴ بیان می‌کند که "حاکمیت شرکتی می‌بایست اطمینان یابد افشاء به موقع و دقیقی درباره تمامی موضوعات مهم مربوط به شرکت / مؤسسه مورد نظر که شامل وضعیت مالی، مالکیت، نحوه اداره شرکت / مؤسسه می‌شود انجام می‌پذیرد". به پی‌نوشت شماره ۳ گزارش "اصول ۱۴ گانه برای بهبود حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی (بال) منتشر شده توسط بانک مرکزی به ترجمه نرگس احمدی در سال ۱۳۹۴ مراجعه شود.

پیوست ۲. خروجی‌های نرم افزار Stata

آزمون ریشه واحد برای بررسی پایایی

```
. xtunitroot ht ROE
```

Harris-Tzavalis unit-root test for ROE

Ho: Panels contain unit roots	Number of panels =	13
Ha: Panels are stationary	Number of periods =	6
AR parameter: Common	Asymptotics: N -> Infinity	
Panel means: Included	T Fixed	
Time trend: Not included		

	Statistic	z	p-value
rho	0.2810	-2.4815	0.0065

```
. xtunitroot ht INDDIR
```

Harris-Tzavalis unit-root test for INDDIR

Ho: Panels contain unit roots	Number of panels =	13
Ha: Panels are stationary	Number of periods =	6
AR parameter: Common	Asymptotics: N -> Infinity	
Panel means: Included	T Fixed	
Time trend: Not included		

	Statistic	z	p-value
rho	0.2000	-3.1735	0.0008

. xtunitroot ht SO

Harris-Tzavalis unit-root test for SO

Ho: Panels contain unit roots Number of panels = 13
Ha: Panels are stationary Number of periods = 6

AR parameter: Common Asymptotics: N -> Infinity
Panel means: Included T Fixed
Time trend: Not included

	Statistic	z	p-value
rho	0.0833	-4.1704	0.0000

. xtunitroot ht MAJOR

Harris-Tzavalis unit-root test for MAJOR

Ho: Panels contain unit roots Number of panels = 13
Ha: Panels are stationary Number of periods = 6

AR parameter: Common Asymptotics: N -> Infinity
Panel means: Included T Fixed
Time trend: Not included

	Statistic	z	p-value
rho	0.1454	-3.6400	0.0001

. xtunitroot ht INST

Harris-Tzavalis unit-root test for INST

Ho: Panels contain unit roots Number of panels = 13
Ha: Panels are stationary Number of periods = 6

AR parameter: Common Asymptotics: N -> Infinity
Panel means: Included T Fixed
Time trend: Not included

	Statistic	z	p-value
rho	0.1585	-3.5283	0.0002

. xtunitroot ht LIASSET

Harris-Tzavalis unit-root test for LIASSET

Ho: Panels contain unit roots Number of panels = 13
Ha: Panels are stationary Number of periods = 6

AR parameter: Common Asymptotics: N -> Infinity
Panel means: Included T Fixed
Time trend: Not included

	Statistic	z	p-value
rho	0.1547	-3.5610	0.0002

. xtunitroot ht CAPITAL

Harris-Tzavalis unit-root test for CAPITAL

Ho: Panels contain unit roots Number of panels = 13
Ha: Panels are stationary Number of periods = 6

AR parameter: Common Asymptotics: N -> Infinity
Panel means: Included T Fixed
Time trend: Not included

	Statistic	z	p-value
rho	-0.2869	-7.3334	0.0000

آزمون F لیمر

```
. xtreg ROE INDDIR CEOIND SO INST MAJOR LIASSET CAPITAL, fe

Fixed-effects (within) regression           Number of obs   =       78
Group variable: ID                         Number of groups =       13

R-sq:                                       Obs per group:
    within = 0.1320                          min =           6
    between = 0.0552                         avg =          6.0
    overall = 0.0019                          max =           6

corr(u_i, Xb) = -0.7021                     F(7,58)         =       1.26
                                           Prob > F        =       0.2861
```

ROE	Coef.	Std. Err.	t	P> t	[95% Conf. Interval]	
INDDIR	-.8723535	1.428958	-0.61	0.544	-3.732723	1.988016
CEOIND	-6.848212	4.691213	-1.46	0.150	-16.2387	2.542272
SO	-.5655737	2.181526	-0.26	0.796	-4.932373	3.801226
INST	1.007973	.5740853	1.76	0.084	-.1411835	2.15713
MAJOR	-1.123674	.5581008	-2.01	0.049	-2.240834	-.0065139
LIASSET	-.0606976	.2054682	-0.30	0.769	-.4719868	.3505917
CAPITAL	-.000134	.0001932	-0.69	0.491	-.0005207	.0002527
_cons	45.76133	19.97481	2.29	0.026	5.777402	85.74526
sigma_u	12.006265					
sigma_e	8.8512987					
rho	.64787894	(fraction of variance due to u_i)				

F test that all u_i=0: F(12, 58) = 5.13 Prob > F = 0.0000

پیوست ۳. خروجی نرم افزار Eviews

آزمون هاسمن

Correlated Random Effects - Hausman Test

Equation: EQ044

Test cross-section random effects

Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	19.074197	7	0.0080

Cross-section random effects test comparisons:

Variable	Fixed	Random	Var(Diff.)	Prob.
INDDIR	-0.872353	0.364406	1.102076	0.2388
CEOIND	-6.848212	-4.455275	2.321428	0.1163

SO	-0.565574	0.552901	2.508751	0.4801
MAJOR	-1.123674	-0.222245	0.233843	0.0623
INST	1.007973	0.218462	0.264635	0.1248
CAPITAL	-0.000134	-0.000149	0.000000	0.7499
LIASSET	-0.060698	-0.051697	0.005668	0.9048

Cross-section random effects test equation:

Dependent Variable: ROE

Method: Panel Least Squares

Date: 11/27/18 Time: 17:36

Sample: 1389 1394

Periods included: 6

Cross-sections included: 13

Total panel (balanced) observations: 78

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	45.76133	19.97481	2.290952	0.0256
INDDIR	-0.872353	1.428958	-0.610482	0.5439
CEOIND	-6.848212	4.691213	-1.459796	0.1497
SO	-0.565574	2.181526	-0.259256	0.7964
MAJOR	-1.123674	0.558101	-2.013389	0.0487
INST	1.007973	0.574085	1.755790	0.0844
CAPITAL	-0.000134	0.000193	-0.693683	0.4906
LIASSET	-0.060698	0.205468	-0.295411	0.7687

Effects Specification

Cross-section fixed (dummy variables)

R-squared	0.537565	Mean dependent var	20.72205
Adjusted R-squared	0.386077	S.D. dependent var	11.29666
S.E. of regression	8.851299	Akaike info criterion	7.415560
Sum squared resid	4544.038	Schwarz criterion	8.019844
Log likelihood	-269.2068	Hannan-Quinn criter.	7.657466
F-statistic	3.548577	Durbin-Watson stat	1.451893
Prob(F-statistic)	0.000103		

نتیجه برآورد مدل و آزمون فرضیات

Dependent Variable: ROE

Method: Panel EGLS (Cross-section weights)

Date: 11/27/18 Time: 17:37

Sample: 1389 1394

Periods included: 6

Cross-sections included: 13

Total panel (balanced) observations: 78

Linear estimation after one-step weighting matrix

White cross-section standard errors & covariance (no d.f. correction)

WARNING: estimated coefficient covariance matrix is of reduced rank

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	27.89184	7.427618	3.755152	0.0004
INDDIR	-0.178157	1.073361	-0.165980	0.8687
CEOIND	-5.371047	1.430296	-3.755199	0.0004
SO	1.547759	1.071852	1.444004	0.1541
MAJOR	-1.167276	0.127034	-9.188682	0.0000
INST	1.048279	0.168306	6.228396	0.0000
CAPITAL	-0.000102	3.28E-05	-3.096234	0.0030
LIASSET	0.193241	0.106449	1.815343	0.0746

Effects Specification

Cross-section fixed (dummy variables)

Weighted Statistics

R-squared	0.693170	Mean dependent var	24.38565
Adjusted R-squared	0.592657	S.D. dependent var	13.39168
S.E. of regression	8.542585	Sum squared resid	4232.594
F-statistic	6.896306	Durbin-Watson stat	1.611355
Prob(F-statistic)	0.000000		

Unweighted Statistics

R-squared	0.519949	Mean dependent var	20.72205
Sum squared resid	4717.137	Durbin-Watson stat	1.429912

Abstract

This study has been conducted with the aim of analyzing the effect of corporate governance through variables, board independence, separation of the “chief executive officer” (CEO) and chairman of board, board size, institutional shareholders and major shareholders on the performance of the non-usury banking system of Iran.

This research has been used panel data method. Statistical population of the present investigation included 13 private banks that have been considered for the period 2011 to 2016.

The results show that an increase in share of institutional shareholders has a positive effect on the performance of the Islamic banks, while the impact of major shareholder s’ share and separation of the chairman from the CEO is negative.

Keywords: Non-Usury Banking of Iran, Corporate Governance, Risk Management, Bank Performance, Agency Theory, institutional shareholders

In the name of God



Vice Chancellor for
Research and Technology

Department of Economics
Faculty of Administrative Sciences and Economics
University of Isfahan

A thesis entitled

**Analysing the Effect of Corporate Governance on the
Performance of the Non-Usury Banking System of Iran**

was submitted by

Sahar Moradi

in partial fulfillment of the requirement for the award of the degree of Master of Science.

The degree, evaluated as " excellent", was awarded on 2018/12/15

by the following examination committee.

	Full name	Academic rank	Institute	Signature
1. Supervisor	Dr Khadijah Nasrollahi	Associate Professor	University of Isfahan	
2. Advisor	Dr Mehdi Toghiani	Assistant Professor	University of Isfahan	
3. Internal assessor	Dr Mohammed Vaez Barzani	Associate Professor	University of Isfahan	
4. External assessor	Dr Vahid Moghaddam	Assistant Professor	University of Isfahan	

Head of the department

Dr Rasoul Bakhshi



University of Isfahan
Faculty of Administrative Sciences and Economics
Department of Economics

M.A. Thesis

**Analysing the Effect of Corporate Governance on the
Performance of the Non-Usury Banking System of Iran**

Supervisor:
Dr. Khadijah Nasrollahi

Advisor:
Dr. Mehdi Toghiani

By:
Sahar Moradi

Dec 2018